

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



درسنامه

اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره

اصغر قائدان



## درسنامه

اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره (یراسته)

مؤلف: دکتر اصغر قائدان

ناشر: مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر

تهیه شده در: معاونت امور فرهنگی - مدیریت آموزش

ویراستار: حسن عموعبداللہی

تنظیم عکس‌ها: سیدعلی علوی

چاپ و صحافی: نهضت

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است

نشانی: تهران: خیابان آزادی، نبش رودکی، سازمان حج و زیارت، طبقه اول،

معاونت امور فرهنگی - مدیریت آموزش

قم: خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، کوچه ۱۵، پلاک ۶

تلفن: ۶۴۵۱۲۲۵۵ - ۰۲۱ و ۷۷۳۴۹۱۹ - ۰۲۵۱

## فهرست مطالب

۹.....	دیباچه .....
۱۱ .....	مقدمه مؤلف .....
<b>بخش اول: مکه مکرمه سرزمین و حرم ابراهیم خلیل الله در بستر تاریخ.....۱۳</b>	
۱۵.....	درس اول: تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی ها و اماکن).....
۱۵ .....	مدخل .....
۱۶ .....	الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه.....
۱۷ .....	ب) نام های مکه مکرمه .....
۱۹ .....	ج) فضایل مکه مکرمه و مسجدالحرام.....
۲۲ .....	د) کوه های مکه.....
۲۵ .....	هـ) شعب ها (دره ها).....
۲۷ .....	و) مساجد تاریخی مکه .....
۳۰ .....	ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح .....
۳۴ .....	خلاصه درس .....
۳۵ .....	خودآزمایی .....
<b>درس دوم: تاریخچه کعبه و مسجدالحرام.....۳۷</b>	
۳۷ .....	مدخل .....
۳۷ .....	الف) کعبه نخستین خانه عبادت بر روی زمین.....
۳۹ .....	ب) سیر بنا و بازسازی کعبه .....
۴۱ .....	ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام.....
۴۲ .....	د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام .....
۶۶ .....	هـ) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن.....
۶۷ .....	و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون.....
۷۱ .....	خلاصه درس.....
۷۳ .....	خودآزمایی .....

درس سوم: میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه.....	۷۵
مدخل.....	۷۵
الف) میقات‌های حج.....	۷۶
ب) حدود حرم و علت تحریم.....	۷۹
ج) مساجد منطقه آغازین حرم.....	۸۱
د) سرزمین عرفات.....	۸۴
هـ) مَشْعَر الحرام = مُزْدَلِفَه.....	۸۷
و) وادی مُحَسَّر.....	۸۸
ز) سرزمین منا.....	۸۹
ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه.....	۹۲
خلاصه درس.....	۹۳
خودآزمایی.....	۹۵
<b>بخش دوم: مدینه منوره حرم خاتم النبیین ﷺ</b> .....	۹۷
درس چهارم: موقعیت جغرافیایی مدینه منوره.....	۹۹
مدخل.....	۹۹
موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (یثرب).....	۱۰۰
فضایل بقیع.....	۱۰۷
گنبد و بارگاه‌های بقیع.....	۱۰۹
به خاک آرمیدگان بقیع.....	۱۱۰
خلاصه درس.....	۱۲۴
خودآزمایی.....	۱۲۵
درس پنجم: موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن.....	۱۲۷
مدخل.....	۱۲۷
تاریخچه یثرب (مدینه النبی ﷺ).....	۱۲۸
ورود یهود به یثرب.....	۱۲۸
ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب.....	۱۳۰
نام‌های مدینه منوره.....	۱۳۱
فضایل مدینه منوره.....	۱۳۱
مقدمات هجرت پیامبر ﷺ به مدینه.....	۱۳۲
مسیر هجرت پیامبر ﷺ به مدینه.....	۱۳۴
مساجد تاریخی مدینه منوره.....	۱۳۵

الف) منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه).....	۱۳۵
۱. مسجد قُبا.....	۱۳۷
۲. مسجد جمعه = عاتکه.....	۱۳۹
ب) مساجد پیرامونی مسجد النبی ﷺ (جنوب غربی مدینه).....	۱۴۰
۱. مساجد و نمازگاه‌های پیامبر ﷺ در اعیاد اسلامی.....	۱۴۰
۲. مساجد جنوب غربی مسجد النبی ﷺ.....	۱۴۳
۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجد النبی ﷺ.....	۱۴۴
ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه).....	۱۴۶
۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعة).....	۱۴۷
۲. مساجد دیگر منطقه احزاب.....	۱۵۰
د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن.....	۱۵۰
۱. المستراح (محل استراحت).....	۱۵۰
۲. الدُّرْع = الشَّيْخَان.....	۱۵۱
۳. عَيْثَيْن.....	۱۵۱
هـ) منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن.....	۱۵۲
۱. مسجد بنی قریظه.....	۱۵۳
۲. مشربه ام ابراهیم.....	۱۵۳
۳. فضیخ = رد الشمس = بنی نضیر.....	۱۵۴
و) مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه.....	۱۵۶
۱. مسجد شجره = ذو الحَلِيفَه (آبار علیؑ).....	۱۵۶
۲. منطقه خیبر.....	۱۵۷
۳. منطقه فدک.....	۱۵۷
۴. زیارتگاه یَنبوع.....	۱۵۷
خلاصه درس.....	۱۵۸
خودآزمایی.....	۱۶۱
درس ششم: مسجد النبی ﷺ و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر).....	۱۶۳
مدخل.....	۱۶۳
الف) مسجد النبی ﷺ در گذر تاریخ.....	۱۶۴
ب) آثار تاریخی و مقدس مسجد النبی ﷺ.....	۱۶۶
۱. ستون‌های مسجد النبی ﷺ.....	۱۶۶
۲. ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا.....	۱۷۱

۳. منبر.....	۱۷۳
۴. محراب‌ها.....	۱۷۳
۵. روضة النبی ﷺ.....	۱۷۵
۶. بیت شریف پیامبر گرامی ﷺ.....	۱۷۶
۷. خانه فاطمه ﷺ.....	۱۷۷
۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا ﷺ.....	۱۷۸
۹. قبر فاطمه ﷺ دختر گرامی پیامبر ﷺ.....	۱۸۰
۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین ﷺ.....	۱۸۲
۱۱. محل اذان بلال.....	۱۸۳
۱۲. درهای مسجد.....	۱۸۴
۱۳. مأذنه‌ها.....	۱۸۶
۱۴. قبة الخضراء.....	۱۸۷
۱۵. قبة الزرقاء.....	۱۸۷
ج) آتش سوزی‌های مسجد النبی ﷺ.....	۱۸۸
د) سیر تاریخی توسعه مسجد النبی ﷺ از آغاز تا کنون.....	۱۸۸
۱. دوران پیامبر خدا ﷺ.....	۱۸۸
۲. مسجد النبی ﷺ در عصر حاضر.....	۱۸۸
خلاصه درس.....	۱۹۱
خودآزمایی.....	۱۹۳
منابع و مأخذ.....	۱۹۵
تصاویر.....	۲۰۷



## دیباچه

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است.<sup>۱</sup>

حج نمایشی باشکوه از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسئولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است.

مؤمنان زنگار دل را با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، سرشار از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی ره حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانده و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل - احیاگر حج ابراهیمی - و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند

---

۱. امام خمینی ره، *صحیفه حج*، ج ۱، ص ۲۰.

رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای - مدظله العالی - مدیریت آموزش معاونت امور فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، تلاش می‌کند با تهیه و تدوین متون آموزشی، فصل جدیدی فرا راه کارگزاران حج و زائران حرمین شریفین بگشاید.

از این رو، پس از کارشناسی‌های لازم و بهره‌گیری از اساتید و متخصصان فن، تلاش گردیده تا برای تهیه درسنامه‌ها و محتوای مورد نیاز در سفر حج و عمره، عناوین، موضوعات، سرفصل‌ها و منابع هر درس را مشخص و جلسات آموزشی آنها زمان‌بندی گردد تا به نحو بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

عناوین این درسنامه‌ها عبارتند از:

۱. درسنامه آداب سفر حج
۲. درسنامه مناسک حج
۳. درسنامه اسرار حج
۴. درسنامه آشنایی با تاریخ اسلام (۲ و ۱)
۵. درسنامه اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره
۶. درسنامه احکام مبتلابه حج
۷. درسنامه آشنایی با کشورهای اسلامی
۸. درسنامه گزیده سیمای عقاید شیعه
۹. درسنامه شناخت عربستان.

بی‌تردید آغاز هر کاری با کاستی‌ها و نواقص احتمالی همراه است. لذا انتظار می‌رود با بهره‌گیری از نظرات خوانندگان ارجمند، نقاط قوت و ضعف این مجموعه شناسایی و به تقویت داشته‌ها و زدودن کاستی‌های آن اقدام شود. در پایان ضمن تشکر از همه عزیزانی که ما را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری کرده‌اند، توفیق همگان را از خداوند منان خواهیم.

**معاونت امور فرهنگی**  
**مدیریت آموزش**

### مقدمه مؤلف

مکه سرزمین وحی سرمدی و مدینه سرچشمه زلال محمدی، دو نگین درخشان بر روی کره خاکی، همه ساله صدها هزار شیفته و واله خود را بر اساس فرمان حضرت ابراهیم علیه السلام که فرمود: «هَلِّمُوا إِلَى الْحَجِّ» به سوی حج بشتابید به خویش فرا می خواند و زائر این کوی دوست، باید که با معرفت و آگاهی به این سرزمین مقدس مشرف و با احرام در حریم یار و در مقام مُحَرَّم پا جای پای ابراهیم خلیل علیه السلام گذارد. این حریم و حرم و سرزمین وحی را باید شناخت، جایی که روزی مهبط جبرئیل امین و جایگاه حضور انبیای الهی و سرور همه آنان، ختم رسولان صلی الله علیه و آله و سلم و نیز یاران و صحابه جلیل القدر و امامان همام علیهم السلام و فرزندان بزرگوار آنان و بندگان صالح ربوبی بوده است. هرگوشه از حرم و شهر امن الهی خاطره و آثاری گویا و شواهدی زنده از عصر نبوت و رسالت است و نیز حریم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هجرتگاه او، مدینه النبی صلی الله علیه و آله و سلم که یادآور جانفشانی ها و تلاش های طاقت فرسا برای حفظ و گسترش اسلام است.

نوشتار پیش رو، می تواند راهنمایی باشد برای کسانی که به این سرزمین مشرف می شوند و این اثر که در قالب متن آموزشی به محضر زائران بیت الله و

کارگزاران حج و عمره تقدیم می‌گردد، به پیشنهاد و مساعدت مدیریت محترم آموزش معاونت امور فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری به نگارش در آمده و امید است به رغم موجز و مختصر بودن، به کار آید.

در پایان از همه عزیزانی که در تهیه، تنظیم و نشر این اثر همکاری و مساعدت نمودند، به ویژه از جناب آقای دکتر محمد آرمند که در تنظیم آن در قالب متن آموزشی تلاش کردند، صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند متعال موفقیت و سلامتی آنان را خواهانم.

اصغر قائدان

تابستان ۱۳۹۰

بخش اول:

مکه مکرمه

سرزمین و حرم ابراهیم خلیل الله در بستر تاریخ



## درس اول:

### تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی‌ها و اماکن)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- موقعیت جغرافیایی مکه را بدانیم.
- با اسامی متعددی که برای شهر مکه عنوان شده است، آشنا شویم.
- کوه‌های مکه و دلایل نامگذاری آنها را بدانیم.
- شعب‌های مکه را بشناسیم.
- از سیر تاریخی مساجد مکه و دلیل احداث آن آگاه شویم.
- دلیل شکل‌گیری مزار شهدای گمنام فح را بدانیم.

#### مدخل

در این فصل ابتدا موقعیت شهر مکه به لحاظ وضعیت جغرافیایی و نام‌هایی که در متون بر این شهر اطلاق شده است، آشنا می‌شویم. آن‌گاه مکان‌ها و نقاطی که در فراز و درون خود تاریخچه‌ای از حوادث از جمله مولد، بعثت و هجرت رسول خدا ﷺ را جای داده‌اند بررسی و توصیف خواهد شد. در ادامه، مساجد مکه که از فضائل زیادی برخوردار و شاهد حوادث مهمی در عصر رسول الله ﷺ بوده‌اند و شناخت آنها می‌تواند یاد و خاطره آن حوادث را زنده نگه دارد، و نیز زیارتگاه‌هایی همچون قبرستان ابوطالب که محل دفن بسیاری از بزرگان در قبل از اسلام و صحابه و تابعین در بعد از اسلام است و نیز مزار شهدای فح که زیارت آنان ثواب بی‌شماری دارد، معرفی می‌شوند.

### الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر مرکز استانی به همین نام است که از شمال به مدینه، از شرق به ریاض، از جنوب به استان عسیر و از غرب به جدّه محدود می‌شود.<sup>۱</sup> ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و از این رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارتند از:

۱. فلق یا فلق؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد.
۲. قُعِیْقُعان؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُغُع، کَدی<sup>۲</sup> از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند.<sup>۳</sup>

همچنین کوه وسیعی با نام جبل خندمه در میان شهر قرار دارد.<sup>۴</sup> شهر، از سمت شمال به جنوب حالت سرایشی دارد. سمت شمال را مَعْلَلة (بالا) و سمت جنوب را مَسْفَلَه (پایین) گویند.

آب و هوای مکه خشک و سوزان است و گرمای آزاردهنده‌ای دارد؛ زیرا کوه‌هایی که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی را سد کرده و صخره‌ها نور خورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می‌کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق‌العاده زیاد است. بارندگی در آن غالباً مقطعی و در دی ماه است؛ زیرا در منطقه مداری واقع<sup>۵</sup> و به گاه بارش باران، چنان سیلی در چند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعت‌ها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شود و گاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر و اندی فرا می‌گیرد. برای

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۱.  
 ۲. پیامبر خدا ﷺ و سپاه اسلام در سال هشتم هجری، هنگام فتح مکه از میان این کوه‌ها به داخل شهر وارد شدند.  
 ۳. یاقوت حموی، همان، ج ۴، ص ۳۷۹.  
 ۴. به بحث کوه‌های مکه در صفحات بعدی رجوع کنید.  
 ۵. مملکة العربیة السعودیة، وزارة الاعلام، ص ۱۱.



جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلاّه ساخته‌اند. شهر مکه ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ع محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق‌الجیشی به آن بخشیده است. علاوه بر آن به سبب وجود کعبه این شهر موقعیتی دینی یافت. امروزه جمعیت ساکن آن بیش از یک میلیون و ششصد هزار نفر است.

### ب) نام‌های مکه مکرّمه

اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند. قاضی مجدالدین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به نام *تجییر الموشین فی التّعیر بالسیین والشین* آورده است. در اینجا به وجه تسمیه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می‌کنیم:

#### ۱. بَکّه

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>  
گروهی بَکّه را همان مکه دانسته‌اند که میم آن تبدیل به با شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو قائلند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بَکّه» و نام شهر را «مکه» دانسته‌اند.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بَکّه باید یکی از نام‌های شهر باشد. برای بَکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله بَکّه، از «بک» مشتق شده؛ یعنی غرور گردنکشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بَکّه در جایی نیز به معنای «ازدحام» آمده است.<sup>۳</sup>

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۷۹.  
۲. زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۱۱؛ فاسی المکی، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ص ۷۷؛ ابن ابی شیبّه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۷.  
۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷؛ فاکهی، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن ابی شیبّه، همان، ج ۴، ص ۳۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹.

## ۲. مکه

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ....<sup>۱</sup>

و اوست که دست‌های آنان (کفار) را از شما (صلح حدیبیه) و دست‌های شما را از آنان در سرزمین مکه پس از آن که شما را برایشان پیروز گردانید بازداشت و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

برای مکه نیز چند معنا گفته‌اند از جمله: مکه، از «مک» به معنای کمی آب مشتق شده است. بعضی نیز آن را از «تمککُ العظم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان‌گونه که مغز استخوان، در میان آن است.<sup>۲</sup> برای مکه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مکَّ یُمکُ» گرفته شده و به معنای «هلاک شدن» و «کاستن است» و گویند هرکس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود.<sup>۳</sup>

برای مکه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مکربا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لهجه ساکنان جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدس بوده‌اند، «مکرب» یا «مقرب» می‌خواندند.<sup>۴</sup>

## ۳. أم القرى

«...وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...»<sup>۵</sup> آن‌گاه زمین را از زیر گسترانید.» مکه را از این رو «أم القرى» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین،

۱. فتح، ۲۴.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹۱ ماده «مکک»؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷.

۳. زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۷۹؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۹؛ کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۱.

۴. رک: جواد علی، مکه مکرمه، ترجمه نگارنده، فصلنامه «میقات حج» شماره ۸.

۵. انعام، ۹۲.

آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه و مکه، خشک بود و این خشکی، اندک اندک از پیرامون مکه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت. در اصطلاح لغوی و قرآنی، به این مسأله «دَحْوَالارض» گویند که در قرآن کریم آمده است: ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا﴾ تا انذار و بیم‌دهی امّ القری و کسانی را که پیرامون آن هستند.<sup>۱</sup> مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد. علم زمین‌شناسی نیز در عصر حاضر چنین فرضیه‌ای را ثابت می‌کند، چنانچه به کوه‌های مکه بنگریم، هیچ رگه و اثری از سنگ‌هایی که در گذشته زیر آب بوده‌اند نمی‌یابیم.

#### ۴. بلد الامین

«وَالَّتِيْنِ وَالزَّيْتُوْنَ \* وَطُوْرٍ سَيْنِيْنَ \* وَهَذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ»<sup>۲</sup>

بلد امین، به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیّت و حرمتش را بیان کرده است.

#### ج) فضایل مکه مکرمه و مسجدالحرام

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

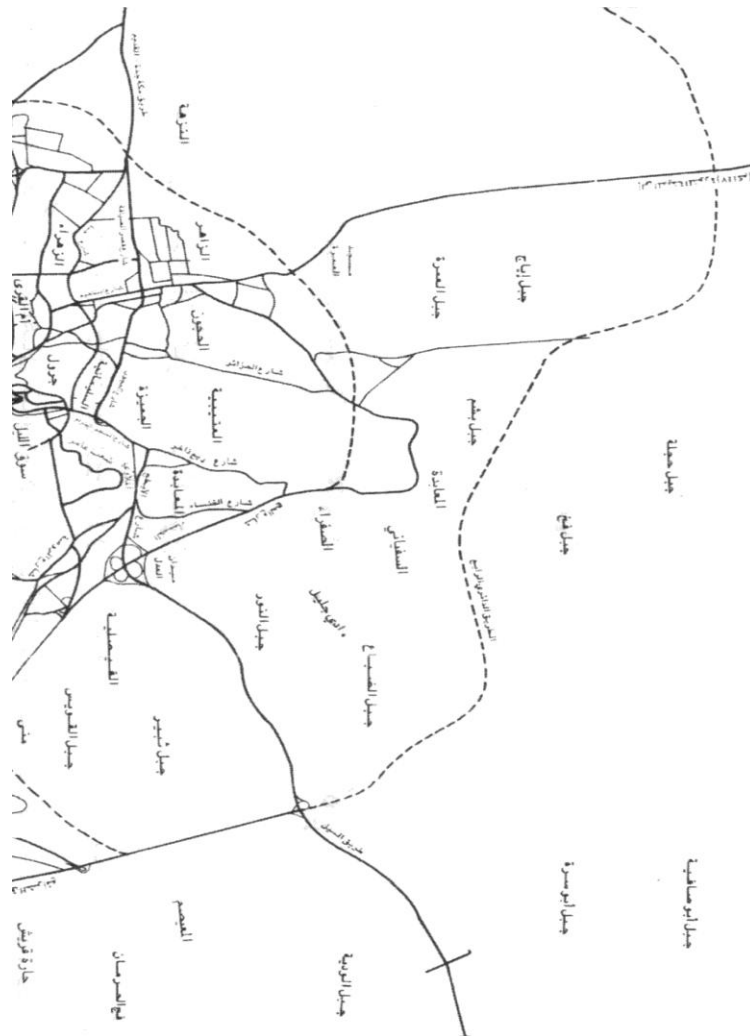
وَاللّٰهُ اِنَّكَ لَخَيْرُ اَرْضِ اللّٰهِ وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَيَّ، وَلَوْ لَا اِنِّيْ اُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ.<sup>۳</sup>

به خدا سوگند که تو [مکه] بهترین و محبوب‌ترین زمین خدا نزد من هستی؛ اگر ناچار نبودم که از مکه خارج شوم هرگز خارج نمی‌شدم.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوب‌تر از خاک مکه نیست و هیچ سنگی و درختی و کوهی و آبی از آن نیز نزد خدا محبوب‌تر نیست»<sup>۴</sup>

۱. نازعات، ۳۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۷۸؛ نهروانی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۱۸.  
 ۲. تین، ۳.  
 ۳. ابن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۴۹۹؛ فاسی الملکی، همان، ج ۱، ص ۱۱۹.  
 ۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۵؛ این حدیث از امام علی (ع) نیز نقل شده است.  
 ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانيّة، ج ۱، ص ۳۶۳.

پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که در مکه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد.»<sup>۱</sup>



۱. نهروانی المکی، همان، ص ۱۹.



**د) کوه‌های مکه****۱. جبل النور = غار حرا (مهبط وحی)**

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.<sup>۱</sup>

بخوان به نام پروردگاری که انسان را از نطفه بسته آفرید، بخوان و پروردگار تو کریم‌تر است که به قلم آموخت و به انسان آنچه نمی‌دانست آموخت.

کوه نور، مهبط جبرئیل امین علیه السلام و محل نزول وحی است. در شب بیست و هفتم ماه رجب، سال چهل‌م عام الفیل (= ۶۱۰ میلادی) جبرئیل علیه السلام بر قلّه این کوه بر پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز رسالت آن پیامبر عظیم‌الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را اعلان کرد.

کوه نور، که در شش کیلومتری شمال شرقی شهر مکه و کنار راه منا به طائف بوده، اکنون به علت گسترش مکه، در داخل شهر قرار گرفته است. ارتفاع آن از سطح دریا ۶۲۱ متر و از سطح دامنه ۲۸۱ متر است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیده شده و نزد مردم محلی به «جبل النور» معروف است. شکل آن مخروطی و مستقل از دیگر کوه‌هاست. غار حرا، مهبط جبرئیل امین در قسمت جنوبی واقع شده است، از این رو آن را به عنوان یکی از کوه‌های بسیار مهم و با فضیلت مکه ساخته است. (تصویرهای شماره ۲۱ و ۲۲)

ارتفاع دهانه غار که به سمت شمال قرار دارد ۲ متر، عرض آن حدود ۱/۲۰ متر و طولش نیز حدود ۲ متر است. از عجایب این غار آن که انتهای آن کاملاً به سوی مسجدالحرام است و در مدخل آن می‌توان به سمت بیت المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگام طلوع تا غروب آفتاب روشن و علاوه بر این، گرمای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لذا معتکف در این غار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کند. در انتهای غار، بوی خوشی به مشام می‌رسد که همانند آن در شکاف کوه احد، جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را مداوا کردند و نیز در صحن

۱. علق، ۱-۵.

مسجد فتح، در جایی که پیامبر ﷺ سه شبانه روز در هنگام غزوه خندق دعا و مناجات کردند استشمام می‌شود که شاید نتیجه اعتکاف و عبادت رسول خدا ﷺ در این مکان‌ها باشد که «ما اطيب حیاً و میثاً» اگر بدن و جسم مبارک خدا ﷺ چه در حیات و چه در ممات بوی مشک دهد، چرا نتوان این بو را در جایگاه عبادت او استشمام کرد؟! در هر حال، چنان که بعضی گفته‌اند، غار حرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر ﷺ محل اعتکاف و عبادت آن حضرت بوده است.

حضرت خدیجه ع و امام علی ع از کسانی هستند که شاهد اعتکاف پیامبر ﷺ در این غار بوده‌اند. همسر گرامی رسول خدا ﷺ با دلی سرشار از محبت و عشق به آن حضرت، در طول چهل روز اعتکاف ایشان، در غار حرا، این مسیر طولانی و دشوار را هر روز برای رسانیدن آب و طعام به آن برگزیده خدا طی می‌کرد که می‌توان امروز با گام نهادن در این مسیر، آن ایثار و فداکاری را پاس داشت.

## ۲. ابوقیس = جبل امین

یکی دیگر از کوه‌های مهم مکه ابوقیس است که به سبب سکونت فردی به نام ابوقیس، به این نام معروف شده است. بنا بر روایات متعدد، ابوقیس برترین کوه‌های مکه است.<sup>۱</sup> این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفاست. یعنی در کنار منطقه توسعه‌یافته پشت مسعی، جایی که دارالضیافه سعودی را پس از تخریب بخشی از آن ساخته‌اند و بدین رو باقی مانده کوه چندان قابل رؤیت نیست.

خداوند، حجرالأسود را از بهشت به ابراهیم ع رسانید و این سنگ از زمان طوفان نوح ع در امانت کوه ابوقیس بود، لذا این کوه را به همین مناسبت «امین» خوانده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۴۶، علت آن را نزدیکی به مسجدالحرام و عبادت خلائق در نزدیکی آن ذکر کرده‌اند.

۲. ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۵۱۵ و ۵۱۶.

فاکهی می‌نویسد: «ابراهیم علیه السلام بر بالای این کوه، مردم را برای انجام حج دعوت می‌کرد.<sup>۱</sup> این کوه، پس از اسلام، شاهد معجزه شق القمر بود که نیمی از آن بر بالای ابوقیس و نیمی بر قعقعان دیده شد. بعدها مسجدی به همین نام در این مکان ساختند.<sup>۲</sup> همچنین مسجدی دیگر به نام «مسجد ابراهیم»، در کنار آن، که هر دو هنگام ساخت دارالضیافه در دوران سعودی تخریب شد.

### ۳. کوه ثور (مخفی‌گاه هجرت)

در سه کیلومتری جنوب شرقی مکه و در جنوب منطقه «مسفله» کوهی قرار دارد که مساحت آن دوازده کیلومتر مربع است. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولد «ثور بن عبد مناة» در آن، به این نام معروف شده است.<sup>۳</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه روز در آن غار پنهان شدند. در آیه ۴۰ سوره توبه از این واقعه یاد شده است.<sup>۴</sup>

پایین‌تر از غار، صخره‌ای به صورت گنبدی بزرگ در آمده که تعدادی زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن جبیر آن را «قبة جبرائیل علیه السلام» خوانده است.<sup>۵</sup> (تضاویر ۳ و ۴)

### ۴. حجون<sup>۶</sup>

نام کوهی است که در دامنه آن، قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد. این گورستان از عصر جاهلیت تا عصر حاضر محل دفن مردگان است. در دوران اخیر در کنار آن پلی به نام حجون ساخته‌اند که به جاده قدیم جده مکه وصل می‌شود.

۱. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۴۶ و ۴۷.

۲. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶.

۴. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۸۰ - ۸۳ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۸ - ۲۳۲.

۵. ابن جبیر، الرحله، ص ۸۴ و ۸۵ وجه تسمیه این مکان به «قبة جبرائیل» در این کتاب بیان نشده است.

۶. حَجُّون از حجن به معنای کجی و خمیدگی است. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۵).



**۵. ثَبِير**

کوه ثَبِير که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در شمال مشعر الحرام قرار دارد. از این رو به آن «ثَبِير» گفته‌اند که شخصی به همین نام، از قبیله هذیل در آن فوت شده است.<sup>۱</sup> گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا به جای اسماعیل (ع) ذبح شود.<sup>۲</sup>

**۶. قُعَيْقَعَان**

این کوه در مقابل کوه ابوقییس و سمت مروه، یعنی در شمال و شمال غربی مسجدالحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزَل» نیز گفته‌اند.<sup>۳</sup> گویند در حادثه شق القمر، نیمی از ماه بر کوه قُعَيْقَعَان دیده شد. گفتنی است مسجدالحرام در میان این دو کوه قرار دارد که به سبب ساخت و سازها در حال تخریب است.

**۷. جبل خندمه**

این کوه بر اجیاد صغیر مشرف و پشت کوه ابوقییس در میان شهر قرار دارد. فاکهی از ابن عباس نقل می‌کند که در این کوه هفتاد پیامبر دفن شده‌اند.<sup>۴</sup>

**۸. کوه خلیفه**

مشرف بر اجیاد کبیر و از نام خلیفه بن عمر گرفته شده است؛ زیرا وی نخستین کسی است که بر این کوه خانه ساخت. اینجا هنگام فتح مکه گریزگاه و پناهگاه مشرکان بوده است.<sup>۵</sup>

**هـ) شعب‌ها (درّه‌ها)**

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای درّه‌ها یا شعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف

۱. یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۷۳.

۲. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۵۱؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۲.

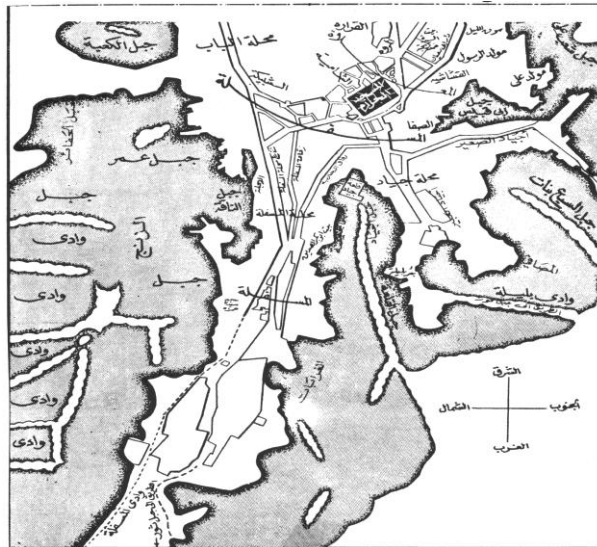
۳. نهروانی المکی، همان، ص ۱۱.

۴. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۴۵.

۵. ازرقی، همان، ج ۲، ص ۵۳۲.

بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند<sup>۱</sup> که دو شعب معروف آن عبارتند از:

۱. شعب ابی دُبّ: این شعب در کنار حجّون قرار دارد. ابودُبّ نام مردی از خاندان سوادبن عامر است. بعدها در این درّه سلاخ‌ها ساکن شدند. قبرستان ابوطالب در این شعب قرار دارد که در دامنه کوه حجّون واقع شده است. برخی به اشتباه آن را شعب ابی طالب دانسته‌اند که پیامبر ﷺ و یارانش در آن محاصره شدند.
۲. شعب ابوطالب (محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبر خدا ﷺ): این شعب در تاریخ به نام‌های ابی طالب، مولد (محل تولد پیامبر ﷺ) و شعب علی علیه السلام معروف بوده است. در این مکان پیامبر ﷺ، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب سه سال از سوی کفار محاصره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابوطالب، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب متعلق بود و میان دو کوه «ابوقییس و خندمه» قرار داشت. گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی‌هاشم و بنوعامر در نزدیکی مسجد الحرام واقع شده‌اند. و بر بالای یکی از تونل‌های زیر کوه ابوقییس تابلویی با نام علی علیه السلام دیده می‌شود که نشان شعب علی علیه السلام یا ابوطالب علیه السلام است.



۱. یعقوبی، البلدان، ص ۷۸.

## (و) مساجد تاریخی مکه

### ۱. مسجد یا مولد النبی ﷺ

عقیل بن ابی طالب، هنگام هجرت پیامبر ﷺ محل تولد حضرت محمد ﷺ یعنی خانه آمنه بنت وهب را در شعب ابوطالب خرید. پس از چندی، خیزران مادر هارون الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد (زقاق المولد) باز می‌شد.<sup>۱</sup>

جایی که پیامبر ﷺ در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و چند در ورودی بود. هنگامی که آنجا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولد پیامبر خدا ﷺ حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند.<sup>۲</sup> این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد.<sup>۳</sup> به گفته محسن الامین، در حکومت آل سعود به سبب تبرک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد!<sup>۴</sup> بعدها شیخ عباس نظامی در مکان آن کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ ق. ساخت که اکنون در سمت میدان پشت مسعی، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبة مكة المكرمة» دیده می‌شود. (تصویر شماره ۵)

### ۲. مسجد الرأیه

پیامبر ﷺ در سال هشتم هجرت عازم فتح مکه شدند و در نزدیکی مسجد الحرام رایت (پرچم سپاه اسلام) را نصب کردند<sup>۵</sup> و فرمودند: «هریک از مردم مکه کنار آن آید جانش در امان است.» گویند پیامبر ﷺ در آن مکان نماز گزارند.<sup>۶</sup>

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ازرقی، همان؛ لیب البتنونی، الرحله، ص ۹۶.

۲. ابن جبر، الرحله، ص ۸۲؛ لیب البتنونی، همان، ص ۹۶.

۳. رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۴. محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۵. بخاری، صحیح، حدیث ۴۲۸۰. برای اطلاع از چگونگی فتح مکه و ورود نیروهای اسلام.

(ر.ک: البکری الشافعی، الذرة المکله فی فتح مكة المشرفة المبیجله)

۶. احمد بن حنبل، المسند، حدیث ۱۵۴۴۶؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۳.

این مسجد در گذشته به «جودریه» معروف بود؛ زیرا در دهانه بازار جودریه که ایرانیان به اشتباه ابوسفیان می‌دانند قرار داشت. بر اساس گفته ابن ظهیره و فاسی مسجد الرایه در ۵۰۰ متری سمت صفا و مروه قرار دارد.<sup>۱</sup> مسجد که در ابتدای شارع مسجدالحرام در سمت مسعی و داخل بازار قرار داشت در سال ۱۳۸۰ ش. به گونه زیبایی بازسازی و دیوارها و مناره آن از سنگ ساخته شد و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. اما نام آن را پس از بازسازی تغییر داده، مسجد فهدبن عبدالعزیز گذاشتند. این مسجد به سبب اجرای طرح توسعه اطراف مسجدالحرام که اکنون در حال اجراست به همراه بازار و ساختمان‌های اطراف، تخریب گردیده است. (تصویر شماره ۶ و ۶/۱)

### ۳. مسجد البیعة = مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر ﷺ به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان شعب بنی‌عامر و سوق الغنم، با مردم مکه دیدار کردند. در این دیدار، کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دل‌هایشان به اسلام گرایش یافته بود، با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گرویدند.<sup>۲</sup>

این مسجد که به یاد آن واقعه ساخته شد، به گفته عاتق بن غیث بلادی، محقق معروف مکه، در خیابان مسجدالحرام، ۵۰۰ متر بالاتر از بازار جودریه، روبه‌روی اداره پست و تلگراف و سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. با این حال تردیدهایی در مورد مکان آن وجود دارد. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبا دارد. (تصویر شماره ۷)

### ۴. مسجد شجره

کمی پایین‌تر از مسجد جن، در تقاطع شارع مسجدالحرام و شارع نونه، قبل از پل سلیمانیه مسجدی است که به یاد معجزه‌ای از پیامبر اکرم ﷺ در صدر

۱. ابن ظهیره، الجامع اللطیف، ص ۲۰۵؛ فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۱۳۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۲۰۱.

اسلام ساخته و مسجد «شجره» نامیده شد.<sup>۱</sup> در ابتدا این مسجد کوچک و ساده بود، در سال ۱۳۸۰ با نمایی از سنگ‌های سفید و تیره و زیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل بازسازی شد. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در نزدیکی مدینه هم نام است. (تصویر شماره ۸)

## ۵. مسجد الجن

قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا \* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرَكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا.<sup>۲</sup>

بگو به من وحی شده است که گروهی از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم که به راه راست راه می‌نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را برای خداوند خود شریک قرار ندهیم.

مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه برخلاف بسیاری از آثار تاریخی، هم‌چنان پا برجا مانده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال بازگشت از طائف در این مکان به تلاوت قرآن پرداختند و تعدادی از جنیان با شنیدن آیات قرآن مسلمان شدند. برخی گویند سوره جن در این مکان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد.<sup>۳</sup> بعدها به یاد آن واقعه در آن مکان مسجدی ساختند. مسجد جن کمی بالاتر از مسجدالبیعه در سمت چپ خیابان مسجدالحرام، و در نزدیکی قبرستان ابوطالب قرار دارد.

بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی رنگ و یک مناره بزرگ است که دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد، زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پر رونق مکه است. (تصویر شماره ۹)

۱. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۲۷ - ۳۰.

۲. جن، ۱ و ۲.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۳۷.

### ۶. مسجد الإجابة

حدود یک کیلومتر بالاتر از پل حجون و کنار میدان معابده، که از آنجا به عزیزیه می‌روند مسجدی ساخته‌اند که گویند حضرت در این مکان نماز گزارده‌اند.<sup>۱</sup> برخی بر این عقیده‌اند که آیات آخر سوره حجر در این مکان نازل شده است. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا با سنگ‌های سفید و تیره بازسازی شد. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۱۰)

### ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح

#### ۱. قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعَلَّى)

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف چون ابوطالب، قریش، حَجُون، بنی‌هاشم و جَنَّةُ الْمُعَلَّى یا جَنَّةُ الْمُعَلَّاه مشهور است.<sup>۳</sup> این قبرستان در شمال شرقی مسجدالحرام و در دو راهی خیابان مسجدالحرام - الحَجُون بر دامنه کوه حجون و در شعب ابی دُب قرار دارد.<sup>۴</sup>

مردم مکه در دوران جاهلی مردگان خود را در دره ابی دُب که بخشی از حَجُون است، دفن می‌کردند،<sup>۵</sup> بعد از آن، منطقه گورستان وسیع‌تر شد و مسلمانان نیز در آن دفن شدند که تا عصر حاضر این روند ادامه دارد.

از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر ﷺ زمانی وارد این مقبره شد که قبری از مسلمانان در آن نبود و در اینجا بود که فرمود: از این مکان و از حرم خداوندی هفتاد هزار نفر بدون حساب به بهشت می‌روند و هر یک هفتاد نفر را شفاعت می‌کنند. این در حالی است که صورت‌های آنان، چه از اولین و چه از آخرین، همانند ماه شب بدر می‌درخشد. کسانی که در مکه و حرم وفات یابند، روز قیامت ایمن برانگیخته خواهند شد. عبدالله بن مسعود

۱. ابن بطومه، الرحله، ص ۶۴.

۲. ر.ک: بخش مدینه از همین کتاب.

۳. فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۸۱.

۴. فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۵۰.

۵. همان، ص ۵۴؛ ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۸۱.

افزود: همراه پیامبر ﷺ به این قبرستان آمدم. آن حضرت فرمودند: «به زیارت قبور بروید و برای اموات خود استغفار کرده، نماز بخوانید که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ خواهد انداخت.»<sup>۱</sup>

برای زیارت قبور این قبرستان و هر یک از آبا و اجداد پیامبر ﷺ زیارت خاصی ذکر شده است.<sup>۲</sup>

گرداگرد این قبرستان دیواری کشیده‌اند که تا دامنه کوه امتداد می‌یابد. قبرستان از دو ناحیه مجزاً تشکیل شده است. قبور آبا و اجداد پیامبر ﷺ و بنی‌هاشم در شمال قبرستان واقع است که آن را به وسیله دیوار و نرده‌های آهنی از بقیه قبرستان جدا کرده‌اند. این قبور تا قبل از حکومت آل سعود، دارای گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه‌نویسان و سیاحان به آن اشاره کرده‌اند. قبرستان تا آن سوی خیابان حجون نیز امتداد داشته است.

در این قبرستان، بسیاری از بزرگان در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارتند از:

الف) قُصَى بن کِلَاب (جدّ چهارم پیامبر خدا ﷺ): او نخستین کسی بود که در این قبرستان مدفون شد.<sup>۳</sup> قصی همان کسی است که قبیله قریش را به وجود آورد و برای بهتر برگزار شدن حج، مناصبی برای کعبه ایجاد کرد. در این قبرستان فرزندان قصی از جمله عبدمناف نیز مدفون هستند.

ب) عبدالمطلب بن هاشم: جدّ اعلای رسول خدا ﷺ که در زمان او ابرهه، به مکه حمله کرد. او سنت‌های نیکی به عنوان آیین حنیف در مکه به اجرا درآورد و چاه زمزم را نیز احیا کرد. مدفن وی کنار ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبدالله بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است.<sup>۴</sup> شایان ذکر است هاشم پدر عبدمناف نیز در غزه مدفون است.

۱. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۵۱-۵۶.

۲. ر.ک: محسن الامین، مفتاح الجنات فی الادعية و الاعمال و الصلوات و الزیارات، ج ۲، ص ۶-۸.

۳. ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۲.

۴. لیب البتنونی، الرحلة الحجازیه، ص ۹۶.

ج) ابوطالب بن عبدالمطلب: پدر گرامی امام علی علیه السلام و بزرگ‌ترین حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله که پس از اسلام از دنیا رفت. او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپردند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ ق. تعمیر و بازسازی شد.<sup>۱</sup>

د) خدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و افضل زنان بهشت و نخستین زن مسلمانی است که در هنگام محاصره شعب ابی طالب از دنیا رفت. قبر او دارای گنبد و بارگاهی بود.<sup>۲</sup>

ه) قاسم بن محمد علیه السلام: فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه علیها السلام است دفن کرد.<sup>۳</sup> همچنین در این قبرستان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه علیهم السلام، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر نیز دفن شده‌اند. (تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲)

## ۲. مزار گمنام شهدای فتح

هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام که پس از شهادت به «شهید فتح» مشهور شد، همراه چند تن از نوادگان امام حسن علیه السلام و نزدیک به چهار هزار نفر از علویان، که از حکومت عباسیان به ستوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصرف مدینه جهت انجام حج و افشاگری ستم بنی عباس و روشنگری راه اهل‌بیت علیهم السلام در حال احرام به سمت مکه حرکت کردند. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسجد تنعیم، که به «وادی فتح» معروف است، با سپاهیان خلیفه رو به رو شدند. در

۱. همان، ص ۹۵.

۲. همان.

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۹.



این نبرد که در هشتم ذی الحجه سال ۱۶۹ ق. (روز ترویه) رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر ﷺ را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسرا نزد خلیفه فرستادند. بدن های بی سر شهدای فخر را پس از سه روز، در همان محل دفن کردند.<sup>۱</sup>

از امام جواد علیه السلام نقل شده که برای ما اهل بیت بعد از کربلا قتلگاهی بزرگ تر از فخر نبوده است. همچنین امام باقر علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: در این مکان (فخر) مردی از فرزندان من، با جماعتی دیگر کشته می شوند که ارواح آنان بر بدن هایشان به سوی بهشت سبقت خواهد گرفت و جبرئیل علیه السلام نیز به من خبر داده است که یکی از فرزندان تو در اینجا شهید می شود که اجر دو شهید خواهد داشت.<sup>۲</sup>

مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به «حی الشهداء» معروف است و در تقاطع شارع الشهداء، (روبه روی پمپ بنزین) و شارع تنعیم، ۱۵۰۰ متر بالاتر از مسجد تنعیم - که برای عمره در آن مُحرم می شوند - قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ ش. دیوار قبور شهدای فخر را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با نام عبدالله بن عمر بن خطاب گذاشتند که حکایت از تلاش برای محو اثر و نام شهدای فخر دارد.<sup>۳</sup> بر اساس نظر فقهای شیعه، در این مکان می توان کودکان نابالغ را مُحرم کرد. امام صادق علیه السلام قبل از ورود به مکه در اینجا غسل کرده و به آن نیز امر فرموده اند.<sup>۴</sup>

(تصویر شماره ۱۳)

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۹؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۲۴ - ۳۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۳۶۴ - ۳۸۶.

۲. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

۳. اینجا، مقبره عبدالله بن عمر بن خطاب نیست؛ زیرا بنابر مشهور، وی در میان مسیر راه حج و قبرستان ابوطالب علیه السلام تا مسجد الحرام دفن شده است. بر تابلوی آن محل نوشته شده مقبره عبدالله بن عمر (رقم ۲) که مشخص می شود (رقم ۱) قبر عبدالله بن عمر در محل دیگری است.

۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۹.

### خلاصه درس

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به ریاض، از جنوب به استان عسیر و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. شهر مکه میان دو رشته کوه فلق یا فلق و قُعِیقُعان محصور شده است.

آب و هوای مکه، خشک و سوزان با گرمایی آزار دهنده است. اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند، از جمله:

۱. بَکّه: برای بَکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بَکّه، از «بک» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بَکّه در جایی نیز به معنای «ازدحام» آمده است.

۲. مَکّه: برای مکه، معانی‌ای چون بسط، گسترش و ازدحام، مغز استخوان و هلاک‌شدن و کاستن نیز آورده‌اند.

۳. اُمُّ الْقُرَى: مکه را از این رو «اُمُّ الْقُرَى» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه، خشک بود و این خشکی اندک اندک از پیرامون کعبه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت.

۴. بِلْدَ الْأَمِين: به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیّت و حرمتش را بیان کرده است.

کوه‌های مکه عبارتند از: ۱. جَبَلُ النُّور = غار حِرا (مهبط وحی)؛ ۲. ابوقُیْسُ یا امین که برترین کوه‌های مکه است و حجرالاسود در آن به امانت بود؛ ۳. کوه ثَوْر که پیامبر ﷺ هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه‌روز در آن پنهان شدند؛ ۴. الْحِجُون: که در دامنه آن قبرستان حجّون یا ابوطالب قرار دارد؛ ۵. ثَبیر: که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در نزدیکی مِنا؛ ۶. قُعِیقُعان: در مقابل کوه ابوقییس و سمت مروه.

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای درّه‌ها یا شعب‌هایی است که در عصر جاهلیت و اسلام هر قبیله به طور مستقل در آن زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: در

شعب ابی دُبّ قبرستان ابوطالب قرار دارد و در شعب ابوطالب نیز مشرکان به مدت سه سال پیامبر ﷺ و مسلمانان را محاصره کردند.

مساجد تاریخی مکه عبارتند از:

۱. مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبدالله ﷺ؛ ۲. مسجد الجن؛ ۳. مسجد الرأیه؛ ۴. مسجد البیعة = مسجد الغنم؛ ۵. مسجد شجره؛ ۶. مسجد الإجابہ.

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف، چون ابوطالب، قریش، حَجُون، بنی‌هاشم و جَنَّة المَعْلَى مشهور است. این قبرستان در شمال شرقی مسجد الحرام و در دو راهی خیابان مسجدالحرام - الحَجُون قرار دارد. در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا ﷺ و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارتند از: قُصَى بن کِلاب، عبدالمطلب بن هاشم، ابوطالب بن عبدالمطلب، خدیجه الراحله، قاسم بن محمد ﷺ، فرزند رسول الله. از دیگر زیارتگاه‌های مکه مزار شهدای فِخ است در نزدیکی مسجد تنعیم در محلی به همین نام که تا مسجدالحرام حدود ۴ کیلومتر فاصله دارد.

### خودآزمایی

۱. اسامی شهر مکه را نام برده و هر یک را توضیح دهید.
۲. کوه‌های مکه چه نام دارند و علت این نامگذاری‌ها چیست؟
۳. شعب‌های مکه کدامند؟
۴. مساجد تاریخی مکه چه نام دارند و علت بنای هر یک چیست؟
۵. مزار شهدای فِخ در کجا واقع شده و چه حادثه مهمی در آنجا روی داده است؟



درس دوم:

## تاریخچه کعبه و مسجدالحرام

### اهداف آموزشی

- انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- سیر تاریخی احداث کعبه را بدانیم.
  - با سیر بازسازی کعبه آشنا شویم.
  - از تاریخچه مناصب کعبه آگاهی یابیم.
  - با بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام آشنا شویم.

### مدخل

در این فصل از سیر احداث و بازسازی کعبه که از تاریخچه و اهمیت دیرینه‌ای برخوردار است، به ویژه محیط پیرامون آن، یعنی مسجدالحرام و نشانه‌های روشن آن از جمله مقام ابراهیم، حجرالاسود، چاه زمزم و سایر آثار مقدس آن به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

### الف) کعبه<sup>۱</sup> نخستین خانه عبادت بر روی زمین

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>  
همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکّه است که مبارک گردانیده و آن هدایتی برای جهانیان است.

---

۱. از این رو، بیت الله را «کعبه» نامیده‌اند که دارای ارتفاع بوده و هر بنای مرتفع را کعبه گویند و یا به روایتی چون به شکل مربع و مکعب بوده، آن را کعبه خوانده‌اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۳)  
۲. آل عمران، ۹۶.

روایات مذکور در کهن‌ترین منبع تاریخی، حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، چون خُبابی روی آب بود و اندک اندک قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گسترده شد و وسعت یافت.<sup>۱</sup> بنابر برخی روایات، کعبه را حضرت آدم علیه السلام بنا کرد.

هنگام طوفان نوح علیه السلام کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام پنهان بود تا آنکه خداوند مکان آن را به ابراهیم علیه السلام نشان داد. ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...﴾<sup>۲</sup> ایشان از شام به مکه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل علیه السلام و همسرش هاجر علیه السلام را همراه خود برد. اسماعیل علیه السلام در آن دوران، کودکی شیرخواره بود. ابراهیم علیه السلام با راهنمایی جبرئیل علیه السلام، آن دو را کنار حجر اسماعیل کنونی جای داد و سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ.<sup>۳</sup>  
خداایا! من ذُرّیه خود را در این سرزمین بی کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.

آن‌گاه خود به سوی شام برگشت. پس از چندی ابراهیم علیه السلام نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلی آن، برافراشتند.<sup>۴</sup> حجرالأسود از کوه «ابوقییس» که به امانت از بهشت در آن قرار داشت در گوشه‌ای از کعبه نصب شد. ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از شاخه‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او گردید و نیز داخل کعبه، که به صورت مکعب ساخت، گودالی حفر کرد و آن را خزان و محل نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل علیه السلام از کوه ابوقییس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم علیه السلام شناخته می‌شود، برای پدر آورد و

۱. ابو الولید ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲.  
﴿وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (نازعات، ۳۰)

۲. حج، ۲۶.

۳. ابراهیم، ۳۷.

۴. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

ابراهیم علیه السلام روی آن ایستاد و کعبه را ساخت.<sup>۱</sup>  
 از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «خداوند - عزّ و جلّ - زمین را از زیر کعبه گسترد تا منا، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید. پس زمین از عرفات است و عرفات از مناست و منا از کعبه است.»<sup>۲</sup> نام دیگر کعبه، «بیت الله» و «بیت عتیق» است که در قرآن آمده است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ حضرت پاسخ دادند: برای اینکه خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست.<sup>۳</sup>

### ب) سیر بنا و بازسازی کعبه

در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴/۴۳ متر و طول آن ۳۰ ذراع - ۱۴/۷۹ متر - و عرض آن ۲۲ ذراع - ۱۰/۸۵ متر - بوده است. در آن زمان، کعبه سقف و دری نداشت. قریش در دوره جاهلیت، ۵ سال پیش از بعثت، هنگامی که کعبه بر اثر سیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع - ۸/۸۷ متر - رسانیدند و آن را مسقف کردند.<sup>۴</sup> و دری هم برای آن که همسطح زمین بود قرار دادند. از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک وجب - حدود سه متر - کاستند که حجر اسماعیل علیه السلام امروزی بخشی از آن است.<sup>۵</sup> این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی کعبه به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم علیه السلام ساخته بود، کمتر شد که البته بعضی معتقدند از طول کعبه هیچ‌گاه کم نشده است. اطراف حجر را هم سنگ‌چین

۱. ازرقی، همان، ص ۴۲ - ۴۷.

۲. کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳. همان.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۸. در اینجا بر اساس ذرع هاشمی، یعنی ۴۹/۳۳ سانتی‌متر محاسبه کرده‌ایم.

۵. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۷؛ مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، ص ۹۳ - ۹۵.

کردند که این همان جایی بوده که اسماعیل پیرامون قبر مادرش را سنگ‌چین کرده بود. از آن پس، طواف‌کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. بنای کعبه همین‌گونه بود تا آنکه «عبدالله بن زبیر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد. سپاهیان یزید برای بیرون آوردن وی، کعبه را به منجنیق بستند و بخشی از آن را تخریب کردند. ابن زبیر پس از مرگ یزید، آن را در سال ۶۵ ق. بازسازی و به همان اساس ابراهیم عليه السلام برگرداند؛ یعنی ۳ متر کاسته شده از سمت حجر اسماعیل را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع (۱۳/۳۱ متر) رسانید. و پشت کعبه، (در غرب) باب دیگری به کعبه افزود.<sup>۱</sup>

پس از آنکه حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنیق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، کعبه را در ۷۴ هـ. ق. از اساس خراب کرد. بخشی (حجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان‌گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و در اصلی را نیز بلندتر از زمین قرار داد. این بنا هنوز به همین وضع است اگرچه در زمان سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ هـ. ق. سیل، کعبه را خراب کرد و ناچار شدند آن را از اساس خراب کنند و دوباره بسازند؛ اما بر همان اساس قبلی دوباره بنا کردند و هیچ تغییری در آن ندادند، جز نیم دیواره‌ای گرداگرد پشت بام کعبه برای هدایت آنها به سوی ناودان. در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ هـ. ق. به دستور فهد بن عبدالعزيز انجام شد، زیربنا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذروان مرمت گشت و شکاف‌ها و روزنه‌های بین سنگ‌ها گرفته شد. سقف کعبه نیز برداشته و بازسازی گردید. گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم عليه السلام، ۸ مرتبه به طور کلی یا جزئی توسط قبایل و افرادی بازسازی شده که عبارتند از:

۱. ابن رشید فهری، مل العیبه بما جمع بطول الغیبه، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.



۱. عمالقه؛ ۲. جُرهم؛ ۳. قُصی بن کلاب؛ ۴. قریش؛ ۵. عبدالله بن زبیر؛ ۶. حجاج بن یوسف؛ ۷. سلطان مراد عثمانی؛ ۸. سعودی.  
بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارتند از:

ارتفاع کعبه ۱۴/۸۵ متر، طول آن از سمت ملتزم یعنی رکن حجرالأسود (شرقی) تا رکن عراقی (شمالی) ۱۱/۷۱ متر، طول رکن عراقی تا شامی (غربی) ۹/۹۰ متر، از رکن غربی تا رکن یمانی (جنوبی) ۱۲/۰۴ و از آنجا تا رکن اسود ۱۰/۱۸ است.

همچنین ارتفاع کف تا باب کعبه ۱/۹۲ متر، و از کف تا دیواره پشت‌بام یعنی ارتفاع کلی کعبه ۱۴/۸۵ متر، ارتفاع دیوار حجر اسماعیل ۱/۱۲ متر، قطر دیوار حجر اسماعیل ۱/۵۶، فاصله میان انتهای قوس دیوار حجر تا دیوار کعبه (زیر ناودان) ۸/۴۷ متر، فاصله میان دو طرف نیم‌دایره حجر اسماعیل ۷/۷۳ متر، ارتفاع حجرالاسود از سطح زمین ۱/۵۰ متر، طول ملتزم از رکن اسود و باب کعبه ۲ متر است.<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۱۴)

### ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

جدّ چهارم رسول خدا ﷺ قُصی بن کلاب، برای هرچه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی از زائران، مناصبی ایجاد کرد که بعد از وی میان فرزندان او تقسیم شد. این مناصب که در طول تاریخ خود، باعث تنش‌ها و برخوردهایی میان متصدیان آنها می‌شد، عبارت بودند از:

۱. سَقایت: آب دادن حاجیان و زائران کعبه.

۲. رفادت: میهمانداری و پذیرایی زائران.

۳. عَقاب: پرچمداری.

۴. حجابت: دربانی، کلیدداری.

۵. سِدانت: پرده‌داری.

۱. محمدطاهر کردی‌مکی، کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ترجمه هادی انصاری، ص ۴۸.

۷. لواء: پرچم.
۸. دارالندوه: مجلس مشورتی.
۹. قُبّه: انبار سلاح.
۱۰. سفارت.
۱۱. آیسار و آزلام: بخت آزمایی و شرط بندی.
۱۲. قضا و داوری.
۱۳. حفاظت اموال متعلق به کعبه و بت ها.
۱۴. قیادت: سرداری و سرپرستی کاروان های بازرگانی.
۱۵. پرداخت دیه و غرامت.
۱۶. اَعْنَه: سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ.
۱۷. عمارة: نگهبانی و بازسازی مسجدالحرام.<sup>۱</sup>

#### د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

##### ۱. حَجَرُ الْأَسْوَد و تاریخچه آن

حجرالأسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا شرقی نصب شده است. این سنگ، تاریخی پرفراز و فرود دارد. روایاتی که ابن عباس و دیگران از پیامبر ﷺ نقل کرده اند، دلیل بر این است که حجرالأسود و مقام ابراهیم، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ همچنین از پیامبر ﷺ نقل شده که حجرالأسود یا قوتی سفید از یاقوت های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه] کرده است. «ابوالولید ازرقی» از پدر بزرگش... از ابن عباس نقل می کند که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

در روز قیامت، حجرالأسود به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده اند گواهی می دهد.<sup>۲</sup>

۱. ابن ظهيرة القرشي المخزومي، الجامع اللطيف في فضل مكة و اهلها و بناء البيت الشريف، ص ۷۳.

۲. ازرقی، همان، ص ۲۴۲؛ ابن ظهيرة القرشي المخزومي، همان، ص ۲۲.

در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می‌کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هرکس که محضر پیامبر ﷺ را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است.<sup>۱</sup> همچنین از ابن عباس نقل شده که حجرالأسود و مقام ابراهیم ﷺ همراه حضرت آدم ﷺ فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم ﷺ هبوط کرد، هنگام صبح، آن دو را شناخت و با آنها انس گرفت.<sup>۲</sup>

ابراهیم ﷺ هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقییس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو نزد من امانتی است. ابراهیم رفت و حجرالأسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد.<sup>۳</sup> این سنگ تا قبل از اسلام چندین بار از جای خود برداشته شده و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش - در دوران جوانی پیامبر ﷺ - بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالأسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد.<sup>۴</sup>

در قرن سوم هجری، قرامطه آن را ربوده و به شام بردند، ولی یک‌سال طول نکشید که آن را بازگردانده و در جای خود نصب کردند.<sup>۵</sup> در قرن چهارم نیز دوباره آن را ربودند و ۲۲ سال بعد به وسیله خلیفه فاطمی، المطیع لله از قرامطه خریداری و بازگردانده شد.<sup>۶</sup>

۱. فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۷۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۲.

۲. ازرقی، همان، ص ۲۴۳.

۳. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۵؛ حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۸.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۷؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۵؛ ج ۳، ص ۳۶۲؛ حر عاملی، همان، ص ۳۲۹.

۵. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

۶. ابن وردی، تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۳.

این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه‌ریز است، با بست‌های فلزی و نقره‌ای به یکدیگر متصل و در یک قاب نقره‌ای قرار دارد. روایات زیادی برای بوسیدن و استلام حجرالأسود، نقل شده؛ به ویژه اینکه پیامبر ﷺ آن را بوسیده و یا استلام می‌کردند.<sup>۱</sup> از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌ریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به زحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله اینکه:

برای استلام حجر مسلمانی را آزار مده و مورد آزار هم قرار مگیر، اگر خلوت بود، آن را ببوس یا بر آن دست بکش و گرنه برو.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ در فتح مکه و نیز حجة الوداع با چوب‌دستی خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند.<sup>۳</sup> (تصویر شماره ۱۵)

## ۲. ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی

گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هریک به نام خاصی مشهور است. این چهار رکن تقریباً در برابر چهار جهت جغرافیایی است.

۲-۱. رکن شرقی (اسود): این رکن در زاویه شرقی و همان‌جایی است که حجرالأسود در آن نصب شده است. این رکن تقریباً در جانب کشورهای چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۱۱/۷۱ متر است.<sup>۴</sup> پیامبر ﷺ هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می‌کرد و هرگز از آن

۱. حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۰۲؛ شیخ طوسی، همان، ج ۵، ص ۱۰۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، همان.

۳. ازرقی، همان، ص ۲۵۱-۲۶۰؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۹۷؛ زیعلی الحنفی، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۳، ص ۳۸؛ مسلم، صحیح، ج ۹، ص ۱۶.

۴. عبید الله امین الکردی، الکعبة المعظمه والحرمان الشریفان عمارة و تاریخها، ص ۱۳۶ - ۱۵۶.

کار غافل نمی‌شد.<sup>۱</sup> بدان جهت که حجرالأسود در آن واقع شده و بر اساس و قواعد حضرت ابراهیم بوده است.

۲-۲. رکن شمالی (عراقی): در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حجر اسماعیل از آنجا آغاز می‌شود؛ این رکن تقریباً در برابر عراق واقع شده است. بعضی از قدما این رکن را شامی می‌دانسته‌اند. این دومین رکن کعبه پس از رکن حجرالأسود بوده و فاصله آن تا رکن غربی ۹/۹۰ متر است.<sup>۲</sup> این رکن بر پایه ابراهیم عليه السلام نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند.<sup>۳</sup>

۲-۳. رکن غربی (شامی): این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگر حجر اسماعیل عليه السلام است که سومین رکن پس از رکن حجرالأسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی شام، مصر و آفریقا است. لذا آن را رکن مصری هم می‌توان گفت. فاصله آن تا رکن یمانی ۱۲/۰۴ متر است. رکن غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم عليه السلام نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند.<sup>۴</sup>

۲-۴. رکن جنوبی (یمانی): این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبه جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۱۰/۱۸ متر است. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره رکن یمانی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم عليه السلام قرار دارد.<sup>۵</sup> مستجار در کنار این رکن است. از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمودند: «رکن یمانی دری از درهای بهشت است و از روزی که گشوده شد بسته نشده است.»<sup>۶</sup>

۱. محب الدین طبری، القری لقاصد ام القری، ص ۲۰۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۸۱؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۰۱؛ مسلم، همان، ج ۹، ص ۱۲.

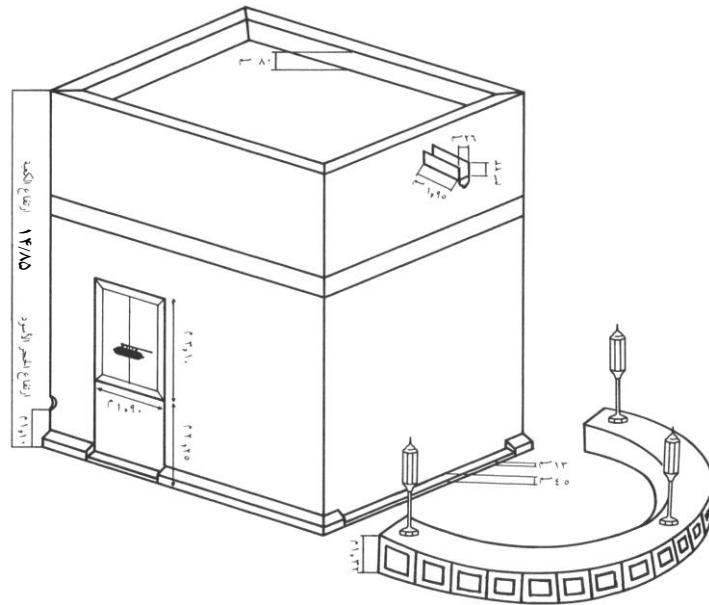
۲. عبیدالله الکردی، همان.

۳. همان.

۴. رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۶۳.

۵. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۲۷۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۳۶؛ رفعت پاشا ضلع جنوبی را ۱۰/۲۵ متر ذکر کرده است.

۶. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۰۹.



### ۳. شاذروان

شاذروان برآمدگی کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقی مانده یا نشانه محل دیوار قبلی کعبه است که به هنگام بازسازی کعبه در زمان ابن زبیر بیرون از خانه واقع و به عنوان پایه برای محکم کردن دیوار کعبه استفاده گردید، لذا از محیط داخلی کعبه کاسته شد. ارتفاع آن در سمت شمال (حجر اسماعیل)، ۱۵ و عرض ۳۹ سانتی متر، در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی متر، در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی متر، و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی متر است.<sup>۱</sup> شایان ذکر است شاذروان همه اطراف کعبه، را در بر گرفته است. اما در قسمت حجر اسماعیل ارتفاع آن ۱۰ سانتی متر است. در طول این دوران، حلقه‌هایی نیز در آن تعبیه شده تا پرده کعبه به آن وصل گردد. طواف بر

۱. رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۶۳.

شاذروان از آن رو صحیح نیست که جزو کعبه است. خداوند امر کرده که به خانه طواف کنید نه «در خانه» «طاف بالبيت و لا فی البیت»<sup>۱</sup> از روی شاذروان و از درون حجر اسماعیل طواف کردن، مانند آن است که طواف فی البیت باشد، نه بالبيت. (تصویر شماره ۱۶)

#### ۴. ناودان طلا (میزاب)

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، در شمال آن، ناودانی نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل عليه السلام هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله ناودان نداشت و نخستین ناودان را قریش در آن سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سالها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ هـ. ق. نیز از طلا ساختند. از جمله «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۲/۵۳ متر و عرض ۲۶ سانتی متر در سال ۱۲۷۳ هـ. ق. به خانه کعبه هدیه کرد.<sup>۲</sup> این ناودان در دوران سعودی با نادوانی جدید تعویض شد که نام فهد بن عبدالعزيز بر آن نقش بسته است. در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است. (تصویر شماره ۱۷)

#### ۵. باب کعبه

نخستین کسی که برای خانه خدا دربی تعبیه کرد «تبع سوم» یکی از پادشاهان یمن بود. وقتی قریش کعبه را بازسازی کردند دو لنگه درب چوبی بر دهانه آن نصب کردند. ابن زبیر نیز از همان درب استفاده کرد. اما دری نیز پشت کعبه (غرب) گشود که حجاج آن را بست. آخرین دری که قبل از دوران سعودی تعبیه شد را سلطان مراد عثمانی ساخت.

در سال ۱۳۶۳ هـ. ق. ملک عبدالعزيز و پس از وی ملک خالد در ۱۳۹۸ هـ. ق. درب‌هایی از طلا ساخته و بر آن نصب کردند. درب کنونی که ساخته ملک

۱. «ولیطوفوا بالبيت العتيق» (حج، ۲۹).

۲. رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

خالد است دارای دو جدار یا دو قسمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن، به «باب التوبه» معروف است و از لحاظ شکل و نوع تزئین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از روکش طلای عیار ۱۰۰٪ تهیه شده و مبلغ ۱۳/۴۲۰/۰۰۰ ریال سعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۳/۱۰ متر، عرض آن ۱/۹۰ متر، پهنای آن ۵۰ سانتی‌متر، است. روی در کعبه به طرز بسیار زیبایی آیات قرآن در چهار دایره و شش مربع مستطیل به خط ثلث منقوش شده است. این در به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. قفل قبلی که هفتاد سال قدمت داشته، اکنون در موزه مکه نگهداری می‌شود. گفتنی است در عصر جاهلی، کلیدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر ﷺ آن را از وی گرفتند و با ورود به کعبه، تمامی بت‌ها را شکستند. (تصویر شماره ۱۸)

#### ۶. درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام، قبايل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسفند» یا قوچ بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های ذبیح ابراهیم علیه السلام است. این دو شاخ در دوران عبدالله بن زبیر به سبب پوسیدگی از میان رفت.<sup>۱</sup> در دوران اسلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و عمر بن خطاب، خلیفه وقت پس از فتح مداین، دو نیم ماه زرین را که برای او فرستاده بودند، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی و عباسی نیز هدایایی تقدیم کردند<sup>۲</sup> که طی سالیان دراز، همواره در کعبه آویزان بوده است.

۱. ازرقی، همان، ص ۱۷۶. پیامبر ﷺ هنگامی که وارد کعبه شدند به بانویی از بنی سلیم فرمودند این دو شاخ را بپوشان؛ زیرا شایسته نیست در کعبه چیزی باشد که حواس نمازگزار را به خود جلب کند. محمد بن یحیی گوید: «در دوران ابن زبیر که وی کعبه را خراب کرد آن دو شاخ را دیده‌اند، در حالی که بر آن دو گل سرخ مالیده بودند، ابن زبیر آن را به دست گرفت، همین که به آن دو شاخ دست خورد از یکدیگر پاشیده شد.» (ازرقی، همان)

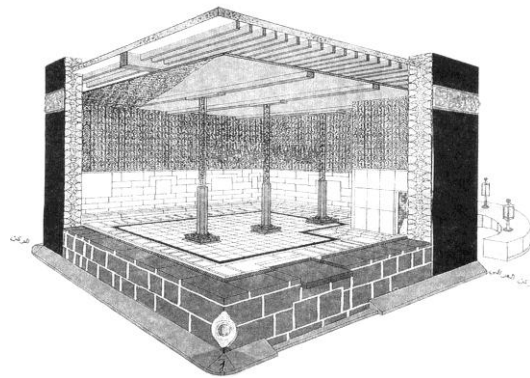
۲. ازرقی، همان، ص ۱۹۱؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۷۸ - ۲۸۰.



هم اکنون در درون کعبه جز سه ستون چوبی منبت کاری شده از چوب عود که به موازات هم قرار گرفته و قطر هر یک ۵۰ سانتی متر است، و نیز چندین قندیل فلزی که آویزان شده است، چیز دیگری وجود ندارد. این سه ستون، سقف کعبه را نگه داشته است.

در داخل کعبه پلکانی وجود دارد که به بام می‌رسد. این پلکان در داخل اتاقکی بدون پنجره قرار گرفته است. هنگامی که از پله‌ها بالا بروید تقریباً به اندازه یک قدمانده به سقف دری کوچک در سمت روبرو و دری دیگر همانند آن در سمت چپ دیده می‌شود. این دو در، به فضای میان سقف تحتانی و سقف فوقانی کعبه که ۲ متر از هم فاصله دارند راه می‌گشاید.<sup>۱</sup>

کف کعبه با سنگ‌های مرمر که بخش عمده آن سفید و باقی‌مانده‌اش رنگی است فرش شده است. دیوار داخل نیز تا نیمه آن با سنگ مرمر روکش شده و این سنگ‌ها دارای نقش و نگارهای ظریفی است. در داخل کعبه نه لوح مرمر وجود دارد که بر هشت تایی آنها با خط ثلث و بر یکی دیگر با خط کوفی برجسته، متنی کنده کاری شده است. این لوح‌ها جز یکی که یادمان توسعه دوران ملک فهد است، در سده ششم هجری نوشته شده است. شایان ذکر است در سال ۱۳۱۵ ق. داخل کعبه به طور کلی مرمت گردید.<sup>۲</sup>



۱. عبیدالله محمد امین کردی، همان، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۱۲۱.

نیمی از دیوارهای داخل با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آنها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده است. گفتنی است همه ساله درون کعبه را با آب زمزم و گلاب قَمَصَر کاشان می‌شویند و پرده خانه را در روز نهم ذی‌حجه (روز عرفه) تعویض می‌کنند. پیامبر ﷺ برای نخستین بار به هنگام فتح مکه، پس از شکستن بت‌ها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شستند<sup>۱</sup> که این رسم تاکنون پابرجاست.

کعبه دو سقف دارد، یکی در زیر، که از زمین مطاف تا آن ۱۱/۳۰ متر و از کف کعبه ۹/۵۰ متر ارتفاع دارد. سقف دوم حدود ۲/۲۰ متر بر روی سقف اول است که روزنه‌هایی برای روشن ساختن آن وجود دارد. بر پشت‌بام کعبه دیواری کوتاه به ارتفاع ۱۲۰ سانتی متر ساخته‌اند تا آب باران در آن جمع شود و به وسیله ناودان به داخل حجر اسماعیل بریزد. برای روشنایی کعبه در زمان ابن زبیر چهار روزنه تعبیه و با سنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودند، تزیین شده بود، اما این روزنه‌ها در عصر عثمانی به سبب ورود آب از طریق آن به داخل کعبه بسته شد.

ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام سفارش‌های فراوان کرده‌اند.<sup>۲</sup>

#### ۷. مُسْتَجَار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در شفاء الغرام آمده است:

از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن، «مُسْتَجَارٌ مِنْ ذُنُوبٍ» است و گناهانش ریخته می‌شود. چون بعضی از صحابه به این مکان التزام می‌جستند به «مُلْتَزِمٌ» و «مُتَعَوِّذٌ» نیز معروف است.<sup>۳</sup>

۱. متقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۵، ص ۲۹۹.

۲. زیلعی الحنفی، نصب الراية لاحادیث الهدایة، ج ۲، ص ۳۱۹.

۳. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ ابن ابی شیبہ، المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۴، ص ۳۱۸.

به اتفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سنت، فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه (علی‌علیه السلام) از شکافی که در این مکان ایجاد شد به درون کعبه رفت و خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها به علی‌علیه السلام عطا کرد که در بهترین مکان عالم، متولد شد.<sup>۱</sup> لازم به یادآوری است در این قسمت، آثار ترمیم و بندکشی دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشده ندارد؛ زیرا کعبه از آن زمان تاکنون حداقل سه بار کاملاً خراب و دوباره ساخته شده است.

### ۸. مُلتَزِمٌ

بر اساس نظر شیعه، ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است،<sup>۲</sup> اما اهل سنت، فاصله میان حجرالأسود و درب کعبه را ملتزم می‌دانند.<sup>۳</sup> گویند هیچ بنده‌ای به این مکان التجا و پناه نمی‌جوید جز آنکه خداوند حاجتش را برآورده می‌کند. پیامبر ﷺ فرمودند: «بین الرکن والمقام ملتزم ما يدعوا به صاحب عاهه الابرى»<sup>۴</sup> چون پیامبر ﷺ ائمه اطهار و اصحاب، سر و صورت، دست‌ها و سینه خود را به این مکان چسبانده و دعا می‌کردند؛<sup>۵</sup> به آن «ملتزم» گفته‌اند.<sup>۶</sup> از امام علی‌علیه السلام نقل شده است: «اقروا عند المتزم من ذنوبکم».<sup>۷</sup>

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۸۳؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی مناقب الائمة، ص ۱۲؛ سبط بن جوزی، تذکرة خواص الامة فی معرفة الائمة، ص ۱۰.
۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۱۰؛ طریحی، مجمع البحرین، ماده لزم؛ مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۳۲۷.
۳. فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷.
۴. طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۱۸۷۳.
۵. فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۸؛ فاکهی احادیث زیادی در التزام پیامبر ﷺ به این مکان و دعای آن حضرت ذکر کرده است. (ج ۱، ص ۱۶۲)
۶. ر. ک: محمد رضا نعمتی، «پژوهشی درباره ملتزم»، میقات حج، شماره ۴۳.
۷. صدوق، الخصال، ص ۴۱۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۵.

### ۹. مِعْجَنَه

گودالی بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۱/۵ متر، نزدیک «شاذروان» مقابل در کعبه و حجرالأسود بوده که ابراهیم عليه السلام «يَعْجَنُ فِيهِ الْبِلَاطُ» یعنی در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل عليه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز گزارده‌اند. بعدها این گودال را پوشانیدند.

### ۱۰. حَطِيم

در محدوده حطیم میان شیعه اختلاف است؛ براساس روایتی از امام صادق عليه السلام «هو ما بين الحجر الاسود و بين الباب»<sup>۱</sup> یعنی مقابل کعبه و براساس روایتی دیگر میان حجر اسماعیل، مقام ابراهیم و درب کعبه، حطیم است.<sup>۲</sup> اما براساس نظر اهل سنت، حطیم، همان حجر اسماعیل است؛ زیرا حطیم در لغت به معنای شکسته است و زمانی که قریش کعبه را می‌ساختند از طول کعبه کاستند و آن را شکستند. در دوران جاهلیت، در این مکان مظلومان در حق ظالمان نفرین می‌کردند، لذا این امر موجب می‌شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند.<sup>۳</sup> از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «بهترین و پاک‌ترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم عليه السلام است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا می‌رسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». همچنین گویند در محدوده حطیم؛ یعنی میان رکن، مقام تا زمزم و حجر اسماعیل عليه السلام، ۹۹ تن از پیامبران الهی، از جمله حضرت آدم، نوح،<sup>۴</sup> صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل عليه السلام و نیز دختران وی مدفونند.<sup>۵</sup>

۱. صدوق، علل الشرایع، ص ۴۰؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۵۲۷.

۲. الحج و العمره، ص ۱۱۸.

۳. ازرقی، همان، ص ۳۲۱ - ۳۲۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. بر اساس روایاتی، قبر آدم عليه السلام و نوح عليه السلام در نجف در محل قبر حضرت علی عليه السلام قرار دارد.

۵. کلینی، الفروع، ج ۴، ص ۲۱۴؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۰.

### ۱۱. پوشش کعبه (الکسوة)

پوشانیدن کعبه از سنت‌هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت الله دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل عليه السلام را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید<sup>۱</sup> و روایتی نیز از امام صادق عليه السلام در این باره آن را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup>

بعضی، «تُبَع» پادشاه حِمْیَر<sup>۳</sup>، که همان «اسعد بن معدی کرب» باشد را نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های جبری بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد.<sup>۴</sup>

در روزگار جاهلی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون، مانند پشم، مو، کرک، خز، چرم و بردهای یمانی و جامه‌های پشمین بافته می‌شد، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشاندند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدن پوشش‌ها، آن را تعویض کنند.<sup>۵</sup>

ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه را با پارچه سفید رنگ بافت مصر، مشهور به «قُباطی» می‌پوشاندند و سپس از بردهای یمانی برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباج پوشانید «ابن زبیر» بود.<sup>۶</sup>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هشتم ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود:

۱. ابن حجر عسقلانی، *المطالب العالیه*، ج ۳، ص ۳۵۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۴؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴.

۲. شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۱۴۹.

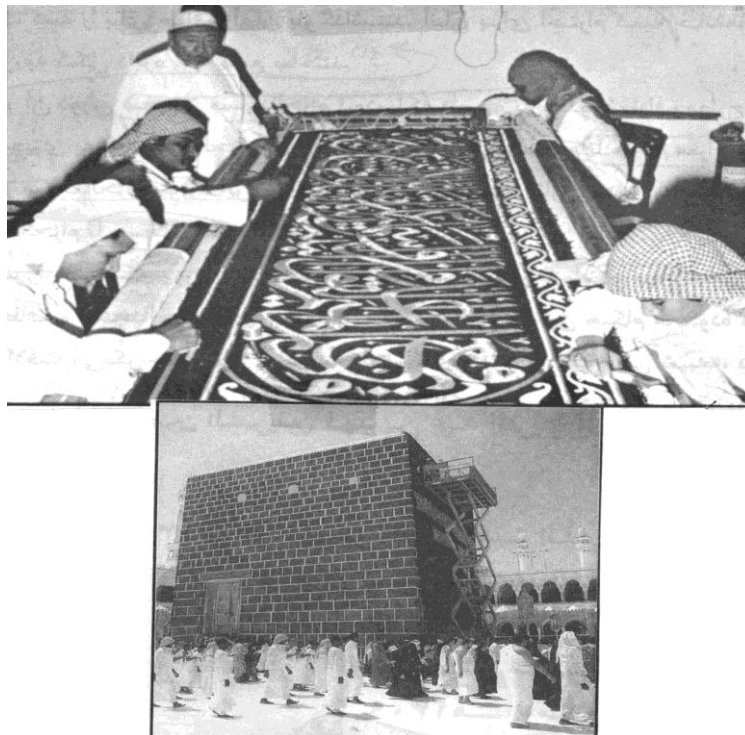
۳. حمیریان در سده‌های قبل از اسلام در جنوب عربستان پس از انقراض سبائیان حکومت می‌کردند. پادشاهان آنان را «تُبَع» یا «تَباعه» خوانده‌اند.

۴. ازرقی، همان، ص ۱۹۳؛ ابن حجر، همان، ج ۱، ص ۳۶۳؛ دینوری، *الاخبار الطواله*، ص ۴۵.

۵. ازرقی، همان، ص ۱۹۴.

۶. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۹۸. کلام آخر به نقل از روض الانف سهیلی، در پاورقی همان صفحه است.

«امروز، روزی است که جامه بیت الله تعویض می‌شود.» از ابن جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار اسلام، معمولاً روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیبا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را ببینند و سپس در محرم با پرده اصلی پوشش می‌دادند. همچنین پیامبر ﷺ بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آنکه در دوره جاهلی بر آن چرم می‌آویختند.



امام علی (ع) در دوران خلافت خود هر سال برای کعبه پوششی از عراق می‌فرستادند.<sup>۱</sup> در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس همه ساله برای کعبه پوشش‌های متنوعی ارسال می‌شد؛ از جمله سلاطین مصر نیز همه ساله دو پرده، یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر (ص) به رنگ سبز ارسال می‌کردند که بر حاشیه آنها شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و آیات دیگر بافته شده بود.

سلاطین عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند.<sup>۲</sup> در دوران حاضر، پرده کعبه در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. بافت و تزئین آن به دست هنرمندان شهر مکه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسامی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زرین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و در جاده ام‌الدود قرار دارد که کارگران به صورتی سنتی پرده کعبه را در آنجا خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۳۹۷ ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود.

ارتفاع پرده، چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتیمتر و طول آن ۴۳ متر است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزئین آن با طلا و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

در هر جامه حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم خالص مصرف می‌شود که از آن ۴۷ طاقه پارچه، برای دوخت پرده تهیه می‌شود. پرده داخلی نیز به رنگ قرمز و سبز تهیه می‌شود این پرده هر سه تا پنج سال یکبار تعویض می‌گردد. برای نخستین بار در سال ۸۱۰ ق. پرده‌ای نقش‌دار بر در کعبه آویخته شد و از آن زمان تاکنون جز در فاصله سال‌های ۸۱۶ تا ۸۱۸ ق. همواره پرده آویخته بر در کعبه نقش‌دار بوده است.<sup>۳</sup> (تصویر شماره ۱۹)

۱. حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴.

۲. نهروانی المکی، همان، ص ۶۹ - ۷۰؛ ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۳. عبیدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه، تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۱۱۲

۱۲. مقام ابراهیم علیه السلام

«...فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»<sup>۱</sup>

مقام ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد ۳۸×۳۶ سانتی متر، به صورت مکعب است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از ابن عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آنها دست نمی‌کشید، مگر آنکه خداوند وی را شفا می‌داد.<sup>۲</sup> بعضی از مفسران در تفسیر آیه ﴿...فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ...﴾ گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های روشن، جای پای ابراهیم علیه السلام بر مقام است.<sup>۳</sup> در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلُمُّوا إِلَى الْحَجِّ»<sup>۴</sup> و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم علیه السلام را در

۱. «در آن نشانه‌های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل مکه شود در امان است...» (آل عمران، ۹۷)

۲. ازرقی، همان، ص ۳۲۴؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۳؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۳۸. برای اطلاع از احادیث وارده در خصوص فضیلت مقام ابراهیم، ر.ک: سائد بکلاش، فضل الحجر الأسود و مقام ابراهیم.

۳. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۶؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۵۰ و ۴۵۱. اکنون بر قالب مسی که بر روی مقام گذاشته شده به اندازه دو جای پای انسان فرو رفتگی قرار داده‌اند که به عنوان نشانه‌ای از جای پای ابراهیم علیه السلام باشد. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام منظور از آیات بینات، مقام ابراهیم علیه السلام، حجرالأسود و حجر اسماعیل علیه السلام است. (کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳).

آنچه از ظاهر قرآن مشخص است، منظور از نشانه‌های روشن، مقام ابراهیم علیه السلام است نه جای پای او در مقام؛ چرا که آغاز این آیه از بیت و کعبه سخن می‌گوید و ضمیر فیه به بیت یا مسجدالحرام برمی‌گردد، یعنی در آنجا نشانه‌های روشنی مثل مقام ابراهیم علیه السلام است.

۴. فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۶؛ شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۵۰.



آن روز لبیک گفته‌اند. ﴿وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾<sup>۱</sup>

هم‌چنین خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ...<sup>۲</sup>  
و مقام ابراهیم علیه السلام را نمازگاه قرار دهید.

مفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در کنار این مقام نماز گزارند؛<sup>۳</sup> از این رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خواند. ابراهیم علیه السلام فرمان یافت که آن سنگ را جایگاه عبادت خود قرار دهد. لذا آن را کنار باب کعبه گذاشت. پس از او، اسماعیل علیه السلام هم به جانب آن یعنی رو به روی درب کعبه عبادت می‌کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شدند تا به سمت بیت المقدس نماز بگزارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آن‌چه را برای خود و پیامبرش برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت وقتی در مدینه نماز می‌گزارند، روبروی شمال کعبه، سمت حجر اسماعیل علیه السلام قرار می‌گرفتند و چون در مکه حضور می‌یافتند روبروی مقام که در آن موقع به دیوار کعبه چسبیده بود می‌ایستادند.<sup>۴</sup>

از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می‌شود که مقام ابراهیم علیه السلام پس از آن حضرت تاکنون به جز یک مورد جا به جا نشده و آن نیز دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجدالحرام شد. این سیل به نام «ام نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم علیه السلام

۱. «و در میان مردمان آنان را به حج فراخوان تا به صورت پیاده یا سواره بر شتران لاغر از راه‌های دور به سوی تو آیند.» (حج، ۳۷)

۲. بقره، ۱۲۵.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۴۴.

۴. ازرقی، همان، ص ۳۲۵.

از جای خود کنده و به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشتند، وی دستور داد تا پایه‌ای ساخته و مقام را در آن قرار دادند و آن را در فاصله‌ای از کعبه نصب کنند که تا امروز هم چنان در همان جا باقی است.<sup>۱</sup> در دوران «مهدی عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای مقام را زردود و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدداً آن را مطلقاً کردند.<sup>۲</sup> بعدها مقصوره و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۳۸۷ هـ. ق. آن را در میان طوقی زرین قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کریستال بر روی آن گذاشتند. این محفظه ۱۸×۱۳۰ سانتی‌متر (به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی آن، قالب دو جای پا، به عنوان جای پای ابراهیم علیه السلام تعبیه شده است. فاصله آن تا حجرالأسود ۱۴/۵ متر، تا رکن شامی ۱۴ متر، تا شاذروان و دیوار کعبه ۱۳/۲۵ متر است. (تصاویر شماره ۲۰ و ۲۱)

### ۱۳. حِجْر اسماعیل علیه السلام

حِجْر اسماعیل علیه السلام میان رکن شمالی و رکن غربی کعبه قرار دارد. «حِجْر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسماعیل علیه السلام منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه برافراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این که کنار آن سایبانی برای خود ساخت و در آن پناه گرفت؛ هنگامی که مادر اسماعیل علیه السلام درگذشت، او را در همان مکان دفن کرد.<sup>۳</sup> قریش در بازسازی کعبه، به خاطر نداشتن مال حلال به اندازه لازم در بازسازی کامل، بخشی از طول کعبه کاستند؛ یعنی حدود سه متر و نیم.<sup>۴</sup> طول حِجْر ۶/۸۰ متر است. عبدالله بن زبیر، هنگام تجدید بنای کعبه، حِجْر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛ از قریش در این باره پرسید، عبدالله بن

۱. پیشین، ص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۵۵؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳.

۲. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۳۱.

۴. ازرقی، همان، ص ۳۲۰.

صفوان گفت: گور اسماعیل علیه السلام است. بنابراین ابن زبیر آن را به حال خود رها کرد.<sup>۱</sup> او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم علیه السلام را کشف کرد و آن را بر همان اساس بازسازی کرد. بنابراین، حجر اسماعیل کنونی، در دوران وی داخل بیت شد که بعد از کشته شدن وی، حجاج خانه را تخریب و دیوار سمت حجر را به اندازه زمان قریش عقب برد و حجر را از کعبه بیرون گذاشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمودند: هرگاه خواستی در کعبه نماز بگذاری، در حجر نماز گزار که بخشی از کعبه است، لیکن قوم تو آن گاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را بیرون کعبه قرار دادند.<sup>۲</sup>

براساس این واقعه تاریخی و نیز روایات عایشه، اهل سنت معتقدند که تمام یا بخشی از حجر اسماعیل جزو بیت است؛<sup>۳</sup> اما براساس نظر مشهور شیعه، هیچ قسمتی از حجر اسماعیل جزو کعبه نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حتی به اندازه سر ناخن از حجر جزو کعبه نیست و اسماعیل مادرش را در آنجا دفن کرد و اطراف آن را دیوار کشید.<sup>۴</sup> پس از چندی او خود از دنیا رفت و در آنجا به خاک سپرده شد و سپس دخترانش و پس از چندی تعدادی از انبیای الهی در آنجا به خاک سپرده شدند.<sup>۵</sup> بر این اساس اینجا که یک قبرستان بوده براساس نظر فقهای شیعه قطعاً جزو کعبه نبوده است چون نمی‌توان کسی را داخل کعبه دفن کرد<sup>۶</sup> در هر حال چه حجر جزو کعبه باشد و چه نباشد طواف در آن براساس نظر فقهای اهل سنت و شیعه جایز نیست. حجر که اکنون با نیم دایره‌ای کوتاه محصور شده، دارای دیواری به ارتفاع

۱. ارزقی، همان.

۲. مسلم، صحیح، ج ۲، ص ۱۴۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۴۳.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹، محمدحسن صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۹۳.

۵. کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۱۰.

۶. حرّ عاملی، همان.

۱/۳۲ و عرض ۱/۵۶ متر با دو ورودی شرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه (زیر ناودان طلا) تا دیوار حجر، حدود ۶/۸۰ متر و عرض آن میان دو در شرقی و غربی ۸/۷۷ متر است. از این مقدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصلی است. در دوره منصور عباسی (۱۴۰ ق.) زمین آن برای نخستین بار با سنگ مرمر پوشیده شد و در دوره‌های بعد نیز همواره سنگ‌های حجر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌اند و اکنون نیز با سنگ مرمر سفید مفروش است.

#### ۱۴. چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم علیه السلام، هاجر و تنها فرزندش اسماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسماعیل مشک آبی بود و هیچ‌گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نداشت. حضرت ابراهیم آن دو را کنار درختچه‌ای نشانده و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾<sup>۱</sup> پس از اندک زمانی آب همراه هاجر تمام و شیرش نیز خشک شد. هاجر در پی آب، فاصله میان کوه صفا و مروه را دوان دوان، هفت بار پیمود. جبرئیل علیه السلام بر زمین کوبید و به قدرت الهی آب از همان جا به روی زمین فوران زد. مادر اسماعیل علیه السلام با مشاهده آن آب روان گفت: «زَمْزَم»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بریزد، به زمین فرو رود. گویند اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شد. او مشک را پر کرد و به فرزندش نوشانید.<sup>۲</sup> خبر پیدایش آب در این منطقه سوزان و بی‌حاصل، قبایل جرهم را به آنجا کشانید که در کنار چاه زمزم سکونت گزیدند. چون جرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند پس از چندی آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک

۱. ابراهیم، ۳۷.

۲. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۲؛ فاکهی، همان، ج ۲، ص ۶-۹؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ابن علان الشافعی، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، ج ۴، ص ۷۱۶ و ۷۱۷.

کرد؛ به طوری که حتی مکان آن نیز محو شد. عمرو بن حارث مضاض جرهمی، دو مجسمه زرین آهو و شمشیرهای مرصع را، که در کعبه بود، از بیم آن که سرقت نکنند، شبانه برداشت و در محل چاه زمزم زیر خاک پنهان کرد.<sup>۱</sup>

چاه زمزم هم چنان تا دوران عبدالمطلب بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر ﷺ، مخفی بود. او شبی در خواب دید که نوری از کنار کعبه به آسمان برخاست. وی به رغم سرزنش و آزار رقبای، با کمک فرزندش حارث همان نقطه را حفر کرد و بر مجسمه‌ها و شمشیرها دست یافت و هم چنان کند تا آب فوران زد.<sup>۲</sup> هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم که یکی از مناصب مهم کعبه بود، در دست عباس بن عبدالمطلب قرار داشت. برای زمزم اسامی زیادی است؛ از جمله: برکه، سیده، نافعه، مضمونه، عونه، بُشری، صافیه، بره، عصمه، سالمه، میمونه، مبارکه، کافیه، عافیه، طاهره، طعام طعم، شفاء سقم و...<sup>۳</sup> درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیاست». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد بهترین خوراک<sup>۴</sup> و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ».<sup>۵</sup> این آب همواره نزد مردم مکه قداست و اهمیت فراوانی داشته است. آنان

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۱-۶۳؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۹.
۲. ابن هشام، السيرة النبویه، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۵؛ ازرقی، همان، ص ۲۳۱-۲۴۰؛ نهروانی المکی، الاعلام بأعلام بیت الله الحرام، ص ۳۰-۳۷؛ محمود یاسین، رحلة الحج والعمرة، ص ۱۱۵.
۳. فاکهی، همان، ج ۲، ص ۶۸؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۵۱؛ سائد بکداهش، فضل ماء زمزم، ص ۶۰ به بعد.
۴. در جاهلیت به آب زمزم «الشبعه» یعنی سیر کننده نیز گفته می‌شد. (فاکهی، همان، ج ۲، ص ۳۲) گویند ابوذر غفاری به مدت سه روز گرسنگی خود را تنها با آب زمزم برطرف می‌کرده است. (بکداهش، همان ص ۶۹).
۵. ازرقی، همان، ص ۳۴۰-۳۴۴؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۳۰؛ نهروانی المکی، همان، ص ۳۴؛ فاکهی، همان، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن ابی شیبّه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۸.

مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بوده و هستند. پیامبر ﷺ بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند.<sup>۱</sup> آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

عرض چاه ۴ متر، عمق آن ۳۰ متر و فاصله‌اش تا کعبه ۲۱ متر است. در ۱۵ متری این عمق دو دهانه تونل وجود دارد که یکی از سمت کعبه و دیگری از سمت اجیاد می‌آید و پایین‌تر از آن تا عمق ۱۷/۲۰ سانتی متر در داخل سنگ حفر شده است. امروزه متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت الله، حدود هزار متر مکعب در روز و به عبارتی حدود یک میلیون لیتر است.<sup>۳</sup> در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ هـ. ق. (۱۳۴۷ هـ. ش.) قبه‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و مدخلی در زیر صحن ساختند که در آنجا از آب چاه استفاده می‌کردند. در سال ۱۳۸۲ هـ. ش نیز برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را پوشانیده و در اطراف صحن مسجدالحرام به وسیله لوله‌کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آنها بنوشند. (تصاویر شماره ۲۲ و ۲۳)

#### ۱۵. صفا و مروه (مَسْعَى) و حوادث تاریخی آن

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.<sup>۴</sup>

گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صلی الله علیه و آله از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند که بنا به

۱. فاکهی، همان، ج ۲، ص ۵۱-۵۸.

۲. ر.ک: سائد بکداهش، همان، ص ۵۶-۶۴.

۳. حامد عباس، قصه التوسع الكبری، ص ۱۳۸.

۴. «همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس کسی که حج خانه (خدا) یا عمره به جا می‌آورد مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند شکرگزار و (از افعال او) آگاه است. (بقره، ۱۵۸)

گفته خداوند: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا﴾<sup>۱</sup> از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. حوّا علیه السلام نیز بر کوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛ (زن) نامیدند جبرئیل علیه السلام بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت الله پرداختند.<sup>۲</sup>

هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۷۶۶/۵ ذراع<sup>۳</sup> برابر با ۳۷۷/۵ متر بود، هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر (۵۵ متر) را که در دوران عثمانی با کاشی‌های سبز مشخص و امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریع‌تر پیمود و در اصطلاح «هروله» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله اینکه در این مکان، شیطان بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال، حاجیان به یاد شدايد و سختی‌های هاجر علیه السلام، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت درآید. گفتنی است هروله برای زنان وارد نشده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فلسفه سعی میان صفا و مروه، جز برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف، اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بی‌نیاز و نیازمند و... تکبر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند.

کوه صفا، همچنین مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین بار، رسالت الهی خود را از فراز آن، با این عبارت اعلان کرد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، هنگامی که آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ نازل شد و خداوند فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر صلی الله علیه و آله اقوام و نزدیکان خود را در خانهٔ حادث بن

۱. آل عمران، ۳۳.

۲. شیخ صدوق، *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۴۳۲؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۳. ازرقی، همان، ۳۹۳.

۴. اکنون طول سعی ۳۹۴ متر است؛ زیرا بخش‌هایی از مروه و صفا تراشیده شده‌اند.

عبدالمطلب نزدیک این کوه انداز داد.<sup>۱</sup> همچنین خانه «ارقم بن ابی ارقم»، یعنی نخستین پایگاه مخفی توحیدی در دامنه آن قرار داشت. در روز فتح مکه نیز بر فراز این کوه رفت و پایان کار مشرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صفا و صمیمیت در سایه توحید فراخواند.<sup>۲</sup> کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری آن واقع شده است.

کوه مروه، که در برابر رکن شامی و در ۲۰۰ متری شمال شرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد تا بهترین ثمره جانش؛ یعنی اسماعیل را در راه او قربانی کند. هم‌چنین گویند هنگام فتح مکه، ۳۶ بت بر روی این دو کوه قرار داشت و بت‌های زیادی نیز در میان آن دو بود که همه را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکستند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام سعی، ابتدا مقداری از کوه صفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین درّه، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریع‌تر می‌پیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه ۹ پله ساخته شد.<sup>۳</sup> بخش عمده‌ای از کوه صفا و همه کوه مروه در توسعه دوم دوران سعودی تخریب شده است.

مسعی فاصله میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، در دو طبقه ساخته شد که قبل از آن بدون سقف بود. در پروژه جدید، مسعی به ۳ طبقه افزایش یافته است به اضافه پشت‌بام و یک طبقه در زیر زمین که برای حرکت و سعی افراد ناتوان و از پا افتاده احداث گردیده و آنان به وسیله نوار و نقاله‌ای با برق حرکت داده می‌شوند. طبقات افزوده شده در سال ۱۳۸۹ ش افتتاح شد. مسعی در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده در ورودی بود که در توسعه جدید به دو درب تقلیل یافته است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آنها، باب بنی شیبه، باب علی،

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۳؛ مجلسی، بحار الانوار،

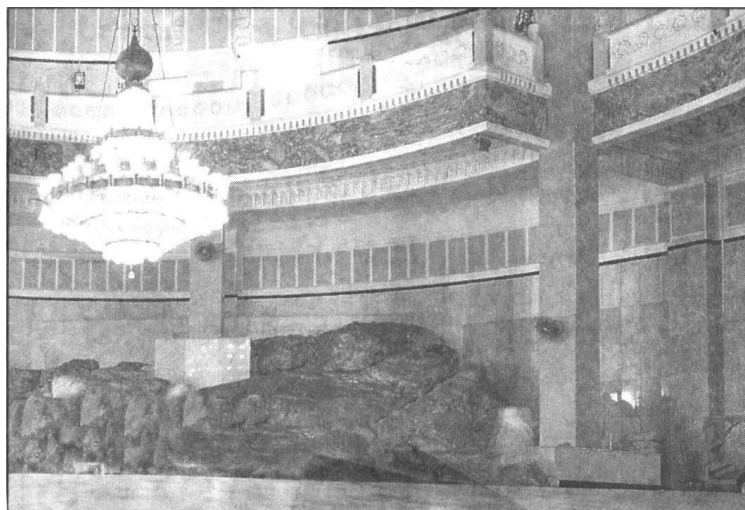
ج ۱۸، ص ۲۱۵.

۲. البکری الشافعی المصری، الدرّة المکّله فی فتح مکه المشرفة المَبجّله، ص ۱۴۹.

۳. ازرقی، همان، ص ۳۹۴.



باب عباس و باب السلام است. طول مسعی ۳۹۴/۵ و عرض آن ۴۰ متر است. در توسعه اخیر، ضمن افزایش طبقات مسعی، به پهنا و عرض آن هم افزوده شده است؛ به گونه‌ای که حاجیان از یک مسیر، یعنی از مسیر جدید اضافه شده به سوی مروه می‌روند و از مسیر قدیم به سوی صفا بازمی‌گردند. براساس نظر فقهای شیعه تنها از طبقه همکف می‌توان سعی انجام داد. اما حاجیان اهل سنت در طبقات بالا نیز سعی انجام می‌دهند. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم و سوم ۸/۵ متر است. بنابراین بخش اعظمی از کوه صفا و مروه تراشیده شد. در توسعه‌های سعودی، پشت و اطراف مسعی تا شعاع پانصد متری تخریب و فضای سطح پیرامون گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعی در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعی به مسجدالحرام متصل شده است. در تغییراتی که مقدمات آن آغاز شده است بخش‌های بزرگی از اطراف مسعی اعم از هتل‌ها، بازارها و خانه‌ها تخریب شده و دامنه آن تخریب‌ها تا بعد از بازار جودریه و یا ابوسفیان امتداد یافته است. (تصویر شماره ۲۴)



### ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا ﷺ، مسجدالحرام نخستین مسجد بر روی زمین است.<sup>۱</sup> فضیلت یک رکعت نماز در آن، برابر با یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد جز مسجدالنبي ﷺ است: «...وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ».<sup>۲</sup> و یا به روایتی: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَسَافَةٍ».<sup>۳</sup>

بسیاری از محدثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکان دفن پیامبر ﷺ، که به اجماع، بهترین مکان هاست، برتری داده‌اند و در مورد فضائل و ویژگی‌های آن سخن‌ها گفته‌اند.<sup>۴</sup>

مسجدالحرام در گذشته، به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد، لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد.

طبق روایتی از امام صادق (ع)، ابراهیم و اسماعیل (ع)، حد مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند.<sup>۵</sup>

در دوران جاهلی، یعنی تا قبل از سلطه «قُصَى بن کلاب»، جد چهارم رسول الله ﷺ، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در دره‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلط قصی بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند. وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دار الندوه» که مجلسی مشورتی بود ساخت. بدین گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را

۱. مسلم، صحیح، باب المساجد، حدیث ۱۱۶۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲.

۳. ابن ماجه، السنن، ص ۱۴۰۶.

۴. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن حزم اندلسی، المحلی بالاثار، ج ۵، ص ۳۳۵.

۵. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰.

کوتاه‌تر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند.<sup>۱</sup> مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند.<sup>۲</sup>

در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا اینکه خداوند آیات سوره اسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یاد کرد.<sup>۳</sup>

مسجدالحرام در دوره‌های متعدد از زمان خلیفه دوم (۱۷ هجری) تا عصر حاضر ۹ مرتبه توسعه یافته است که بر اساس جدول پیوستی میزان آن توسعه‌ها که با تخریب اماکن و خانه‌های اطراف صورت پذیرفته روشن است. بیشترین توسعه در دو مرحله توسط آل سعود انجام پذیرفته است که مجموع مساحت مسجدالحرام را به ۳۶۶ هزار متر مربع رسانیده است. اکنون همزمان بیش از یک میلیون نفر می‌توانند در آن اقامه نماز کنند.

در پروژه عظیمی که مرحله اولیه آن در حال اجراست، قرار است تا شعاع ۱۵۰ متری اطراف مسجد از دو جهت (شمال و غرب مسجدالحرام) توسعه یابد. از این رو بسیاری از هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف تخریب شده و قرار است گنجایش حجم نمازگزاران در مسجدالحرام به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یابد. (تصاویر شماره ۲۵ - ۳۱)

#### (و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون

مسجدالحرام در عصر خلیفه، مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) دارای ۱۹ در بود که از معروف‌ترین آنها می‌توان به «باب بنی‌شبه» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ ق.) این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبد العزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آنها وجود دارد و به همراه راه پله‌های

۱. نهروانی المکی، همان ص ۷۳؛ حسین بن عبدالله باسلامه، تاریخ عمارة المسجد الحرام، ص ۶ و ۷.

۲. فاکهی، همان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ نهروانی المکی، همان، ص ۷۴.

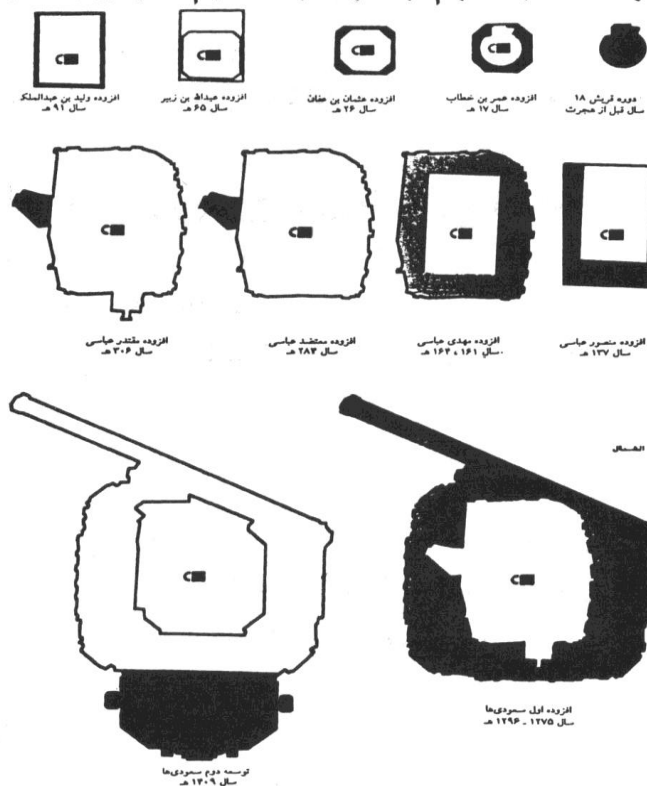
۳. ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾ (اسراء، ۱).

ورودی به ۹۲ در می‌رسد. در میان آنها چهار باب اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت قرار یافته و بر فراز هریک دو مأذنه، به ارتفاع ۸۹ و مساحت ۷/۷۷ متر ساخته شده است.<sup>۱</sup> این درها عبارتند از:

۱. باب ملک عبدالعزيز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزيز؛ ۳. باب العمره؛ ۴. باب

فتح.

### توسعه مسجد الحرام از آغاز تا توسعه دوم سعودی (۱۴۱۴)



۱. عیبدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۰۸. لازم به ذکر است این مأذنه‌ها به گونه‌ای قرار گرفته‌اند که هر دو مناره یک جهت، دقیقاً با دو رکن کعبه مقارن است به جز مأذنه صفا که یک مناره تک است و بر فراز صفا قرار دارد. بنابراین مجموع مأذنه‌ها در حال حاضر ۹ مأذنه است.

مجموع مساحت مسجد الحرام در قبل و بعد از توسعه سعودی

تعداد	توسعه	مساحت افزوده	جمع کل	گنجایش نمازگزار	جمع کل گنجایش
۱	از ابتدا تا پایان عصر عثمانی	۲۹۰۰۰ متر مربع	۲۹۰۰۰ متر مربع	۵۰۰۰۰ نفر قبل از تخریب خانه‌های موجود مطاف	۷۲۰۰۰ نفر نمازگزار بعد از تخریب خانه‌ها
۲	توسعه اول سعود (۱۳۴۲ و ۱۳۶۸ ق) شامل طبقه اول و دوم	۱۳۱۰۰۰ =	۱۶۰۰۰۰ =	۳۲۷۰۰۰ نفر	۳۹۹۰۰۰ نفر
۳	تکمیل توسعه اول سعود (۱۴۰۶)	۴۲۰۰۰ =	۲۰۲۰۰۰ =	۱۰۵۰۰۰ نفر	۵۰۴۰۰۰ نفر
۴	توسعه دوم سعودی (۱۴۰۹)	۷۶۰۰۰ =	۲۷۸۰۰۰ =	۱۹۰۰۰۰ نفر	۶۹۴۰۰۰ نفر
۵	تکمیل توسعه دوم در میدان‌های اطراف	۸۰۰۰۰ =	۳۶۶۰۰۰ =	۲۲۰۰۰۰ نفر	۱۰۰۰۰۰۰ نفر

نقل و اقتباس از قصه التوسعة الكبرى و تاریخ المكة المكرمة قديماً وحديثاً



### خلاصه درس

بر اساس برخی روایات، حضرت آدم علیه السلام کعبه را بنا کرد. هنگام طوفان نوح علیه السلام کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام پنهان بود تا آنکه خداوند مکان آن را به ابراهیم علیه السلام نشان داد.

کعبه در دوران حضرت ابراهیم سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیت آن را مسقف کردند. کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم علیه السلام، ۸ مرتبه به طور کامل یا بخشی از آن توسط قبایل و افراد بازسازی شده است.

آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام عبارتند از حَجَرُ الْأَسْوَد یا سنگ سیاهی که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است. و نیز «ارکان کعبه» که چهارگوشه بیت الله و هر یک به نام خاصی مشهور است. از جمله رکن شرقی (اسود)، رکن شمالی (عراقی)، رکن غربی (شامی)، رکن جنوبی (یمانی). در دوران ابن زبیر برای محکم ساختن پایه‌های کعبه، برآمدگی کوچکی دیوار کعبه را احاطه کرد که جزو کعبه بود و آن را شاذروان گویند.

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، در شمال بام، ناودانی نصب شد که آب را به داخل حِجَر اسماعیل علیه السلام هدایت کند.

کعبه در زمان ابن زبیر دارای دو باب بود که یکی از آنها را حجاج بست. ابن زبیر دری چوبین بر روی آن قرار داده بود که در طول تاریخ با درهای جدیدتر تعویض شده و هم اکنون از طلای خالص است.

باب الکعبه به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. امروزه بخشی از دیوارهای داخلی کعبه با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده است.

به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی «مستجار» گفته می‌شود. بر اساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است.

در دوران جاهلیت، بین حجرالاسود، باب کعبه و مقام و حجر اسماعیل، نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند آنجا را «حطیم» گویند.

به روایتی دیگر حطیم سمت حجر اسماعیل است که جزو کعبه بوده و قریش آن را از طول کعبه کاسته‌اند.

یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است که هر سال با پرده‌های جدید بر کعبه پوشانیده می‌شود.

مقام ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است.

حجر اسماعیل علیه السلام را از این رو به اسماعیل علیه السلام منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه بر افراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و پناه (حجر) این دیوار می‌نشست.

چاه زمزم، همواره نزد مردم مکه قداست و اهمیت فراوانی داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.

گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صلی الله علیه و آله از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند. حواء علیها السلام نیز بر کوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه» (زن) نامیدند. جبرئیل علیه السلام بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت الله پرداختند. حاجیان فاصله این دو کوه را که نزدیک ۳۷۵ متر است باید هفت مرتبه طی کنند که به محل آن مسعی گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. عیدالله امین کردی، همان، ص ۱۷۵.



مسجد الحرام بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا ﷺ، نخستین مسجد بر روی زمین است. بر اساس روایات ثواب یک رکعت نماز در مسجدالحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است.

مسجد الحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی دارای ۱۹ در بود. در دوران ملک عبدالعزيز سعودی به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبد العزيز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آنها وجود دارد. در میان آنها چهار در اصلی و بزرگ در چهار جهت قرار دارد که این درها عبارتند از:

۱. باب ملک عبدالعزيز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزيز؛ ۳. باب عمره. ۴. باب

الصفاء.

### خودآزمایی

۱. سیر تاریخی احداث کعبه را شرح دهید.
۲. سیر بازسازی کعبه را بیان کنید.
۳. مناصب کعبه را نام برده و توضیح دهید.
۴. بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام را نام برده و شرح دهید.
۵. روایاتی را که در مورد حجر الاسود وجود دارد بیان کنید.
۶. ارکان مختلف کعبه را نام برده و شرح دهید.
۷. مستجار چیست و چه حادثه‌ای در آن رخ داده است؟
۸. کوه صفا و مروه شاهد چه حوادثی بوده است؟
۹. سیر تاریخی مسجد الحرام را شرح دهید.
۱۰. درهای اصلی مسجد الحرام را نام ببرید.



درس سوم:

## میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و منی)

### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با میقات‌های حج آشنا شویم.
- محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف آن بشناسیم.
- علت تحریم در محدوده حرم را بدانیم.
- با اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده آشنا شویم.
- مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را بشناسیم.
- از تاریخچه وادی محسر مطلع گردیم.
- وقایع سرزمین منی را بدانیم.
- با فلسفه پیدایش جمرات سه گانه آشنا شویم.
- مساجد موجود در منی را بشناسیم.

### مدخل

حاجیان برای ورود به سرزمین حرم باید در نقاطی مُحرم شوند تا بتوانند وارد حرم گردند. شناخت این مکان‌ها که به میقات معروف هستند به زائران کمک خواهد کرد تا در آن نقاط احرام ببندند و وارد حرم امن الهی شوند. زائران به هنگام انجام حج باید سه روز پی در پی در اماکن و مشاعر متبرکه عرفات، منی و مشعر و قوف و حضور یابند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند تا حج خود را به پایان رسانند. بنابراین در این درس، به توضیح و تشریح

میقات‌های حج، حدود حرم و علت تحریم آن، مساجد منطقه آغازین حرم و مناطق عرفات، مشعر و منی و ویژگی‌های هریک پرداخته می‌شود.

### الف) میقات‌های حج

برای ورود حاجیان مکان‌هایی وجود دارد که در آنها برای انجام عمره یا حج مُحرَم می‌شوند، به آنها «میقات» گویند. مردم برای انجام حج و عمره به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اهل حرم، که در مکه و داخل حدود حرم ساکن هستند و باید برای حج در مکان خود و برای عمره در یکی از مکان‌های حدّ حرم محرم شوند؛ ۲. اهل حِلّ، به کسانی گفته می‌شود که محل سکونتشان در داخل محدوده میقات‌ها یا بین میقات‌ها و حدّ حرم است که باید برای حج و عمره از سکونت‌گاه‌های خود محرم شوند؛ ۳. آفاقیون، به کسانی گفته می‌شود که خارج میقات‌ها زندگی می‌کنند که باید برای حج و عمره بر حسب مسیر خود در یکی از میقات‌ها محرم شوند. میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجاج متفاوتند. پیامبر ﷺ برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذوالحلیفه (مسجد شجره)، برای مردم شام، جحفه، برای اهل نجد، قرن‌المنازل و برای اهل یمن، یلملم و برای ساکنان عراق ذات عرق، یا وادی عقیق را میقات قرار دادند،<sup>۱</sup> که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

#### ۱. ذوالخلیفه (مسجد شجره = آبار علی علیه السلام)

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکه می‌روند. پیامبر ﷺ در دو سفر عمره در این میقات محرم شدند.

#### ۲. جحفه

«جحفه» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رابغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که

۱. صدوق، سلسله یتایع الفقهاء، کتاب الحج، ج ۷، ص ۲۰؛ شیخ طوسی، النهایه، ص ۱۷۴؛ بخاری، صحیح، [الحج]، حدیث ۱۵۲۴.

از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که ابتدا از جدّه به مکه می‌آیند، در مسجد جدید الاحداثی که به جُحفه معروف است، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی جحفه (حدود چهار کیلومتری آن) قرار دارد. چون این منطقه به وسیله سیل تخریب شد، آن را جُحفه نامیده‌اند.<sup>۱</sup> امروزه از مسجد غدیر خم اثری باقی نمانده است.

### ۳. وادی<sup>۲</sup> عقبی

این وادی که به ذات عرق هم معروف است در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه بوده و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

### ۴. قَرْنُ الْمَنَازِل

در ۷۵ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از نجد و طائف، از جاده ریاض - طائف به حرم وارد می‌شوند. «قَرْن» به کوه کوچکی گفته می‌شود که از کوهی بزرگ جدا افتاده باشد. در این منطقه در سال ۱۴۰۲ ق. مسجدی با نام «السیل الکبیر» ساخته شده است.

### ۵. یَلَمْلَم

کوهی است از کوه‌های «تهامه» که در ۱۲۶ کیلومتری جنوب غربی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند.<sup>۳</sup>

امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یلملم با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: زبیدی، تاج العروس، ماده جحف.

۲. وادی به معنای درّه یا میان دو کوه است که آب در آن جاری می‌شود.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۴۱

۴. در ارتباط با مواقیت پنج‌گانه و آداب و اعمال آن ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۲۵۰ به بعد؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۱.



**ب) حدود حرم و علت تحریم**

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ حَرَّمَ مَكَّةَ وَلَمْ يُحَرِّمْهَا النَّاسُ وَلَا يَحِلُّ لِمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْفِكَ بِهَا دَمًا وَلَا يُغَضِّدُ بِهَا شَجَرًا.<sup>۱</sup>  
خداوند سبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادند. برای کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کند.

در قرآن کریم آمده است: «... وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»؛ هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد.»

این به دعای حضرت ابراهیم بود که از خداوند خواست ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾ و حضرت حق به وسیله جبرئیل محدوده حرم را به ابراهیم علیه السلام نشان داد. او نیز علایمی را در حد و مرز حرم نصب کرد. در دوران پس از پیامبر ﷺ و خلفا، این علامت‌ها به ۹۴۳ عدد رسید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعات و سطوح قرار داشت. امروزه جز اندکی از آنها باقی نیست. این محدوده، دوزنقه‌ای شکل است که مساحتی حدود ۵۵۰ کیلومتر مربع را در برمی گیرد. (تصویر شماره ۳۲)

محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرده‌اند:

**۱. وادی عُرْتَه (عرفات)**

از راه عرفات و در میان «نمره» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند.<sup>۲</sup> بنابراین، چون حد حرم وادی عرفه است، لذا سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علایمی مشخص شده است.

۱. مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۲۵۹؛

بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. آل عمران، ۹۰.

۳. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن خردادبه، المسالك والممالك، ص ۱۱۶.

## ۲. وادی نخله

مکانی است میان مکه و طائف در سمت شرق مکه<sup>۱</sup> و در ۱۳ کیلومتری آن سربه معروف نخله توسط عبدالله بن حجه صورت گرفته است.

## ۳. سمت جعرانه

جعرانه در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مسجدالحرام است. در این مکان مسجدی به نام جعرانه وجود دارد. رسول الله ﷺ هنگام برگشت از غزوه حنین، در این مکان غنایم را تقسیم و نیز در آنجا مُحرم شدند. غزوه حنین در چند کیلومتری این مسجد انجام شده است: مرزهای حد حرم در این سمت به صورت سنگ چین در دامنه و فراز کوهها علامتگذاری شده است. پس از جعرانه در مسیر مکه سکونت گاه طایفه بنی سعد بن بکر بوده که حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول خدا ﷺ از آن طایفه بوده است. در همین مسیر و قبل از تنعیم منطقه سرف قرار دارد که اردوگاهی در صدر اسلام بوده و قبر میمونه همسر رسول خدا ﷺ نیز در آنجا قرار دارد.

## ۴. تنعیم

تنعیم در شمال مکه و در ۷/۵ کیلومتری مسجدالحرام است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نام این منطقه نیز نعمان یا تنعیم است.<sup>۲</sup>

به دستور پیامبر ﷺ عایشه برای انجام عمره مفرده در حجة الوداع سال نهم در این مکان مُحرم شد.<sup>۳</sup> گفتنی است دو علامت، در دو طرف جاده اصلی، مرز حرم را نشان می دهند.

کسانی که از مکه می خواهند برای عمره محرم شوند چه ساکن باشند یا مسافر، می توانند در اینجا که نزدیک ترین محدوده حرم است مُحرم شوند.

۱. محمد الیاس عبدالغنی، تاریخ مکه المکرم قدیما و حدیثا، ص ۱۷.

۲. فاکهی، همان، ج ۵، ص ۵۹ و ۶۰.

۳. بخاری، همان، حدیث ۱۷۸۵.



## ۵. حَدِیْبِیَّه

منطقه حدیبیه مکانی است خارج از حدّ حرم در سمت جاده قدیم مکه به جدّه که در ۲۴ کیلومتری مسجدالحرام و ۲ کیلومتری حد حرم قرار دارد. در سال ششم هجری، پیمان صلح معروف حدیبیه و بیعت رضوان در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آنجا مسجدی به نام «رضوان» ساختند. امروزه این مکان به نام چاهی که به شمیم معروف بوده است به شُمِیسی اشتها دارد.<sup>۱</sup>

## ۶. أَضَاءَةُ لَبْن

«أَضَاءَةُ لَبْن» محدوده حرم در سمت یمن (جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مسجدالحرام قرار دارد.<sup>۲</sup> اضاءة به معنای «مَسِیل» یا درّه و «لَبْن» نیز به سبب رنگ مایل به سفیدی کوه مجاور آن است. امروزه به عقیشیه منسوب به ابن عقیش است که او در قرن نهم مالک این منطقه بوده است.<sup>۳</sup>

## ج) مساجد منطقه آغازین حرم

### ۱. مسجد تنعیم

همان گونه که پیش تر اشاره شد، تنعیم یکی از نقاط آغازین حرم و در ۷/۵ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر ﷺ در حَجَّة الوداع، مسجدی ساختند که نام آن را «تنعیم» گذاشتند. نام دیگر آن عایشه است؛ زیرا وی همراه برادرش، عبدالرحمن بن ابوبکر در این مکان برای انجام عمره مفرده محرم شد. امروزه این مسجد بیشتر به «العمره» مشهور است. والی مکه در سال ۲۴۰ ق. مسجد تنعیم را ترمیم و بر چاهی که داخل آن بود گنبدی بنا کرد. پس از آن نیز بارها مسجد بازسازی شد.<sup>۴</sup> در دوران فهدبن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند و مساحت آن را به ۶ هزار مترمربع

۱. الیاس عبدالغنی، همان، ص ۲۰.

۲. یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ابن خرداد به، المسالک والممالک، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

رسانیدند که پانزده هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد.<sup>۱</sup> در پانصد متری این مسجد، یعنی در شارع شهدا، قبرستان شهدای فح قرار دارد. (تصویر شماره ۳۳)

## ۲. مسجد حُدَیبِیّه = شَمِیسی

پیامبر خدا ﷺ در ذی‌قعدة سال ششم هجرت، همراه گروهی از مسلمانان، برای انجام عمره از مدینه خارج و راهی مکه شدند. در ۲۰ کیلومتری مکه، سپاهیان مسلح قریش راه را بر آن حضرت بستند. با اینکه پیامبر ﷺ به نمایندگان مشرکان اطمینان دادند که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام عمره آمده‌اند، لیکن آنان نپذیرفتند و مانع ورود مسلمانان به مکه شدند. پیامبر ﷺ عثمان بن عفان را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با سران مکه فرستاد، اما تا سه روز از وی خبری نشد و مسلمانان گمان کردند که کفار قریش او را کشته‌اند. چون صحابه به نیات مشرکان واقف نبودند، در کنار درختی با پیامبر ﷺ پیمان بستند که تا پای جان ایستادگی کنند. پیامبر ﷺ فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من پیمان بستند به آتش جهنم نخواهند سوخت». در این هنگام خداوند نیز با نزول آیاتی بر پیمان مسلمانان صحه گذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...﴾<sup>۲</sup>

بدین سبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام گرفت. سرانجام قریش با آن حضرت پیمان صلحی بستند؛ بدان شرط که امسال بازگردند و در سال دیگر برای انجام عمره به مکه بیایند؛ لذا پیامبر ﷺ و همراهان ایشان نیز، به مدینه بازگشتند.<sup>۳</sup>

از آنجا که این صلح در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشهور شد. یکی از نتایج پرثمر آن، فتح مکه بود که خداوند آن را وعده داد. بعدها در

۱. حامد عباس، قصة التوسعة الكبرى، ص ۵۶.

۲. فتح، ۱۸.

۳. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۷۴ و ۷۵.

مکان درخت مذکور مسجدی ساختند که به نام رضوان معروف شد و هم اکنون بقایای دیواره‌های آن باقی است. در دوره سعودی، مسجد دیگری کنار آن ساختند که حدود ۲۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای دیوارهای سفید و یک مناره است. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد شمسی دیده می‌شود که نام چاهی در منطقه است. کمی پایین‌تر از حدیبیه، در سیزده کیلومتری آن و انتهای شهر مکه در جاده ام‌الدود، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۳۴)

### ۳. مسجد جعرانه

یکی دیگر از مساجدی است که در جعرانه، در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مسجدالحرام واقع شده است.<sup>۱</sup> کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از اینجا نیز می‌توانند محرم شوند و به این فضیلت نایل آیند.

در جعرانه آیه ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾<sup>۲</sup> نازل شده است.

روایات زیادی در فضیلت این مکان نقل شده است. گویند سی پیامبر از جمله رسول خدا ﷺ در این مکان مُحَرَّم شده‌اند. رسول خدا ﷺ پس از غزوه حُنین در اینجا غنیمت‌های جنگ را تقسیم کردند.

در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر ﷺ ساختند، بسیار ساده بود و ابن‌زبیر در تکمیل بنای آن کوشید.<sup>۳</sup> در دوران بعد نیز ترمیم و توسعه یافت. اکنون مساحت مسجد به ۴۳۰ متر مربع رسیده که گنجایش هزار نمازگزار را دارد.<sup>۴</sup> در پشت مسجد، هنوز آثار چاهی از عصر رسول خدا ﷺ (در داخل حصاری) وجود دارد که البته دهانه آن را بسته‌اند. آن حضرت پس از غزوه حنین این چاه خشکیده را با دعای خویش پر آب کرد و لشکریان از آن سیراب شدند.

۱. این نام را جعرانه نیز خوانده‌اند که نام زنی ساکن در این مکان بوده است.

۲. بقره، ۱۱۶.

۳. فاکهی، ج ۵، ص ۶۶

۴. حامد عباس، همان، ۵۶

**د) سرزمین عرفات**

...فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوا  
كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ<sup>۱</sup>

عرفات، نام صحرایی است وسیع و هموار، که در ۲۱ کیلومتری جنوب شرقی مسجدالحرام قرار دارد.<sup>۲</sup> طول تقریبی این صحرا، ۱۲ و عرض آن ۶/۵ کیلومتر است. گفتنی است که عرفات از حرم خارج است. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی وجود دارد. بعضی آن را جمع عرفه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاری نیز ریشه‌های تاریخی قائل شده‌اند؛ از جمله آنکه حضرت آدم و حوّا (علیهم‌السلام) پس از هبوط به زمین و بعد از جدایی طولانی، در این صحرا به یکدیگر رسیده و با هم آشنا شده‌اند.

گروهی نیز گفته‌اند عرفات (به معنای آشنایی) به آن علت است که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در اینجا برای قربانی کردن اسماعیل (علیه‌السلام) خواب دید و لذا نسبت به وظیفه خود آشنا شد. یا اینکه جبرئیل (علیه‌السلام) در روز عرفه برابر ابراهیم (علیه‌السلام) وارد شد و مناسک حج را به او آموخت و با اعمال این روز آشنا کرد.<sup>۳</sup>

چنان‌که از روایات بر می‌آید، وقوف در عرفات نه تنها از ارکان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه این وقوف دارای فضایل ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص انعام و

۱. بقره، ۱۹۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۸ و ۳۷۵.

۳. فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۹؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴. در علل الشرایع آمده است که امام صادق (علیه‌السلام) در وجه تسمیه عرفات چنین فرموده‌اند که جبرائیل (علیه‌السلام) روز عرفه بر ابراهیم فرود آمد و به او گفت به گناهانت اعتراف کن و مناسک را بشناس و لذا آنجا را «عرفات» نامیدند. (صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶)

اکرامش را در دامنه «جبل الرّحمه» گسترانیده و از میهمانان و زائران بیت الله دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی دریغش بنشینند و از لطف و رحمت بیکرانیش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب روز نهم ذی حجه است و پس از آن می توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد.

امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشم گیری انجام گرفته است. خیابان های وسیع، جاده های پهن با چندین باند، پل های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت ده ها هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ های قوی برای پخش قطرات آب در فضا و خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همه اینها، بیابان خشک و سوزان عرفات را که فلسفه اصلی وقوف در آن، بادآوری گرما و سرگردانی در روز قیامت است، به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی کند.

پیامبر ﷺ روز عرفه را در «نَمِرَه»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می آمدند. این سنگ، صخره ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد نَمِرَه» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا ﷺ، همان محل وقوف حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند. خداوند در قرآن این امتیازات جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هر جا که همه مسلمانان وقوف می کنند، وقوف داشته باشند. ﴿ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ...﴾<sup>۱</sup>

صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر ﷺ (حَجَّةُ الْوَدَاع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است.

پیامبر ﷺ خطبه مهم و تعیین کننده حَجَّة الوداع را که به حق «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در این مکان ایراد فرمودند. (تصویر شماره ۳۵)

### ۱. مسجد نمره = جامع ابراهیم علیہ السلام

نمره نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن، یعنی محلی که پیامبر ﷺ وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نمره یا «عرفه» بنا شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم علیہ السلام خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم علیہ السلام در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. از عبدالله بن عمر نقل شده است که پیامبر ﷺ روز عرفه را در وادی نمره نزول می‌کردند. در این مکان غاری (شکافی) بوده و ایشان کنار آن می‌نشستند.<sup>۱</sup>

مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته اندکی از سمت جنوبی آن که از افزوده‌های جدید است، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند.

مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴ هزار متر مربع می‌رسد و حدود ۱۳۰ هزار نمازگزار را در خود جا می‌دهد. یک گنبد و چهار مناره و ده درب اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد. (تصویر شماره ۳۶)

### ۲. جبل الرحمه

این کوه کوچک تقریباً در شمال شرقی عرفات است و از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا است. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم علیہ السلام و پیامبر مکرم اسلام ﷺ بوده است. برخی گفته‌اند رسول خدا ﷺ بر تخته سنگی از آن ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایراد کردند.<sup>۲</sup>

۱. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۳۲۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۵۷.

۲. صاحب مرآة الحرمين، مسأله نماز خواندن پیامبر ﷺ بر جبل الرحمه را صحیح نمی‌دانند. او می‌افزاید در مکان نماز ابراهیم مسجدی به نام او در قرن ششم ساخته شد. (همان، ج ۱، ص ۴۴)

از آنجا که جبل الرحمه شاهد دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم (علیه السلام) بر جبل الرحمه را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، ستونی به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱/۸۰ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قندیل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروان‌ها باشد.<sup>۱</sup> وقوف و حضور بر بالای کوه کراحت دارد و بهتر است در دامنه و سمت چپ کوه به دعا و تضرع پرداخته شود. (تصویر شماره ۳۷)

#### هـ) مَشْعَر الحرام = مُزْدَلِفَه

... فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...<sup>۲</sup>

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا دره «مُثَمِّمِین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه، یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از هنگام فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه - در این مکان وقوف کنند؛ زیرا وقوف در آن از ارکان حج است.

قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوته نمی‌کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند.<sup>۳</sup> در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده، از جمله اینکه: مَشْعَر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زَلَف» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرب پیدا می‌کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می‌شوند.<sup>۴</sup>

۱. رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۴؛ ابن جبیر، الرحلة، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۲. بقره، ۱۹۸.

۳. بخاری، صحیح، [باب الوقوف بعرفه]، ج ۲، ص ۱۷۰.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۸.

از امام صادق ع نقل شده است: جبرئیل پس از پایان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «يَا اِبْرَاهِيْمُ اَزْدَلِفُ اِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...» و به همین علت این مکان را «مزدلفه» نامیدند.<sup>۱</sup>

مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعرالحرام گویند. طول آن حدود چهار هزار متر و مساحت آن ۱۲/۵ کیلومتر مربع است. این محدوده از وادی مئذمین آغاز و به وادی مُحَسَّر منتهی می‌شود.<sup>۲</sup> در این مکان ضمن بیتوته و عبادت در شب، می‌توان سنگ‌ریزه‌هایی برای رمی جمرات جمع‌آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و... برای راحتی حجاج در آنجا فراهم آمده است. (تصویر شماره ۳۸)

#### ۱. مسجد مُزْدَلِفَه = مشعرالحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که اکنون ۵۵۰۰ متر مربع مساحت دارد و حدود پنج هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبر خدا ص بیتوته می‌کرد.<sup>۳</sup>

گفته شده: در این مکان جبرئیل ع بر پیامبر ص نازل شد و در مورد مشعرالحرام و اهمیت و اعمال، آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرد.

#### (و) وادی مُحَسَّر

جایی است میان مزدلفه و منا که طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «مُحَسَّر» مشهور گشت.<sup>۴</sup> مُحَسَّر اسم فاعل از حَسِرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری

۱. صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲. ابن رشید الفهری، ملء العیبه، ص ۱۰۳.

۳. بخاری، صحیح، الحج، ۱۶۷۴.

۴. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۴؛ فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۹۹؛ ابن رشید الفهری، همان، ص ۱۰۱.



شدن رود است.<sup>۱</sup> این وادی، نه جزو مناست و نه مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدونند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول محسر ۳۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، ابتدای مناست. شایان ذکر است که چون وقوف در مشعرالحرام بین فجر و طلوع آفتاب است، بنابراین نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منا وارد شد.

### (ز) سرزمین منا

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ.<sup>۲</sup>

منا در لغت از ریشه اُمنیه و به معنای آرزوست. محدوده سرزمین منا از مُحَسَّر تا جمره عقبه است. گفته شده وقتی حضرت آدم (ع) به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در اینجا پرسیدند: آیا منیه یا آرزویی داری؟ از این رو، این سرزمین به «منی» معروف شد.<sup>۳</sup> از محتوای دعایی که امام صادق (ع) در منی خوانده‌اند برمی‌آید که ریشه آن از منّت است؛ زیرا خداوند بر مردم منّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد.<sup>۴</sup> حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

منا میان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شمال شرق مسجدالحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. بر این اساس منا داخل منطقه عمومی مکه واقع شده است.

۱. عاتق بن غیث بلادی، معجم المعالم حجاز، ص ۲۴۸.

۲. بقره، ۱۹۶.

۳. ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۴۶؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۴۶۱. «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مَنْتَبَهًا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ...».

طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. این سرزمین شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده است. پیمان‌های عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیامبر ﷺ به مدینه در نزدیکی این منطقه بسته شد.<sup>۱</sup>

از وقایع مهم دیگر این سرزمین بسیج و سازماندهی و استقرار سپاه اسلام برای فتح مکه در سال هشتم هجری بود. پیامبر ﷺ پس از فتح مکه در مکان مسجد خیف علل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند. (تصاویر شماره ۳۹-۴۱)

#### ۱. جَمَرَات سه‌گانه

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»<sup>۲</sup>، رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار برای فریب و سست کردن اراده ابراهیم خلیل علیه السلام جهت قربانی کردن فرزندش در محل جمره عقبی خود را بر او علیه السلام نمایاند و آن حضرت با سنگریزه‌هایی او را راند. بار دیگر در محل جمره وسطی و بار سوم در جای جمره اولی ظاهر شد و او در هر مرتبه، شیطان را با پرتاب سنگریزه دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌ها به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شتاب کردن و راندن است. فاصله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس دو روز بعد، یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. در گذشته، ازدحام و شلوغی جمرات سه‌گانه، باعث صدمه دیدن و حتی مرگ حاجیان می‌شد؛ بنابراین پلی بر روی آنها ساخته شد تا حاجیان بتوانند از بالای پل نیز رمی کنند. از این رو بر ارتفاع جمرات افزودند. در سال ۱۳۸۳ هـ. ش. جمرات سه‌گانه که به صورت استوانه کوچک چهار ضلعی بود، به شکل

۱. ر.ک: مبحث مساجد موجود در منا از همین کتاب.

۲. روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه که حاجیان در منا باید حضور داشته باشند را «ایام تشریق» گفته‌اند.

دیوار بزرگی به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۴ متر در آمد تا حاجیان راحت تر بتوانند بر آن سنگ بزنند و مجبور نباشند برای سنگ زدن به یک استوانه کوچک، گرفتار مشکل شوند. این افزودگی ها بر جمرات، عمدتاً در کناره ها صورت گرفت و جای اصلی جمرات، تقریباً در وسط این دیوار جدید بوده است. اخیراً با تراشیدن کوه های اطراف، منطقه جمرات را بسیار توسعه داده اند و در حال اجرای طرحی بزرگ برای هفت طبقه کردن آن هستند که اکنون سه طبقه آن در حال بهره برداری است. (تصاویر شماره ۴۲ و ۴۲/۱)

## ۲. مساجد موجود در منا

۲-۱. مسجد خَیْف: از مساجد بزرگ و با اهمیت در مناسبت. خیف به زمینی گویند که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد.<sup>۱</sup> به روایتی، هفتاد پیامبر، از جمله حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در آنجا مدفون هستند.<sup>۲</sup>

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به هنگام حج در این مکان نماز می گزاردند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص، سفارش های زیادی شده است. در روایات آمده که بسیاری از پیامبران الهی نیز در آنجا نماز گزارده اند.

در دوران مختلف، بر طول و عرض این مسجد افزوده شد که اکنون مساحت آن به ۲۵ هزار متر مربع می رسد و حدود ۳۰ هزار نماز گزار را در خود جای می دهد. چهار مناره آن، که از یکدیگر فاصله زیادی دارند، در کنار کوه، در مسیر جمرات سه گانه جلوه زیبایی به مسجد داده اند. (تصویر شماره ۴۳)

۲-۲. مسجد البیعه: این مسجد را در مکان بیعت عقبه اول و دوم که در سال های دوازده و سیزده بعثت بین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مردم یترب بسته شد، ساختند تا یادآور آن خاطره عظیم باشد؛<sup>۳</sup> به همین مناسبت، آن را مسجد «البیعه» نام

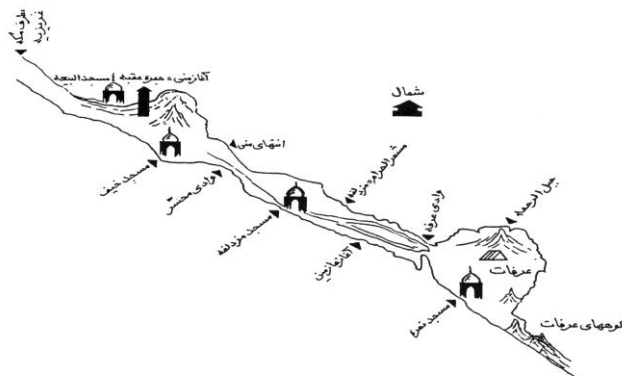
۱. صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۲۶۶ و ۲۶۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱، ص ۳۷۴.

۳. رک: بخش مدینه از همین کتاب و همچنین فاکهی، همان، ج ۴، ص ۲۳۲ - ۲۳۸.

نهادند.<sup>۱</sup> این مسجد حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که در جهت جنوب جمرات به سوی مکه می‌رود. البیعه که داخل دره کوچکی در معرض دید قرار نداشت و متأسفانه سال‌ها به زباله‌دانی تبدیل شده بود، اکنون در طرح توسعه جمرات در معرض دید قرار گرفته و اطراف آن را نرده کشیده‌اند و احتمال می‌رود در این توسعه تخریب شود. شایان ذکر است که سه مسجد دیگر به نام‌های مسجد الکبش (جایگاه قوچ و قربانی ابراهیم) مسجد الصفائح و مسجد الکوثر در توسعه‌های مختلف دوران سعودی تخریب شده‌اند. (تصویر شماره ۴۴ و ۴۴/۱)

نقشه تقریبی عرفات - مزدلفه - محسّر - منی



### ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه

در بین راه مکه و مدینه چند مکان تاریخی وجود دارد که البته امکان دسترسی بر آن برای همه مقدور نیست.

۱. ابن جبر، همان، ص ۱۲۱.

۱. مزار شهدای بدر: در ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه، در جاده قدیم مدینه به مکه و در هشتاد کیلومتری شهرک رابغ واقع است. در بدر، مسجدی به نام عریش ساخته‌اند که جایگاه حضور پیامبر ﷺ در نبرد بدر را نشان می‌دهد. این مسجد هم‌چنان پا برجاست.
۲. ربذه: زادگاه، موطن و تبعیدگاه ابوذر غفاری، در ۱۲۵ کیلومتری شمال شرق مدینه در مسیر ذات عرق یکی از میقات‌های حرم (عراق) مسیر درب زبیده است. این منطقه در گذشته شهری بسیار آبادان بوده و در قرن چهارم هجری از میان رفته است و اکنون روستایی کوچک است.<sup>۱</sup>
۳. غدیر خم: در ۲۰۰ کیلومتری شمال غربی مکه در نزدیکی میقات جُحفه واقع شده که در آنجا به یاد حادثه معروف غدیر خم مسجدی، به همین نام ساخته بودند که در سال‌های گذشته تخریب شده است.<sup>۲</sup>
۴. ابواء: مقبره آمنه مادر گرامی رسول خدا، در ۱۳ کیلومتری فرعی راه قدیم مکه به مدینه قرار دارد. (تصاویر شماره ۴۵-۴۷)

### خلاصه درس

برای ورود به حرم امن الهی و انجام حج، مکان‌هایی برای احرام حاجیان با عنوان «میقات» وجود دارد. این میقات‌ها به تناسب مسیر ورود آنان متفاوت‌اند که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند: ۱. ذو الحلیفه (مسجد شجره = آبار علی علیه السلام)؛ ۲. جُحفه؛ ۳. وادی عقیق؛ ۴. قَرْنِ الْمَنَازِل؛ ۵. یَلْمَلَم؛ ۶. فَخّ. حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست تا مکه را برای او حرم امن قرار دهد، لذا جبرئیل محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرد: ۱. وادی عُرْنَه (عرفات)؛ ۲. وادی نخله؛ ۳. جَعْرانَه؛ ۴. تَنْعِیم؛ ۵. حُدَیبِیَه؛ ۶. اَصَاءَةُ لِبْن.

۱. برای اطلاع از موقعیت جغرافیایی آن بنگرید به: قاضی عسکر، میقات حج، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۲ ش.

۲. برای اطلاع از موقعیت جغرافیایی آن بنگرید به: محمدباقر نجفی، میقات حج، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۱ ش.

مساجد منطقه آغازین حرم عبارتند از: ۱. مسجد تنعیم یا عایشه در مکان احرام پیامبر ﷺ در حَجَّةُ الْوَدَاع؛ ۲. مسجد حُدَیبِیَّة = رِضْوَان = شُمَیْسِی؛ ۳. مسجد جَعْرَانَه.

عرفات، نام صحرایی وسیع و هموار است. در نامگذاری و وجه تسمیه آن اقوال مختلفی وجود دارد؛ بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند. برخی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند؛ بدان معنا که ابراهیم عليه السلام در این محل، نسبت به قربانی کردن فرزندش و نیز انجام مناسک حج آشنا و عارف شد.

در نزدیکی عرفات کوهی است به نام «نمره» که در نزدیکی آن، یعنی محلی که پیامبر ﷺ وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به آن نام بنا شده است. در شمال شرق عرفات نیز کوه کوچک و مستقلی است که بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم عليه السلام بوده است. آن را جبل الرحمة نامیده‌اند؛ زیرا در روز عرفه در دامنه آن، حاجیان از رحمت الهی برخوردار می‌شوند.

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مُذَمِّین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه، یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه - همان روز - اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است.

حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. سرزمین مقدس منا که محل قربانی کردن آرزوهاست پس از وادی محسر آغاز و به جمره عقبی منتهی می‌شود.

منا در لغت از ریشه اُمنیه و به معنای آرزوست و یا از مَنَّت است؛ زیرا خداوند بر مردم مَنَّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا بیتوته داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، رمی جمرات است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس در دو روز بعد، یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند.

مساجد موجود در منطقه منا عبارتند از: ۱. مسجد خیف؛ ۲. مسجد البیعه. در فاصله بین مکه و مدینه چند منطقه مهم و تاریخی وجود دارد که اگرچه در مسیر حرکت کاروان‌ها نیست، اما یاد آنها می‌تواند در حفظ و پاسداشت جایگاه آن در تاریخ اسلام مؤثر باشد. این اماکن عبارتند از: ۱. مزار شهدای بدر؛ ۲. ریزه (تبعیدگاه ابوذر)؛ ۳. غدیر خم؛ ۴. ابواء (محل دفن آمنه مادر گرامی پیامبر ﷺ).

### خودآزمایی

۱. نام میقات‌های مسیر ورودی مکه چیست؟
۲. محدوده حرم با توجه به جهات مختلف کجاست؟
۳. علت تحریم در محدوده حرم چیست؟
۴. مساجد منطقه آغازین حرم به نام دارند؟
۵. وجوه تسمیه سرزمین عرفات را شرح دهید.
۶. زمان وقوف در عرفات چه هنگام است؟
۷. کوه‌های منطقه عرفات را نام برده و وجه تسمیه هر یک را بیان کنید.
۸. مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را چه نام دارند؟
۹. زمان وقوف در مشعرالحرام چه زمانی است؟
۱۰. چرا منطقه مشعر الحرام، مزدلفه نامیده می‌شود؟
۱۱. وادی محسر شاهد چه حادثه تاریخی بوده است؟
۱۲. اعمال سرزمین منا و زمان وقوف در آن را بیان کنید.
۱۳. جمرات سه‌گانه را توضیح دهید.
۱۴. مساجد موجود در منا چه نام دارند؟
۱۵. ایام تشریق چه ایامی است؟





بخش دوم:

مدینه منوره حرم خاتم النبیین ﷺ



## درس چهارم:

### موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (ویژگی‌ها و اماکن)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با موقعیت جغرافیایی مدینه آشنا شویم.
- اهمیت و فضایل هر یک از کوه‌های مدینه را بدانیم.
- با وادی‌های مدینه و احادیث و روایات وارد شده در فصل آنها آشنا شویم.
- با مقابر و زیارتگاه‌های مدینه آشنا شویم.
- تاریخچه و فضائل قبرستان بقیع را بدانیم.
- دفن‌شدگان قبرستان بقیع را بشناسیم.
- از سیر شکل‌گیری زیارتگاه شهدای احد آگاه شویم.

#### مدخل

شناخت وضعیت جغرافیایی مدینه به سبب وجود کوه‌ها و موانع طبیعی، دره‌ها و دروازه‌های تاریخی به منظور آگاهی از موقعیت ژئوپولیتیک مدینه و نیز آشنایی با زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسی که صحابه، ائمه شیعه و بزرگان اسلام در آنها دفن شده‌اند دارای اهمیت ویژه است؛ لذا در این فصل، به توضیح موقعیت جغرافیایی، کوه‌ها، وادی‌ها، ثنایا و مقابر و زیارتگاه‌های مدینه پرداخته می‌شود.

### موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (یثرب)

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، از طریق بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر است. این شهر از غرب و شرق و بخشی از جنوب، به وسیله «حرّه‌ها»<sup>۱</sup> محصور شده است. این حرّه‌ها از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولاً آنها را حرّه شرقی و حرّه غربی می‌خوانند؛ با اینکه آن دو حرّه یکی هستند.<sup>۲</sup>

مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب.<sup>۳</sup> در مدینه سه وادی وجود دارد: عقیق، بطحان و قنّاء.<sup>۴</sup>

مدینه در تقسیمات جغرافیایی در منطقه حجاز واقع شده است. آب و هوای آن در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکه و جده پایین‌تر است؛ در دی ماه پایین‌ترین دما ۲ درجه و بالاترین آن ۲۴/۶ درجه سانتی‌گراد است و در تیرماه پایین‌ترین دما ۱۷/۲ درجه و بالاترین دمای آن ۴۴ درجه سانتی‌گراد است. بالاترین میزان بارندگی در دی ماه به ۸/۳ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین میزان آن، در آذرماه ۲ میلی‌متر است.

مدینه برخلاف مکه به لحاظ این بارندگی نسبتاً منظم، از کم‌آبی رنج نمی‌برد و در منطقه حجاز، پس از طائف، مطلوب‌ترین آب و هوا و مناسب‌ترین زمین را برای کشاورزی دارد.

۱. «حرّه» به معنای «سنگلاخ» است که این زمین‌ها به علت وجود سنگ‌ها و صخره‌های آتشفشانی بزرگ غیر قابل نفوذ بوده و همچون دژی طبیعی مدینه را در محاصره خود گرفته است. (ابن منظور، لسان العرب، ماده حرّه).

۲. سعید بن سلام، المدینة المنورة فی القرن الرابع عشر الهجرى، ص ۱۳.

۳. به بخش کوه‌های مدینه، در همین کتاب رجوع کنید.

۴. به بخش وادی‌های مدینه، در همین کتاب رجوع کنید.

اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن عمدتاً خرما و بعضی میوه‌هاست و در شمال آن نیز البته اندکی خرما، حبوبات، میوه و سایر نباتات به عمل می‌آید. زمین‌های زراعی در مدینه از آب چاه مشروب می‌شود.

### ۱. کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینه

#### ۱-۱. کوه‌ها

۱. اُحد: از کوه‌های مشهور و مهم مدینه است که در شمال شهر و چهار کیلومتری مسجدالنبی ﷺ قرار دارد. چون این کوه تنها کوه جدا و مستقل است، آن را «اُحد» نامیده‌اند.<sup>۱</sup> طول آن هفت کیلومتر (از شرق به غرب) و عرض آن بین یک تا سه کیلومتر است و ۱۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر و رنگ کوه متمایل به قرمز است.

احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ در مورد فضل و اهمیت این کوه نقل شده است. از جمله: «کوه اُحد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم»<sup>۲</sup> در روایتی دیگر، از پیامبر ﷺ نقل شده است: «کوه اُحد از کوه‌های بهشت است».

در برابر کوه غیر که پیامبر ﷺ آن را شوم می‌دانستند و می‌فرمودند: «کوه اُحد دری است از درهای بهشت و کوه غیر دری است از درهای جهنم؛ او ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم»<sup>۳</sup> گویند هارون، برادر موسی علیهما السلام، هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و قبرش آنجاست.<sup>۴</sup>

۱. فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۰.

۲. ابن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۰۲.

۳. سمهودی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ فیروز آبادی، همان.

۴. فیروز آبادی، همان، ص ۱۱؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۸۵ در یکی از کوه‌های شهر پترا در اردن نیز قبری از هارون وجود دارد که از سوی یهودیان اسرائیل زیارت می‌شود.

یکی از غزوات مهم پیامبر ﷺ به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احد پناهگاه مهمی برای لشکریان اسلام و به ویژه پیامبر خدا ﷺ گردید.

امروزه نزدیک‌ترین راه از حرم پیامبر ﷺ تا حرم حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام راهی است که به نام فهد بن عبدالعزیز نامگذاری شده است. می‌توان به کوه و مزار شهدای احد رفت، که البته از شارع سید الشهداء نیز می‌توان به آنجا راه یافت.

۲. جبل عینین = الرّماة: کوه کوچکی است در جنوب و شرق احد که در کنار وادی قنات، به صورت مستقل در نزدیکی کوه احد قرار دارد. طول آن ۱۷۵ و عرض آن ۵۵ متر است و ۲۰ متر ارتفاع و ۹۶۰۰ مترمربع مساحت دارد. در جنگ احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ پیامبر ﷺ برای اینکه نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه تیرانداز را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این کوه گمارد تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل الرّماة» معروف شد. نام قبلی آن «جبل عینین» بود که گویی چون دو چشم بر منطقه اشراف دارد.

در طول قرون متمادی، بر روی این تپه خانه‌هایی ساخته شده که به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگ‌تر و بیشتر بوده است. (تصویر شماره ۴۸)

۳. کوه سلع: این کوه نیز یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام، یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سلع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید. در دامنه آن، قبیله بنی حرام می‌زیستند. در صخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه که محل فرماندهی یا عبادت چند تن از صحابه سپاه اسلام در غزه خندق بوده بر دامنه این کوه ساخته شده است.

۴. سُلَیْع: کوه کوچکی در جنوب کوه سلع است که به آن «عُثْث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود.<sup>۱</sup> بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مدینه بوده که آثار این قلعه و برج هم‌چنان بر جای مانده است. موقعیت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز» (سمت باب السَّلام) است و به سبب احداث بناها و برج‌های بزرگ، تنها بخشی از آن دیده می‌شود.

۵. عَیْر: کوه بزرگی است در جنوب مدینه و شرق وادی عقیق، نزدیک مسجد شجره. از پیامبر ﷺ نقل شده که «کوه عیر» یکی از درهای جهنم است؛ این کوه بر ما خشمگین است و ما نیز بر آن.<sup>۲</sup> «عَیْر» در لغت به معنای خَر چموش و وحشی است.<sup>۳</sup> این خر از آن «مویلع» کافر بوده که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است.<sup>۴</sup> براین اساس رسول خدا ﷺ از این کوه تنفر داشته‌اند. ۶. ثَوْر: کوه کوچک و سرخی است در پشت کوه احد، در شمال مدینه. پیامبر اکرم ﷺ میان «عیر» تا «ثور» را حرم (مدینه) قرار داد.<sup>۵</sup>

۷. ذُبَاب: این کوه در مشرق کوه سلع (مساجد سبعة) و شمال غربی مسجد النبی ﷺ است. «ذباب» نام پرنده و یا سمت برنده شمشیر است و در بعضی موارد به معنای زنبور عسل نیز آمده است. برخی گویند نام کسی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده شد. پیامبر ﷺ هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی را بر آن استوار ساخت. در محل استقرار پرچم سپاه، مسجدی ساختند که «مسجد الرایه» نام گرفت، ولی بعدها آن را «ذباب» نامیدند. این کوه تا سلع ۱۵۰ متر و تا مسجد النبی ﷺ ۱/۵ کیلومتر فاصله دارد.

۱. فیروزآبادی، همان، ص ۱۸۵.

۲. ابن شیه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۸۳.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۳.

۴. فیروزآبادی، همان، ص ۲۸۸.

۵. همان، ص ۸۲، سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۹۲.

۶. این کوه را «ذباب» نیز خوانده‌اند.

۲-۱. وادی‌ها<sup>۱</sup>

۱. عقیق: این وادی به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است.<sup>۲</sup> قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی علیه السلام بوده که ۲۳ چاه در حاشیه آن کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ایبار» یا «آبار علی» معروف است. از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را «مبارک» خوانده‌اند.<sup>۳</sup> از ایشان نقل شده است که جبرئیل علیه السلام در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: «در این وادی مبارک نماز بگزار.»<sup>۴</sup>

گفتنی است وادی عقیق طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است.<sup>۵</sup> به سبب وجود آب، مناطق پیرامونی آن حاصلخیز و دارای آب و هوایی خوب هستند. قصر عروۃ بن زبیر، سعید بن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۲. بَطْحَانُ: این وادی به «ابی جیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک مساجد سبعة بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است.»<sup>۶</sup>

۳. رانونا: مسجد جمعه در نزدیکی قبا که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است.

وادی‌های دیگر مدینه عبارتند از:

۴. وادی مُذَنَّب: در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی‌نضیر.

۵. وادی مَهْزُور: در شرق مدینه و محل سکونت بنی‌قریظه.

۱. وادی به معنای «دره» و یا راهی است که در آن آب جاری می‌شود.

۲. یعقوبی، البلدان، ص ۷۶.

۳. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فیروزآبادی، همان، ص ۲۷۰.

۴. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶.

۵. الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینة المنورة، ص ۱۲۰.

۶. آن را «بَطْحَان» و بَطْحَان نیز ثبت کرده‌اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶)

به معنای انبساط و سرور.

۷. محمد بن سلیمان، همان.



۶. وادی قنّاء: در منطقه اُحد و کنار تپه جبل الرماة و قبور شهدای اُحد. برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

### ۱- ۳. ثنیه‌ها<sup>۱</sup>

۱. ثنّیة الوداع: این ثنیه در خارج باب شامی، میان «مسجد الرّایه»<sup>۲</sup> و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی است که از تونل زیرگذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی ﷺ تا آنجا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثنّیة الרכاب» شهرت داشت.<sup>۳</sup> پیامبر ﷺ هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آنجا اردو زدند و به سازماندهی سپاه پرداختند. ثنّیة الوداع مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیبر، زنان پیامبر ﷺ در این ثنیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز در این مکان به نام ثنّیة الوداع ساختند که در سال ۱۳۶۵ هـ ش در توسعه خیابان تخریب شد. اشعاری که گفته می‌شود دختران قبیله بنی‌نجار در ثنّیة الوداع در استقبال رسول خدا ﷺ به هنگام ورود به مدینه خوانده‌اند از آن رو قابل تردید است که ثنّیة الوداع در شمال مدینه قرار داشته و پیامبر ﷺ از جنوب یعنی از سمت قبا وارد مدینه شده‌اند.

۲. العُثْعَث: این ثنیه بر کوهی به نام عُثْعَث میان کوه سُلَیْع و کوه سَلْع در مدینه قرار داشته و به سُلَیْع نزدیک‌تر بوده است.<sup>۴</sup>

### ۲. حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی

۱. ثنیه به معنای گذرگاه یا راه، در اطراف مدینه، مکان‌هایی برای بدرقه سپاهیان وجود داشته که به «ثنّیة الوداع» معروف بوده است. پیامبر خدا ﷺ گاهی در این ثنیه‌ها حضور می‌یافتند. برخی نیز برای استقبال بوده که به «ثنّیة الרכاب» معروف شده‌اند.
۲. چنانچه پیش‌تر گفته شد «مسجدالرّایه» بر فراز کوه ذباب، در نزدیکی مساجد سبعة است.
۳. یاسین الخیاری، معالم المدینة المنورة، ص ۲۱۷.
۴. یاقوت حموی آن را همان سُلَیْع دانسته است. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۵).

پیرامون شهرها می‌ساختند و گاهی در پشت این دیوارها خندقی می‌کندند. پیرامون مدینه یا یثرب نیز دیواری مرتفع ساخته بودند که در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرای شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمود عثمانی، در سال ۱۱۶۲ق. این دیوار را تعمیر و ارتفاع آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۳۰۵ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از ناحیه باب العنبریه بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمیدی» نامید.

حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند؛ از جمله:

۱. باب الشامی (در شرق قلعه شامی)؛ ۲. باب المجیدی (کنار حرم مطهر)؛
۳. باب الجمعة یا باب البقیع (پشت بقیع)؛ ۴. باب المصری؛ ۵. باب الحمام؛
۶. باب صبری پاشا.

دروازه‌های حصار خارجی شهر نیز عبارت بود از: ۱. باب العوالی (متصل به دیوار جنوبی بقیع)؛ ۲. باب قبا (نزدیک مسجد عمر بن خطاب)؛ ۳. باب العنبریه (وردی غرب شهر)؛ ۴. باب الکومه یا باب الجبل (غرب قلعه شامی)؛ ۵. باب الصدقات (در شرق شهر).<sup>۱</sup>

پس از توسعه مدینه، این حصار و دروازه‌ها برداشته شده است. (تصویر شماره ۴۹)

### ۳. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از درختان غرقد بوده «بقیع الغرقد» نامیده‌اند. برخی نیز بقیع را از بقعه گرفته‌اند؛<sup>۲</sup> زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است. شمال غربی این قبرستان، که عمه‌های پیامبر ﷺ در آن مدفون هستند «بقیع العمات» نامیده می‌شود. جنوب شرقی بقیع، که محل دفن مردگان یهود و

۱. احمد سعید بن سلم، همان، ص ۱۷۱ - ۱۷۳.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۶۳؛ دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۲؛ فیروزآبادی، المعانم المطابه فی معالم طابه، ص ۶۱ و ۶۲.

غیر مسلمان بوده «حش کوب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند.

بقیع الغرقده تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبه جزیره دارد؛ زیرا تاریخ نگاران، پیشینه آن را دوران جاهلیت دانسته‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یشرب بوده که قبل از اسلام اموات خود را در آنجا دفن می‌کردند. پس از اسلام، تنها به دفن مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوب به خاک می‌سپردند. برخی نیز خانه‌هایی در آن ساخته بودند مثل عقیل که تعدادی از مردگان را در خانه او یا کنار آن دفن می‌کردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته<sup>۱</sup> و در گذشته مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است و اکنون ۱۷۵ هزار متر مربع مساحت دارد. (تصویر شماره ۵۰)

#### فضایل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه، فرزندان و همسران رسول خدا ﷺ و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار علیهم السلام و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از هزار و به روایتی ده هزار نفر از صحابه گرامی پیامبر ﷺ، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم و... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته است.

از ام قیس نقل شده که همراه پیامبر ﷺ به بقیع آمدم، فرمود: «ام قیس، از این قبرستان در روز قیامت ۷۰ هزار نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب بدر می‌درخشد»<sup>۲</sup> همچنین از رسول گرامی ﷺ اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. و نیز

۱. دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۳.

۲. مسلم، صحیح، ج ۴، ص ۴۰؛ نسائی، سنن، ج ۴، ص ۹۱؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۹۳ (با اندکی اختلاف در عبارت)؛ ابن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۸ و ۹۱۶.

فرمودند: «من دفناه فی مقبرتنا هذه شفعا له او شهدنا له»<sup>۱</sup> در روایتی دیگر آمده که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ»<sup>۲</sup>.

مُویهبه، غلام حضرت رسول ﷺ گوید: پیامبر خدا ﷺ مرا در شب از خواب بیدار کرد و فرمود: «مأمورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا.» همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، فرمود:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْمَقَابِرِ، لَيْهَنَ لَكُمْ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ مِمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ فِيهِ أَقْبَلَتِ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرُهَا أَوَّلَهَا الْآخِرَةُ شَرُّ مِنَ الْأُولَى.

سپس مدتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت.

از عایشه نیز نقل شده است که رسول خدا ﷺ شبانه به زیارت قبور بقیع می‌رفتند.<sup>۳</sup> ایشان به من فرمودند: «خداوند تو را فرمان می‌دهد که به نزد اهل بقیع بیایی و برایشان طلب آمرزش کنی»<sup>۴</sup>.

در کتب زیارات و ادعیه آمده است هنگام زیارت بقیع، به سبب قداست آن مکان، که روزی قدم‌های مبارک پیامبر ﷺ بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برهنه وارد شوید. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: کسی که در مقبره ما (بقیع) مدفون شود، از شفاعت من برخوردار گردد.<sup>۵</sup>

بنابراین شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر ﷺ قرار خواهند گرفت، کمال احترام و خضوع را رعایت کرد.

۱. ابن نجار، تاریخ المدینة المنورة، ص ۳۰۴.

۲. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶؛ متن کامل زیارت بقیع در فروع کافی آمده است. (ج ۴، ص ۵۵۹).

۳. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۳.

۴. ابن نجار، همان، ص ۳۰۶.

۵. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۸۹.

**گنبد و بارگاه‌های بقیع**

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنین، مسی یا نقره‌ای بوده و کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود. متأسفانه با تسلط تفکر وهابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات آنان جایگاهی نداشت. از جمله بقعه‌های بقیع، شهدای احد، محمد نفس زکیه، عبدالله، پدر گرامی پیامبر ﷺ و... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کردند. (تصویر شماره ۵۱)

پیش از آنکه بر فراز قبور امامان شیعه، یعنی امام حسن علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام گنبد و بارگاهی ساخته شود، سنگ‌نوشته‌ای بر آن قبور بوده که بعضی از جهانگردان و مورخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورخی که از این سنگ‌نوشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده، می‌نویسد:

بر قبور ایشان سنگ نبشته‌ای دیدم که بر آن نوشته بود:  
«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله مبيد الأمم و محيي الرّمم، هذا  
قبر فاطمة بنت رسول الله و قبر الحسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام و  
علي بن الحسين عليه السلام و محمد بن علي عليه السلام و جعفر بن محمد عليه السلام».<sup>۱</sup>

ابن نجّار (متوفای ۶۴۳ق.) از بنای گنبد و بقعه‌ای در ابتدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطری گوید: «گنبد آن را خلیفه الناصر عباسی ساخته است».<sup>۲</sup> ابن جبیر و ابن بطوطه، دو جهانگرد مسلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر عباس و امام حسن علیه السلام بوده، گزارش کرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. ابن نجّار، اخبار مدینه الرسول، ص ۴۵.

۳. الرحله، ص ۱۵۵؛ ابن بطوطه، سفرنامه، ص ۱۱۳.

میرزا حسین فراهانی، از سیاحان عصر قاجار نیز در سفرنامه خود می‌نویسد:

چهار ائمه اثنی عشر، در بقعه بزرگی که به طور هشت ضلعی ساخته شده واقع‌اند و گنبد اندرون آن سفیدکاری است. بنای این بقعه معلوم نیست که از چه وقت بوده است.<sup>۱</sup>

علی بن موسی، از دیگر سفرنامه نویسان عصر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) را بزرگ‌ترین قبه‌های بقیع ذکر کرده است که بعضی از سادات علوی و بزرگان و امرای مدینه کنار آن به خاک سپرده شده‌اند.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۵۲) قبور دیگری که منابع از گنبد و بارگاه آنها گزارش کرده‌اند، عبارتند از: ۱. دختران و همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ ۲. عقیل و مالک بن انس؛ ۳. جناب ابراهیم فرزند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ ۴. فاطمه بنت اسد؛ ۵. عثمان بن عفان؛ ۶. عثمان بن مظعون و...

### به خاک آرمیدگان بقیع الف) نخستین مدفون بقیع

#### ۱. عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به دستور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سنگی بالا و پایین قبر وی قرار داده، فرمودند: «اهل بیت مرا در اینجا دفن کنید».<sup>۳</sup> هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود.<sup>۴</sup>

۱. میرزا حسین فراهانی، سفرنامه، ص ۲۸۱.

۲. علی بن موسی، رسالة فی وصف المدینة المنورة، ص ۷.

۳. ابی محمد عبدالرحمان رازی، علل الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۴۱۲.

۴. ابن شهبه، همان، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱. سمهودی می‌نویسد: «مروان، خود بر قبر عثمان بن عفان سنگی گذاشت». (ج ۳، ص ۸۹۴)

برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده — و اهل سنت آن را از آن خلیفه سوم، عثمان بن عفان می‌دانند — به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان بن مظعون است، در حالی که وی در همان ابتدای بقیع کنونی دفن شده است.

### ب) ائمه اطهار ﷺ

#### ۱. امام حسن مجتبیٰ ﷺ

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر نوادهٔ رسول خدا ﷺ حسن بن علی بن ابی طالب ﷺ سید شباب اهل الجنة است. آن امام همام در سال سوم هجرت متولد و در سال ۵۰ هجرت مسموم شد. از نوفل بن فرات نقل شده که حسن بن علی ﷺ به برادر خود حسین ﷺ وصیت کرد که در کنار قبر جدش پیامبر ﷺ دفن شود؛ اگر بنی‌امیه مانع شدند، او را در بقیع به خاک بسپارد. هنگامی که امام حسن ﷺ وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنند که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین ﷺ نیز ایشان را در بقیع و در مقابر بنی‌هاشم دفن کردند.<sup>۱</sup> قبر شریف آن حضرت ﷺ در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطلب است.

#### ۲. امام زین العابدین ﷺ

علی بن الحسین ﷺ، چهارمین امام بزرگوار و ذریعه رسول خدا ﷺ در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد و در سال ۹۵ ق. مسموم و کنار عمویش حسن ﷺ به خاک سپرده شد.

#### ۳. امام باقر ﷺ

پیشوای پنجم شیعیان، در سال ۵۷ ق. به دنیا آمد و سال ۱۱۴ ق. از دنیا رفت. آن حضرت را کنار پدر گرامی‌اش به خاک سپردند.

۱. ابن‌شبه، همان، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۷۴؛ مسعودی گوید: «او را در بقیع، کنار قبر مادرش فاطمه ﷺ مدفون ساختند». (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰)

#### ۴. امام صادق علیه السلام

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، در سال ۸۳ ق. به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ق. از دنیا رفت. او را کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه علیهم السلام به این ترتیب است که وقتی روبروی مرقد آن بزرگواران می‌ایستی پشت سر قبر عباس بن عبدالمطلب اولین قبر در سمت راست از امام حسن علیه السلام، سپس امام سجاد علیه السلام، آنگاه امام باقر علیه السلام و آخرین آن از امام صادق علیه السلام است.

#### ج) عباس بن عبدالمطلب

عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله سه سال پیش از عام الفیل به دنیا آمد<sup>۱</sup> و در سال ۳۲ ق. درگذشت. قبرش کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه است.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۵۳)

#### د) فاطمه بنت اسد

مادر بزرگوار علی بن ابی طالب علیه السلام و همسر فداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. به روایت طبرانی در معجم و ابن حبان در الثقات، وقتی او وفات یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌اش حاضر شدند و داخل قبر او خوابیدند و قرآن خواندند؛ آن‌گاه پیراهن خود که از بُرد یمانی بافته شده بود را کف قبر پهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر آن خوابانیدند، سپس بر او نماز گزارده، فرمودند: هیچ کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی‌ماند. آن‌گاه دست به دعا برداشته و فرمودند:

رحمک الله یا امی بعد امی الله الذی یحیی و یمیت و هو حی لا یموت، اغفر لامی فاطمه بنت اسد ووسع علیها مدخلها بحق نبیک والانیباء من قبلی فإنک ارحم الراحمین.<sup>۳</sup>

۱. سن او سه سال از پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر بود.

۲. ابن شهبه، همان، ج ۱، ص ۱۲۷، بسیاری از سیاحان و مورخان، از بنای قبه بزرگ و باشکوهی بر قبر وی و چهار امام شیعه که هم‌اکنون آثار پایه‌های دیواره آن نیز دیده می‌شود، خبر داده‌اند.

۳. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۸ ابن عبد البر، همان، ج ۴، ص ۳۸۲.



رسول خدا ﷺ برای گشایش قبر فاطمه و آمرزش او، خود و پیامبران قبل از خود را وسیله و واسطه نزد خداوند قرار دادند. «بحق نیک و الانبیاء من قبلی» این روایت دلیل قاطعی برای رد ادعای وهابیت در خصوص جایز نبودن وسیله قرار دادن اشخاص برای آمرزش و مغفرت است.

پیامبر ﷺ در وفات مادر گرامی حضرت علی بن ابی طالب می کردند. وقتی دلیل آن را پرسیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکان خود را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد، آنان را خاک آلود می گذاشت و مرا شسته و آراسته می داشت، به راستی که او مادرم بود.»<sup>۱</sup>

گفتنی است که فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. قبر ایشان در کنار قبر عباس بن عبدالمطلب و ائمه بزرگوار اهل بیت است. تاریخ نگارانی که قبّه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی، آخرین حدّ کنونی بقیع و نزدیک قبر ابوسعید خدری و سعد بن معاذ دانسته اند<sup>۲</sup> بر این باورند که این قبر فاطمه علیها السلام دختر پیامبر ﷺ است؛<sup>۳</sup> زیرا با توجه به شدت علاقه رسول خدا ﷺ به فاطمه بنت اسد، بعید می نماید او را در آخرین نقطه بقیع به خاک سپرده باشند، ضمناً آنجا در آن عصر خارج از محدوده بقیع بوده است.

#### هـ) دختران رسول خدا ﷺ

##### ۱. رقیّه

رقیّه، دختر پیامبر ﷺ ابتدا همسر عتبه بن ابی لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفّان درآمد.<sup>۴</sup> روایت شده که فاطمه علیها السلام کنار قبر رقیّه می گریست و پیامبر ﷺ با جامه خود اشک چشمان او را پاک

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۵؛ ابن نجار، همان، ص ۳۱۰؛ ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. رک: بحث بیت و مرقد فاطمه علیها السلام در قسمت مسجد النبی ﷺ.

۴. مصعب زبیری، نسب قریش، ص ۲۲؛ ابن قتیبّه، المعارف، ص ۸۴.

می‌کردند.<sup>۱</sup> گفتنی است رقیه هنگام جنگ بدر از دنیا رفت و عثمان بن عفّان، همسر وی، که به سبب مریضی رقیه از جنگ بازمانده بود، او را به خاک سپرد.<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ فرمود: او را کنار عثمان بن مظعون به خاک بسپارید.

## ۲. زینب

زینب، بزرگ‌ترین فرزند رسول الله ﷺ بود که پیش از اسلام به ازدواج ابوالعاص بن ربیع درآمد. همسر وی که در مکه مانده بود در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از چندی مسلمان شد و به زینب پیوست. دختر گرامی پیامبر ﷺ در سال هفتم هجرت از دنیا رفت و پیامبر ﷺ نیز بر او نمازگزارد و کنار خواهرش رقیه؛ یعنی در جوار عثمان بن مظعون به خاکش سپرد.<sup>۳</sup>

## ۳. امّ کلثوم

هنگامی که امّ کلثوم دختر پیامبر ﷺ در سال هشتم هجرت وفات یافت، در کنار دو خواهرش رقیه و زینب مدفون شد. امّ کلثوم همسر عتیبه بن ابی لهب بود که بعد از اسلام از همسرش جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفّان درآمد.<sup>۴</sup>

## و) همسران رسول الله ﷺ

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و بعدها در این مکان سنگ قبرهای آن یافت شده است. غیر از میمونه و خدیجه رضی الله تعالی عنهما، دیگر همسران پیامبر ﷺ در این محل مدفون‌اند که عبارتند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جویریّه، حفصه، صفیه، زینب و ماریه قبطیه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر ﷺ قرار دارند.

۱. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۷.

۲. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۴.

۳. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، ص ۳۱۱.

۴. مصعب زبیری، همان، ص ۲۲.

### ز) ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیامبر ﷺ فرمود: «او را در بقیع، کنار عثمان بن مظعون دفن کنند». پیامبر ﷺ چهار تکبیر بر او گفت و بر روی قبر وی آب پاشید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند.<sup>۱</sup>

### ح) عمه‌های رسول خدا ﷺ

عمه‌های گرامی حضرت رسول ﷺ در کنار دیوار غربی بقیع دفن شدند.<sup>۲</sup> این قسمت که در گذشته از بقیع جدا بوده، به سبب وجود قبر صفیه و جمانه دختران عبدالمطلب، عمه‌های پیامبر ﷺ به «بقیع العمات» معروف است. برخی گویند در کنار قبور عمات الرسول، قبر ام‌البنین ع مادر گرامی ابوالفضل العباس ع است، اما هیچ‌یک از منابع تاریخی به این موضوع اشاره ندارند.<sup>۳</sup>

### ط) قبور صحابه و تابعین

خانه عقیل در وسط بقیع، علاوه بر آن که محل دفن او گردید، برخی از صحابه و تابعین نیز در داخل یا اطراف آن مدفون شدند که قبرشان کمی بالاتر از قبور همسران پیامبر ﷺ زیارت می‌شود و همگی دارای بقعه بوده‌اند که عبارتند از: عبدالله بن جعفر (همسر زینب ع ف ۸۰)، محمد بن زید (نواده امام سجاد ع)، سفیان بن حارث (ف ۲۰)، عبدالله بن مسعود (ف ۳۲)، عثمان بن عفان (ف ۳۵)، مالک بن انس (۱۷۴ ق)، ابوعبدالله نافع الفقیه (ف ۱۲۰ ق). همچنین در انتهای قبرستان بقیع در کنار دیوار شمالی، قبر ابوسعید خدری

۱. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۹۸، مرگ ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ بر آن حضرت بسیار سنگین و گران بود. در هنگام مرگ وی خسوفی رخ داد و باعث شد تا مردم تصور کنند خورشید در مرگ او گرفته شده است! لذا پیامبر ﷺ به شدت این اعتقادات را نکوهش کرد و فرمود: «خورشید و ماه در مرگ کسی کسوف یا خسوف نمی‌کنند».

۲. سمهودی، همان، ص ۲۹۴.

۳. ر. ک: محمدصادق نجمی، تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۲۸۳.

صحابی و نیز حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول خدا ﷺ قرار دارد که بقعه و بارگاهی بر فراز قبر آنان بوده است.<sup>۱</sup> و کمی پایین‌تر از آنها یعنی ۵۰۰ متری شمال قبر عثمان بن عفان قبر سعد بن معاذ است که برخی آن را از حلیمه سعدیه می‌دانستند.

### ی) برخی از شهیدان اُحد

پس از نبرد اُحد، برخی از مجروحان پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع دفن شدند. این شهدا، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست، در شمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ و سمت چپ آن، به خاک سپرده شده‌اند.

### شهدای واقعه حرّه

در سال ۶۳ هجری به دستور یزید، مسلم بن عقبه مَریّ برای سرکوبی مردم مدینه، که بر ضدّ حکومت یزید قیام کرده بودند، عازم این شهر شد و در «حرّه واقم»<sup>۲</sup> به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود هفت هزار نفر از ساکنان شهر مدینه، که بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، کشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت.<sup>۳</sup> قبور شهدای حرّه کمی بالاتر از قبور مجروحان اُحد است. در کنار قبور این شهدا، اسماعیل بن جعفر بن محمد صادق علیه السلام مدفون است.

### ک) سایر مدفون‌شدگان در بقیع

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و... در بقیع مدفون هستند<sup>۴</sup> که مکان دفن آنها

۱. بنگرید به نقشه بقیع.

۲. مدینه میان دو حرّه واقع شده که یکی از آنها حرّه واقم است و پیامبر ﷺ میان این دو حرّه را حرم قرار دادند. (ر.ک: الجندی المکی، فضائل المدینه، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه میقات حج، شماره ۵).

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۱۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۲۳.

۴. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۹۱۶.

روشن نیست؛ معروف‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ابی بن کعب: احتمالاً ایشان در منزل خود، که بعدها به مسجد تبدیل شد، دفن شده‌اند پیامبر ﷺ در مسجد ابی بن کعب بسیار نماز گزاره‌اند آن را مسجد بقیع و بن جدیله هم گفته‌اند.<sup>۱</sup> موقعیت مسجد ابی بن کعب رو به روی قبور ائمه علیهم‌السلام و سمت راست در ورودی بقیع بوده است. امروزه اثر قبری در آنجا وجود دارد که شاید به او متعلق باشد.
۲. مقداد بن اسود. ۳. خالد بن سعید؛ ۴. مالک بن حارث؛ ۵. ابوالهیثم التیهانی؛ ۶. جابر بن عبدالله انصاری؛ ۷. خزیمه ذوالشهادتین؛ ۸. ابودجانه انصاری؛ ۹. سعد بن عبادہ خزرجی؛ ۱۰. زید بن ارقم؛ ۱۱. حسان بن ثابت؛ ۱۲ و ۱۳. حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمان بن عقیل؛ ۱۴. حسن مثنی؛ ۱۵. جعفر بن حسن علیهم‌السلام؛ ۱۶. خنیس بن حذافه؛ ۱۷. صهیب بن سنان؛ ۱۸. ابوطلحه انصاری؛ ۱۹. اسید بن حضیر؛ ۲۰. معاذ بن جبل؛ ۲۱. قتاده بن نعمان؛ ۲۲. ارقم بن ابی ارقم؛ ۲۳. مسطح بن اثاثه؛ ۲۴. زید بن ثابت؛ ۲۵. محمد بن مسلمة؛ ۲۶. سالم، غلام ابوحنیفه؛ ۲۷. عبدالرحمن بن عوف؛ ۲۸. اسعد بن زرارہ. اینها پیرامون قبر عقیل و عبدالله به جعفر و حدوداً وسط محدوده اصلی قبرستان مدفون هستند.
- ضمناً تعدادی از نوادگان امام کاظم علیهم‌السلام، امام سجاد علیهم‌السلام، امام صادق علیهم‌السلام و عباس بن علی علیهم‌السلام نیز در بقیع مدفون هستند. «رَحِمَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ دُفِنَ فِي الْبَقِيعِ. اَللّٰهُمَّ اَخْشَرْنَا مَعَهُمْ».

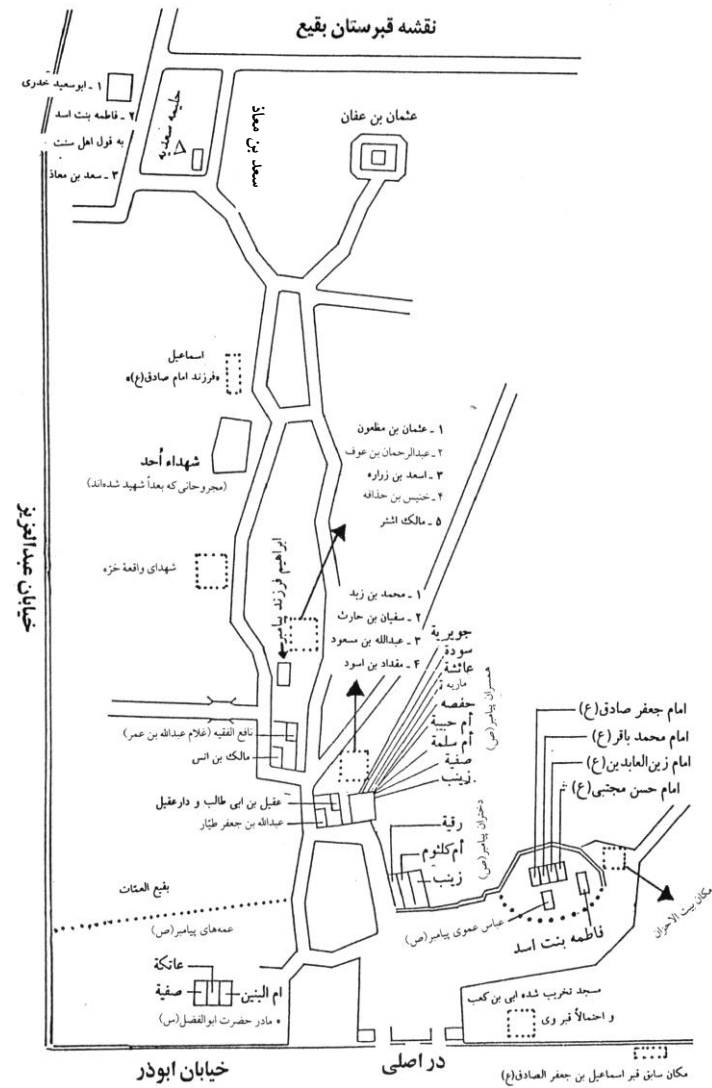
### بیت الاحزان

بر اساس برخی روایات، فاطمه زهرا علیها السلام، در فراق پدر بزرگوار خود و شکوه از اوضاع زمانه، در گوشه‌ای از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است.

آنجا که بعدها «بیت‌الاحزان» نامیده شد، در دوران عثمانی ضریحی

۱. همان، ص ۲۸۰.

کوچک از آهن داشت که زائران آن را زیارت می کردند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضریح را نیز برداشتند.



**(ب) زیارتگاه شهدای اُحد**

در سال سوم هجری، مشرکان برای انتقام از شکست بدر به بسیج نیرو پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگ‌جو، به فرماندهی ابوسفیان، به سوی مدینه روان گشتند و در شمال شهر، کنار کوه اُحد استقرار یافتند. نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتصد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه اُحد مستقر شدند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند.

در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یا کوه کوچکی است به نام «جبل العینین». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مَعْبَر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر ﷺ برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه بپردازند؛ لذا این تپه به «جبل الرماة» معروف شد.

تپه یاد شده، که هم‌چنان موجود است، رو به رو و سمت جنوب مقبره شهدای اُحد و کوه اُحد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند.

در این جنگ، به سبب رها کردن تنگه، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبر خدا ﷺ، یعنی حضرت حمزه سیدالشهدا به همراه پرچمدار اسلام، مُصْعَب بن عُمَیْر، عبدالله بن جحش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبدالله بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صحابه پیامبر خدا ﷺ.

پیامبر ﷺ میان انبوه دشمن تنها ماند و جز علی علیه السلام و معدود یاران پایدار و مقاوم وی، که همواره کنار آن حضرت حضور داشتند و شجاعانه از جان ایشان حفاظت می‌کردند، بقیه صحابه گریختند و به دامنه اُحد عقب‌نشینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی علیه السلام ناگزیر ایشان را به سمت اُحد برد و در شکافی جراحات ایشان را مداوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهدا و در دامنه اُحد است. از داخل این شکاف بوی

بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند بویی است که در مکه در غار حرا به مشام می‌رسد. در یک جای دیگر نیز یعنی مسجد فتح در منطقه خندق همین بو را می‌توان استشمام کرد که به نظر نگارنده جز رائحه رسول خدا ﷺ نیست. (تصویر شماره ۵۴)

به دستور پیامبر ﷺ حمزه رضی الله عنه و دیگر شهدا را، که همه مثله شده بودند، پس از اقامه نماز، در همان معرکه جنگ و با لباس‌های خود به خاک سپردند.<sup>۱</sup>

عموی گرانقدر رسول الله ﷺ ابتدا به وسیله زوین وحشی، غلام جیبر بن مطعم، کنار جبل الرماة مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر ﷺ بر جنازه او، که گوش و بینی‌اش بریده و سینه‌اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایستادند<sup>۲</sup> و فرمودند: هرگز چنین مصیبتی به من نرسیده است و تاکنون جایی نایستاده‌ام که از جایگاه کنونی خشمگین‌تر باشم.<sup>۳</sup> آن‌گاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آن‌گاه هفتاد تکبیر بر وی گفتند. سید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند عبدالله بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه رضی الله عنه بود، همراه آنان به خاک سپرده شد. کسانی نیز گفته‌اند: هیچ کس همراه ایشان در قبر دفن نشد.<sup>۴</sup>

قبور این سه بزرگوار رو به رو و شمال تپه جبل الرماة، کمی جلوتر (حدود

۱. برای آگاهی بیشتر از واقعه جنگ احد، ر.ک: ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۶۰ - ۱۲۰؛ و اقلدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۹۹ به بعد؛ زهری، المغازی، ص ۶۰ به بعد و همچنین مقاله نگارنده این سطور، با عنوان «احد در بستر تاریخ» (مجله میقات حج، شماره ۸).

۲. ابن ابی حاتم رازی، علل الحديث، ج ۱، ص ۳۵۲.  
۳. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ عساف احمد بن محمد، خلاصة الأثر فی سيرة سيد البشر، ص ۱۷۴.

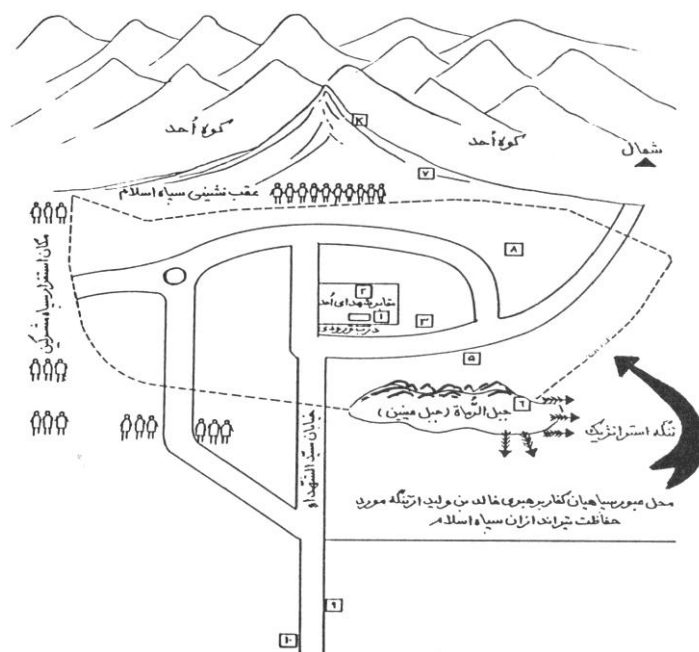
۴. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ به دستور پیامبر ﷺ بعضاً هر سه نفر را داخل یک قبر دفن کردند. (محمد بن جریر طبری، تهذیب الآثار، السفر الثاني، ص ۵۲۴ و ۵۲۵).



پنجاه متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر ﷺ، گنبد و بارگاه زیبایی وجود داشت.

در دوران سعودی، به اعتراف نویسنده‌ای سعودی، یعنی یاسین الخیاری، مردم، کنار این مقبره که به «مسجد حمزه رضی الله عنه» معروف بود، نذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال گنبد و بارگاه وی را تخریب کردند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ ق. برای عدم دسترسی زائران، در اطراف قبور شهدای احد دیواری کشیدند و آن را محصور کردند.<sup>۱</sup> اکنون این دیوار با دری آهنین مانع تماس و نزدیکی زائران با قبور محترم شهدای احد است. (تصویر شماره ۵۵)

نقشه تقریبی صحنه نبرد و آثار تاریخی منطقه احد



۱. یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه، ص ۱۳۷.

### شرح نقشه

۱. قبر حضرت حمزه علیه السلام؛ مصعب بن عمیر؛ عبد الله بن جحش.
۲. قبور سایر شهدا.
۳. مسجد جدید الاحداث احد که به نام‌های امام علی علیه السلام و حضرت حمزه علیه السلام نیز معروف است.
۴. پناهگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله هنگام جراحت و عقب‌نشینی (شکاف باریک در کوه).
۵. مکان مسجد المصرع: الوادی (مکان شهادت حضرت حمزه علیه السلام) که در دوران سعودی تخریب شده است.
۶. مکان مسجد الرماة: مکان استقرار تیراندازان سپاه اسلام، که امروزه اثری از آن نیست.
۷. مکان مسجد الفسح: مسجد جبل احد؛ این مسجد در قرون گذشته رو به ویرانی رفته است و اکنون چهار دیواری مخروبه آن دیده می‌شود.
۸. مکان قبة الثنايا: مکانی است که دندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکسته شد.
۹. مسجد المستراح: مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از نبرد احد در این مکان به استراحت پرداختند. این مسجد اکنون در کنار مدرسه عمرو بن جموح قرار دارد.
۱۰. مسجد الدرع (البدائع): شیخان؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت به سوی احد، در این مکان نماز عصر، عشا و صبح را اقامه کردند و زره و لباس جنگی خود را برای این امر در این مکان گذاردند.

### ج) آرامگاه‌های تخریب شده (دوران سعودی)

زیارتگاه‌های دیگری هم در مدینه وجود داشت که توسط سعودی‌ها تخریب شده‌اند، مانند قبر عبدالله پدر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله در ۵۰ متری غرب باب السلام مسجدالنبي صلی الله علیه و آله در شارع مناخه، قبر محمد نفس زکیه نواده امام حسن علیه السلام، که در سال ۱۴۵۵ ق شهید شد در پشت کوه سلع (پشت مساجد سبعة)، زیارتگاه علی علیه السلام برادر امام کاظم علیه السلام که در حاشیه کمربندی مدینه به سمت فرودگاه، در قریه غریض قرار داشته است.



## شرح نقشه

۱. مسجد شریف نبوی؛
۲. مسجد قبا در شارع قبا؛
۳. مسجد ذو قبلین در شارع سلطانیه؛
۴. مسجد فتح: احزاب؛
۵. مسجد سلمان فارسی؛
۶. مسجد ابی بکر؛
۷. مسجد عمر بن خطاب؛
۸. مسجد فاطمه علیها السلام؛
۹. مسجد علی بن ابی طالب علیه السلام؛
۱۰. مسجد جمعه: بنی سالم در شارع قبا؛
۱۱. مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده؛
۱۲. مسجد سقیا میدان عنبریه؛
۱۳. مسجد غمامه: مصلی اعیاد؛
۱۴. مسجد ابی بکر: مصلی اعیاد؛
۱۵. مسجد علی علیه السلام: مصلی اعیاد؛
۱۶. مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد؛
۱۷. مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی؛
۱۸. مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر؛
۱۹. مسجد بنی ساعده و سقیفه بنی ساعده؛
۲۰. بقیع الغرقد؛
۲۱. مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام؛
۲۲. قبر ابی سعید خدری در پایان بقیع؛
۲۳. مقبره محمد نفس زکیه نوه امام حسن؛
۲۴. مقبره حمزه و شهدای احد؛
۲۵. چاه قضاغه، تخریب شده است؛
۲۶. چاه حاء، تخریب شده است؛
۲۷. چاه بصبه، تخریب شده است؛
۲۸. چاه اریس، تخریب شده است؛
۲۹. چاه سقیا، تخریب شده است؛
۳۰. هیأت امر به معروف؛
۳۱. محکمه شرعی؛
۳۲. کتابخانه عمومی مدینه؛
۳۳. جبل الراه، مسجد ذباب؛
۳۴. میدان عنبریه.

## خلاصه درس

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده است. مدینه در احاطه چندین کوه قرار دارد؛ کوه احد در شمال، کوه غیر در جنوب و کوه جماوات در غرب.

در مدینه شش وادی وجود دارد: عقیق، بطحان، قنّاء، رانونا، مدینب و مهرور. مدینه برخلاف مکه به لحاظ بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی برد.

کوه های مدینه عبارتند از: اُحد؛ در روایتی، از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «کوه احد از کوه های بهشت است.»

کوه عَینین یا الرُّمّة که در نبرد مهم اُحد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک پایگاه استراتژیک ایفا کرده است.

کوه سلع در شمال غرب مدینه که شاهد یکی از جنگ های پیروزی آفرین

سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. از دیگر کوه‌های مدینه می‌توان به سُلَیْع، ثَوْر و ذِیاب اشاره کرد.

در مدینه برای استقبال یا بدرقه سپاهیان ثنیه‌هایی وجود داشته از جمله ثنیه الوداع، ثنیه الشرید، ثنیه الרכاب و ثنیه العثعث.

مدینه تا عصر سعودی دارای حصار و دروازه‌هایی بود. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند.

مقابر و زیارتگاه‌های مدینه عبارتند از: قبرستان بقیع که از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. هم‌چنین هفتاد هزار نفر از آن قبرستان بدون حساب و کتاب به بهشت می‌روند و مورد شفاعت پیامبر ﷺ قرار می‌گیرند. در این قبرستان علاوه بر چهار امام بزرگوار شیعه، همسران رسول خدا ﷺ، دختران آن حضرت و بسیاری از صحابه و تابعین و نوادگان ائمه نیز دفن هستند. تا دوران آل سعود بسیاری از این قبور دارای بقعه بوده که همه در این عصر توسط وهابی‌ها تخریب گردیده است. در کنار قبور امامان شیعه، محل بیت الاحزان فاطمه دختر رسول خدا ﷺ قرار داشته است.

از دیگر زیارتگاه‌های مدینه می‌توان به زیارتگاه شهدای اُحد اشاره کرد که در دامنه کوه احد و محل این نبرد قرار دارد.

### خودآزمایی

۱. کوه‌های مدینه را نام برده و اهمیت هر یک را بیان کنید.
۲. وادی‌های مدینه کدامند و چه روایاتی در مورد آنها نقل شده است؟
۳. ثنایای مدینه را نام ببرید.
۴. حصارها و دروازه‌های مدینه و علت شکل‌گیری آنها را بیان کنید.
۵. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه و فضائل آن را تشریح کنید.
۶. تاریخچه قبرستان بقیع و فضائل آن را شرح دهید.
۷. زیارتگاه احد در کدام نقطه مدینه قرار دارد و چه کسانی در آنجا مدفون هستند؟



## درس پنجم:

### موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با سیر شکل‌گیری شهر یثرب آشنا شویم.
- فضایل شهر مدینه را بدانیم.
- از نحوه هجرت پیامبر ﷺ به مدینه آگاه شویم.
- با مساجد منطقه قبا و نحوه شکل‌گیری هر یک آشنا شویم.
- مساجد اطراف مسجدالنبی ﷺ را بشناسیم.
- تاریخچه مساجد هفتگانه منطقه غزوه احزاب و سیر تاریخی هر یک را بدانیم.
- مساجد پیرامون منطقه احد و نحوه شکل‌گیری این مساجد را بدانیم.

#### مدخل

در این درس، تاریخچه پیدایش شهر یثرب و جایگاه آن در شبه جزیره و نخستین کسانی که در آنجا ساکن شدند و نیز علت انتخاب این شهر به عنوان پایتخت حکومت اسلامی در عصر پیامبر ﷺ، مورد بحث قرار می‌گیرد و همچنین از مساجدی که در مدینه در عصر رسول خدا ﷺ ساخته شده و نشان از حضور آن حضرت در جای جای مدینه است، سخن گفته و مناطق مختلف مدینه که هر یک یادآور یک واقعه تاریخی و سرنوشت‌ساز در عصر پیامبر ﷺ است، تشریح و آثار آن معرفی می‌گردد.

### تاریخچه یثرب (مدینه النبی ﷺ)

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح ﷺ، اختلاف نظر دارند که برخی از آن نظرات به شرح زیر می باشد:

۱. بعضی گفته اند: هنگامی که مردم، از کشتی نوح ﷺ که بر کوه جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی یثرب رهسپار شدند؛ محل فرود این عده بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگان پس از طوفان نوح ﷺ بودند.<sup>۱</sup> فرزندان «عیل» در یثرب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یثرب بن عییل بن عوص ابن ارم بن سام بن نوح ﷺ»،<sup>۲</sup> یثرب نامیده شد.

۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یثرب بن قانیة بن مهلبیل بن ارم بن عییل بن عوص بن ارم بن سام بن نوح ﷺ» دانسته اند.<sup>۳</sup>

۳. برخی نیز گویند: هنگامی که عمالقه در سرزمین ها پراکنده شدند، بعضی از آنان در یثرب فرود آمده و ساکن شدند. آنان از فرزندان عملیق بن لود بن سام بن نوح بودند.

### ورود یهود به یثرب

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده اند. مورخان، تاریخ مهاجرت های اولیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده اند. در زمان سلطنت داوود نبی ﷺ، درگیری ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمان، یکی از فرزندان او به نام «اشالوم» همراه گروهی از بنی اسرائیل به خیبر و دیگر سرزمین های شبه جزیره العرب از جمله شام رفتند.<sup>۴</sup>

۱. سمهودی، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. مسعودی، یثرب را فرزند «قانیة بن مهلبیل بن ارم بن عییل» ذکر کرده است که در مدینه فرود آمده و این شهر به نام وی مشهور شده است. (مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۵۵).

۳. پیشین.

۴. ابن خلدون، العبر، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۳.



نبونید، حاکم بابل، شماری از عراقی‌ها را همراه خود آورده و در این مناطق (حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسطین بودند. پیش از این نیز یهودیانی همزمان با مهاجرت به فلسطین به اینجا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسلام در آن ساکن بوده‌اند.<sup>۱</sup>

علمای یهود توصیف پیامبر خدا ﷺ در تورات را دیده بودند که در آن آمده بود: این پیامبر در مکه مکرمه ظهور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حرّه واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس آنان در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آنجا ساکن شدند.<sup>۲</sup>

کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیره العرب از دولت یهود نام برده‌اند.<sup>۳</sup>

در هر حال، قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی قریظه<sup>۴</sup> و بنی نضیر؛ که در «عالیه» فرود آمدند و امروزه آن را «العوالی»<sup>۵</sup> می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاه‌ها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فرود آمده و ساکن شدند.
۲. قبایل بنی قینقاع؛<sup>۶</sup> در منطقه «الصاغه» فرود آمدند که خیابان قربان

۱. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۴۵۲.

۲. ابن نجار، اخبار المدینه، ص ۱۳.

۳. جواد علی، همان.

۴. بنی قریظه یکی از قبایل ساکن مدینه است که با خزرج هم‌پیمان بودند و پیامبر ﷺ پس از عهدشکنی همه آنان را از بین برد.

۵. «عوالی» منطقه‌ای است در جنوب شرقی مسجدالنبی ﷺ و امروزه خیابان آن به نام شارع علی بن ابی طالب (ع) معروف است. بیشتر شیعیان مدینه در این منطقه ساکن هستند و بر مدارس آنان نام‌های ائمه دیده می‌شود.

۶. پیامبر ﷺ علیه پیمان شکنان یهود از بنی قینقاع وارد جنگ شد. غزوه بنی قینقاع در تاریخ مشهور است.

امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال غربی «مدشونیه»<sup>۱</sup> ساخته شد. این خانه‌ها بسیار مستحکم و مانند حصن یا قلعه بود که به آن «اطم» می‌گفتند.

### ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب

به جز قبایل یهود و اعرابی که در یثرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی، از جمله یثرب و غسان ساکن شدند.<sup>۲</sup> این مهاجران به علت انتساب به «عُرب ابن قحطان»، «اعراب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان، اعرابی که در حجاز و به ویژه مکه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل ع‌ا‌س‌ل‌ی‌ع بودند، «اعراب عدنانی» نامیده شدند.

اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، از تمدن و شهرنشینی برخوردار بودند و کار و پیشه اصلی آنان کشاورزی، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستی بود؛ چون یثرب در سراسر شبه جزیره امتیازات و ویژگی‌های مورد نظر آنان را داشت، آنجا را برای سکونت مناسب دیدند.

از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی‌قریظه و بنی‌نضیر پیمان‌هایی بستند.<sup>۳</sup> اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند. منابع تاریخی سرشار از شرح وقایع، جنگ‌ها و ستیزهای این دو طایفه با یکدیگر است که به آنها «ایام العرب» گفته می‌شد.

۱. «مدشونیه» تا امروز به همین نام معروف و نام باغ‌هایی در شارع قربان کنونی است. (ر.ک: یاسین الخیار، تاریخ المدینه المنوره قدیما و حدیثا)

۲. ابراهیم بیضون، سهیل زکار، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، ص ۲۸.

۳. همان؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۶۰۴؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷.

درگیری و کشتار میان اوس و خزرج، امری عادی و کاری روز مره بود، در حالی که هیچ کس در این منطقه نبود تا بتواند این دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته ولهاوزن:

نزاع و تخاصمی که وجود داشت زندگی را برای توده مردم سخت می نمود، تنها یک مرد می خواست که بتواند این جامعه متفرق را انتظام بخشد.<sup>۱</sup>

خداوند در این زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر ﷺ، آنان را به هدایت و صلح و دوستی رهنمون ساخت و رسول الله ﷺ به عنوان فرمانروای مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. از آن پس به سبب حضور رسول خدا ﷺ در یثرب آن را مدینه النبی ﷺ نامیدند.

### نام های مدینه منوره

مدینه در قبل و پس از اسلام، نام های فراوانی داشت. برخی از نام هایی که برای آن آورده اند، عبارتند از: اَرْضُ اللَّهِ، اَرْضُ الْهَجْرَةِ، الْاِيْمَانُ، الْبَارَةِ، الْبِرَّة، الْبَلَدُ، بَيْتُ الرَّسُولِ، الْحَرَمُ، الدَّارُ، دارالابرار، طَابَةُ، طَيِّبَةُ، يَثْرِبَ و...<sup>۲</sup> همچنین نام هایی چون المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله<sup>۳</sup> نیز در قرآن برای این شهر ذکر شده است.

### فضایل مدینه منوره

از پیامبر خدا ﷺ روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مگه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن

1. Wellhausen, julius, *the Arabkingdom and its fall*, p.6.

۲. ابن شبه، همان؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۸-۲۸.

۳. ابن شبه، همان؛ سمهودی، همان؛ پیامبر ﷺ خود نیز مدینه را «طابه» می نامیدند و می فرمودند: خداوند این شهر را طابه نامیده است و در جایی دیگر آن را قبه الاسلام، دارالایمان، ارض الهجره و مثنوی الحلال و الحرام نامیده اند. (محمد بن محمد بن سلیمان، جمع القوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۰ و ۵۶۱)

درختان، ریختن خون و... را در آن حرام کرد. پیامبر ﷺ به درگاه الهی تضرع کردند که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مگه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آن چه میان دو حرّه است، همان گونه که ابراهیم مگه را، حرم قرار داد».<sup>۱</sup> آن حضرت در فضیلت مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه انباشته و جمع شده است؛ همان گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود».<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ می‌فرمود: «الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنْ مَكَّةَ»<sup>۳</sup> مدینه از مکه برتر است. پیامبر ﷺ در حق مدینه بسیار دعا می‌کردند و می‌فرمودند: «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان گونه که مگه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدّ و صاع (اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد را از آن دور کن».<sup>۴</sup>

در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی وعده داده است؛ از جمله فرموده‌اند: «کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آنکه خداوند وی را در آتش جهنم، با سرب گداخته ذوب می‌کند، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود» و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود.<sup>۵</sup>

### مقدمات هجرت پیامبر ﷺ به مدینه

در ذی‌حجه سال یازدهم بعثت، پیامبر ﷺ با شش نفر از خزرجیان در منا گفتگو و اسلام را بر آنان عرضه کرد. این شش تن، پس از آنکه اسلام را پذیرفتند، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشتند.

۱. جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۴۳؛ ابن حجر هیثمی، تحفة الزوّار الی قبر النّبی المختار، ص ۱۴۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ملاحظاظر، فضائل المدینه المنوره، ج ۱، ص ۶۰ به بعد.
۲. جندی المکی، همان، ص ۲۵؛ المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۸۹.
۳. جندی المکی، همان ص ۲۲.
۴. همان ص ۲۰؛ بیهقی، سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۸۲؛ بخاری، صحیح، حدیث ۲۸۸۹.
۵. ابن حجر هیثمی، همان، ص ۳۰.

لذا در سال بعد، یازده نفر از انصار با رسول الله ﷺ در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمان را پیمان «عقبه اول» خواندند. پیامبر ﷺ مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن به یثرب فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یثرب مسلمان شدند.

در سال بعد، یعنی در ذی حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اوس و خزرج، که ۲ تن از آنها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر ﷺ رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و آنان را به راه هدایت و صلاح رهنمون سازد. این پیمان به «عقبه دوم» یا «بیعة النساء» شهرت یافت. پس از بازگشت این عده به یثرب، خانه‌ای در شهر نمازد که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ در نخستین شب از ماه ربیع الاول سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یثرب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبر خدا ﷺ در «دارالندوه» منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. آن شب، از شب‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر ﷺ و علی بن ابی طالب علیهما السلام بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزت، قدرت، ثبات، استواری و تأیید اسلام را رقم زد.

پیامبر ﷺ تنها علی علیهما السلام را لایق جانشینی خود در مکه و خوابیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص پیامبر ﷺ را بپوشد و به جای او در بستر بخوابد. هم‌چنین اماناتی که از پیامبر ﷺ در مکه مانده است را به صاحبان آنها بازگرداند و اهل بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد.<sup>۲</sup> به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی علیهما السلام در بستر پیامبر ﷺ، این شب به «لیلة المبيت» معروف شد.

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، همان، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۴۵؛ ابن نجار، تاریخ المدینة المنورة، ص ۲۰ و ۲۰۱.

۲. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۸۲.

مشرکان چون به خانه پیامبر ﷺ هجوم آوردند و علی را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجروح و ساعتی نیز حبس کردند.<sup>۱</sup> علی با شجاعت و ایثار تمام، نه تنها این مسؤولیت خطر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر ﷺ قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عالی اسلام و حفظ رهبری و تغییر و دگرگونی تاریخ اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ».<sup>۲</sup>

ایشان برای رد اماناتی که پیامبر ﷺ به او سپرده بود، سه روز در مکه ماند و پس از انجام کارها همراه مادرش فاطمه بنت اسد و نیز دختر رسول الله ﷺ، حضرت فاطمه زهرا به سوی مدینه حرکت کرد.<sup>۳</sup>

### مسیر هجرت پیامبر ﷺ به مدینه

حضرت رسول الله ﷺ ابتدا به خانه ابوبکر که حدود ۲۰۰ متری مسجدالحرام، در سمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شهر را ترک و به طرف جنوب مکه، یعنی مخالف مسیر مدینه (که در شمال است) به غار «ثور»<sup>۴</sup> رفتند تا دشمن را گمراه و منحرف کنند.

در حالی که دشمن کینه‌توز در تعقیب پیامبر ﷺ بود، ایشان ۴۰۰ کیلومتر راه را طی کردند و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الأول وارد قریه «قبا» شدند.

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. «و از مردم کسانی هستند که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند (از جان خود در راه رضای خدا درگذرند) و خدا دوستدار چنین بندگان است.» (بقره، ۲۰۷)؛ ابن جوزی، التذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، ص ۲۱؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۹-۶۴.

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن نجار، همان، ص ۲۷.

۴. به بحث «کوه‌های مکه» در همین کتاب رجوع کنید.

بریده بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به پیشواز میهمانان آمده بودند.<sup>۱</sup>

این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر ﷺ می‌ایستادند و سپس ناامید باز می‌گشتند.<sup>۲</sup> هنگامی که حضرت رسول ﷺ در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «هذا رسول الله، قد جاء، قد جاء، قد جاء!».

پیامبر ﷺ در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم یثرب وارد آبادی «قُبا» شدند. دختران بنی‌النَجَّار در این منطقه با دیدن پیامبر ﷺ، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا	مِنْ ثَنِيَّاتِ الْوَدَاعِ
وَجَبَّ الشُّكْرُ عَلَيْنَا	مَا دَعَى اللَّهُ دَاعِ
أَيْهَا الْمُبْعُوثُ فِينَا	جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمُطَاعِ
جِئْتَ شَرَّفْتَ الْمَدِينَةَ	مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعِ <sup>۳</sup>

بعدها در محل ایستادن آنان و به یاد استقبال از رسول خدا ﷺ مسجدی به نام «بنات‌النَجَّار» ساخته شد. این مسجد بسیار کوچک و بدون سقف در پشت مسجد جمعه کنونی بود که در سال ۱۳۷۳ ش. تخریب شد.

### مساجد تاریخی مدینه منوره

#### الف) منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتری جنوب مدینه: کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه می‌روند، که البته امروزه به

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. سمهودی، همان‌جا.

۳. ابن حبان، الثقات، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۳، ص ۵۵۱؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۶۲. شایان ذکر است در مورد این واقعه و اشعار تردیدهایی وجود دارد.

سبب بزرگراه مدینه - مکه، از کنار آن می‌گذرند. قبا، نام چاهی در آنجا بوده که بنی‌عمرو بن عوف از انصار در آنجا ساکن بوده‌اند.<sup>۱</sup> مزارع، نخلستان‌ها و چاه‌ها این منطقه را از دیرباز آباد ساخته است. یکی از این چاه‌ها که یادگاری از عصر رسول خدا ﷺ است و تا دهه‌های قبل نیز موجود بود «بئر خاتم» است. آب آن شور بود، ولی به برکت و عنایت پیامبر ﷺ شیرین شد. این چاه به سبب آنکه انگشتر پیامبر ﷺ از دست عثمان در آن افتاده بود به «بئر خاتم» معروف شد. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه بود که قدم پیامبر ﷺ را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبر خدا ﷺ رفتند.

نخستین کلامی که مردم آن از رسول خدا ﷺ شنیدند این بود:  
 آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صله رحم کنید و شب هنگام، وقتی مردم در خوابند نماز بگزارید. پس به سلامت وارد بهشت شوید.

پیامبر ﷺ بر «کلثوم بن هدم»<sup>۲</sup> وارد شدند<sup>۳</sup> و خانه «سعد بن خيثمه» را محل پذیرایی و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهتر منطقه یشرب و موقعیت یهود، و نیز پیوستن امام علی (ع) و فواطم به ایشان چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرین ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نپایید که علی (ع) نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته ابن اسحاق کنار پیامبر ﷺ در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید.<sup>۵</sup>

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۱؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۳۲۳.
۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ترمذی، صحیح، [کتاب الاطعمه باب فضل اطعام الطعام]، ص ۴۵.
۳. کلثوم بن هدم بن امریء القیس بن الحارث، یکی از شیوخ بزرگ قبیله اوس بود که در زمان کوتاهی پس از ورود پیامبر ﷺ به مدینه وفات یافت. او نخستین مرد از انصار بود که پس از اسلام از دنیا رفت. (ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۲۵۴).
۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴۰.
۵. سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن هشام، همان.



## ۱. مسجد قبا

پیامبر ﷺ در کنار خانه کلتوم بن هدم، زمینی را، که به وی متعلق بود، خرید و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش مشخص کردند.<sup>۱</sup> و خود خط قبله را تعیین کردند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند.

دیوارهای آن با سنگ و خشت بر افراشته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر ﷺ را نیز، قبل از تغییر قبله، در دیوار شمالی مسجد قرار دادند.<sup>۲</sup> به گفته ابن شبه، طول و عرض آن حدود ۳۴ متر بود.<sup>۳</sup>

پیامبر ﷺ در ساخت مسجد به حدی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان می‌خواستند تا کناری بنشینند و فقط ناظر امور باشند، اما آن حضرت نمی‌پذیرفتند.<sup>۴</sup> صحابه هنگام کار، این اشعار را با هم می‌خواندند و پیامبر ﷺ هم قوافی آن را تکرار می‌فرمود:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ يَعْمُرُ الْمَسَاجِدَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَقَاعِدًا...

«رستگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبدا خاک بر دامنش بنشیند مساوی نیستند.»  
به نقل از بعضی مورخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود:

۱. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد، ج ۱، ص ۵۶۵؛ دیار بکری، تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. تا دهه‌های گذشته مکان نماز پیامبر ﷺ در شمال مسجد قبا (به سوی بیت المقدس) به وسیله محرابی مشخص شده بود که اکنون برداشته شده است.

۳. ابن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۵۷.

۴. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

... لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.<sup>۱</sup>

آن مسجدی که در نخستین روز (هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده باشد... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.

به نقل از بسیاری مفسران، این آیه در سال نهم هجرت و در شأن این مسجد نازل شده است<sup>۲</sup> و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در هنگام عزیمت پیامبر ﷺ برای جنگ تبوک در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان پردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر ﷺ خواسته بودند تا در آن مسجد نماز بگذارد، اما پس از بازگشت رسول خدا ﷺ از تبوک، خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى...»<sup>۳</sup>؛ ای پیامبر، هرگز در آنجا نماز برپا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز بر پایه تقوی بنا شده...»

پیامبر ﷺ وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزاندند. این مسجد در چند قدمی مسجد قبا بوده است.<sup>۴</sup>

۱. توبه، ۱۰۸.

۲. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۲۴۵. گفتنی است، بعضی مفسران، شأن نزول این آیه را مسجد النبی و برخی، هم مسجد قبا و هم مسجد النبی، دانسته‌اند. در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده به دو نفر که در این مورد بحث داشتند، فرمودند: «هذا مسجدی» (ای بکر هیشمی، موارد الضمان فی زوائد ابن حبان، ص ۲۵۶).

۳. سیوطی، الباب النقول فی اسباب النزول، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۴. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۲۹.

گفتنی است، مشهور آن است که منظور از «أَوَّلَ يَوْمٍ»، در قرآن کریم اولین روزهای هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر ﷺ و مهاجران و انصار در اولین روزهای هجرت ساخته شد. و در این امر البته اختلاف است و برخی شأن نزول آن آیات را مسجد النبی ﷺ دانسته‌اند. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است.<sup>۱</sup> هم‌چنین روایت شده که پیامبر خدا هر شنبه یا دوشنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد.<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ می‌فرمود:

دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دوبار به بیت المقدس بروم. اگر می‌دانستند در قبا چیست جگرهای شتران را می‌زدند و به‌سوی آن می‌تاختند تا از فضیلتش بهره‌مند شوند.<sup>۳</sup>

مسجد قبا اکنون ۷۴۶۵ متر مربع مساحت دارد که البته در طول تاریخ با توسعه و بازسازی همراه بوده است. این مسجد که حدود ۳/۵ کیلومتر با مسجد النبی ﷺ فاصله دارد حدود هفت هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. (تصویر شماره ۵۶)

## ۲. مسجد جمعه = عاتکه

پیامبر ﷺ وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در

۱. ابی بکر الهیثمی، همان، ج، ص ۲۵۲؛ متقی الهندی، منتخب کنز العمال فی سنن الاقوال، ج ۵، ص ۳۵۹؛ سعدی المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۹۱؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۳.  
 ۲. نسائی، سنن، ج ۲، ص ۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۵۳؛ آلبانی، صحیح سنن نسائی، ج ۱، ص ۵۶۳؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۵.  
 ۳. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۴۲؛ متقی الهندی، همان، ج ۵، ص ۳۵۹.

مدینه اقامه کردند.<sup>۱</sup> از نام‌های دیگر آن مسجد بنی‌سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه بود. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۵۰۰ متری آن است. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است.<sup>۲</sup>

در سال ۱۳۶۸ هـ. ش. بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۶۳۰ متر مربع ساخته شد که ۶۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد. برای این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساختند. در سال ۱۳۸۳ هـ. ش نیز مجدداً به علت فرسودگی بنا، بازسازی و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شد. (تصویر شماره ۵۷)

### ب) مساجد پیرامونی مسجد النبی ﷺ (جنوب غربی مدینه)

#### ۱. مساجد و نمازگاه‌های پیامبر ﷺ در اعیاد اسلامی

آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجد النبی ﷺ، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر ﷺ، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آنها به ۸ رسید. امروز تنها ۳ مسجد از آنها باقی است.

۱-۱. قشله عسکریه: در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنونی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجد النبی، پیامبر ﷺ نخستین نماز عید را (در سال اول هجرت) اقامه کردند. بعدها در آنجا مسجدی ساخته شد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل پادگانی قرار گرفت. تا اینکه در دوران سعودی مسجد و پادگان تخریب شد.

۱-۲. غمامه: از انس بن مالک خادم پیامبر ﷺ روایت شده است که آن

۱. ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۲۵۶؛ ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴.

۲. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۲۱.

حضرت سالی به هنگام خشکسالی، برای استسقا و خواندن نماز باران، خارج شدند، هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشده بودند که ابرها سایه افکند و باران بارید. به همین سبب بعدها در آن مکان مسجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی «ابر بارانزا» نامیدند.<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ هم چنین در سال دوم هجرت، نماز عید را در این مکان اقامه کردند.

«عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّا و نمازگاهی که پیامبر خدا ﷺ در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. تاکنون این مسجد چندین مرتبه بازسازی شده است. مساحت مسجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شش گنبد کوچک و بزرگ است که آن را از سایر مساجد مصلّی ممتاز می‌سازد. مسجد علی عليه السلام و مسجد عمر بن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را با دیوارهایی از آجر و ستون‌هایی از نخل، در حفاظی قرار داده‌اند. مکان این مسجد در مقابل باب السلام در جنوب غربی مسجد النبی صلى الله عليه وآله (حدود ۳۰۰ متری) آن است که در سمت چپ کسی واقعی شده که از مسجد النبی صلى الله عليه وآله به سوی شارع السلام خارج می‌شود. (تصویر شماره ۵۸)

۳-۱. عمر بن خطاب: این مسجد در جنوب مسجد غمامه واقع شده است. پیامبر ﷺ در سال سوم هجرت نماز عید را در آنجا اقامه کردند. بعدها خلیفه دوم در آن مکان نماز عید را برپا کرد. مسجد یاد شده که نزدیک پل المدرّج در جنوب مسجد غمامه بوده در سال ۱۳۸۷ ش به سبب احداث پل و بزرگراه مجاور تخریب شد. بنای آن از دوران عثمانی بود و در عصر حاضر اندکی تعمیر شد. این بنا در آن دوران ۳۳۵ متر مربع مساحت داشت.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۵۹)

۴-۱. مالک بن سنان: رسول گرامی اسلام ﷺ در سال چهارم هجرت، در

۱. متقی الهندی، همان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۳۵.

۲. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

کنار خانه مالک بن سنان نماز عید خواندند، که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجد النبی ﷺ در سال ۱۳۶۵ ش. تخریب شد.

۱-۵. عثمان بن عفّان: پیامبر ﷺ در سال پنجم، در مکانی سمت باب الشامی مسجد النبی ﷺ، نماز عید خوانده‌اند. بعدها خلیفه سوم در آنجا به اقامه نماز عید پرداخت. مسجدی که بر آن ساختند، در تعریض خیابان مجاور آن، در سال‌های اخیر تخریب شد. نمازگاه رو به روی باب السلام و در شارع المناخه در ۳۰۰ متری جنوب شرقی مسجد غمامه بود.<sup>۱</sup>

۱-۶. علی بن ابی طالب (علیه السلام): پیامبر ﷺ ششمین نماز عید را در دارالشفاء (محل کنونی مسجد علی (علیه السلام)) اقامه کردند و بعدها امام علی (علیه السلام) در آنجا نماز عید خواندند. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمر بن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت. آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آنجا دفن می‌کردند. در دوران عثمانی آن را تعمیر کردند و در دوران سعودی (۱۴۱۱ ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی ۶۹۰ متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیدنا علی»، در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار شارع السلام، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجد النبی ﷺ خارج می‌شود. (تصویر شماره ۶۰)

۱-۷. بلال بن رباح: پیامبر ﷺ در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه‌ای در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند.<sup>۲</sup> مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل شد.

۱. امروزه مسجدی به نام «ذوالنورین» یا «عثمان بن عفّان» در شارع ستین و تقاطع شارع السلام، در نزدیکی مسجد بلال کنونی وجود دارد که مسجد مورد نظر نیست.

۲. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۲.

۱-۸. مسجد ابوبکر بن ابی قحافه: پیامبر ﷺ در سال هشتم هجرت، نماز عید را در مکان این مسجد اقامه کردند. از این عطا نقل شده است که پیامبر ﷺ بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزارده. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد. بنای نخستین آن را عمر بن عبدالعزیز ساخت و در عصر عثمانی بازسازی شد.<sup>۱</sup> این مسجد در ۴۰ متری مسجد غمامه و نزدیک‌ترین مسجد به آن است و ۳۰۰ مترمربع مساحت دارد امروزه در آن نماز اقامه می‌گردد. و البته بیم آن می‌رود که این مسجد تخریب و به جای آن هتلی سر به فلک کشیده ساخته شود. (نقشه و تصویر شماره ۶۱ و ۶۲)

## ۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی ﷺ

۲-۱. سقیا: سقیا نام مسجد، چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوره. ترمذی از امام علی ع نقل کرده که پیامبر خدا ﷺ در حرّه سقیا وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند:

خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهل مکه، برکت دهی. خدایا! در برابر یک برکت برای آنان دو برکت برای اهل مدینه قرار ده.<sup>۲</sup>

آن‌گاه پیامبر ﷺ در کنار آن چاه نماز گزارده. بعدها در مکان نماز آن حضرت مسجدی ساختند. ابن زباله نقل کرده است: پیامبر ﷺ قبل از حرکت برای نبرد بدر از سربازان خود در کنار چاه سقیا، سان دید و در این مکان نماز گزارده.

در سال‌های گذشته، این مسجد به زباله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۷۹۱ و ۷۹۲.

۲. جنبدی المکی، فضائل المدینه، ص ۱۴.

مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوطه راه آهن (سكة القديم) مسجد سقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد.

موقعیت کنونی آن، داخل محوطه راه آهن، یعنی مقابل میدان عنبریه، در جنوب غربی مدینه و کمی بالاتر از مسجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در کنار میدان دیده می شود. نمای مسجد سفید و دارای سه گنبد و دری بسیار کوچک و مساحتی حدود ۹ متر مربع دارد که می توان در آن نماز گزارد، این مسجد توجه کسی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیده نمی شود. (تصاویر شماره ۶۳ و ۶۴ و ۶۴/۱)

۲-۲. مَغْسَلَه = بنی دینار: این مسجد از آن طایفه بنی دینار بن نجار، از قبیله خزرج بود. روایت شده که پیامبر ﷺ در آن مسجد بسیار نماز گزارده اند.<sup>۱</sup> چون این مکان در باغی به نام «مغسله» بود؛ مسجد آن را به این نام خواندند. سمهودی کتیبه ای به خط کوفی در آنجا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم». مسجد، داخل باغ مذکور، پشت مقر دارالرعایه، کمی بالاتر از میدان عنبریه، در شارع عنبریه (عمر بن خطاب) قرار دارد. در سال های اخیر بازسازی شده و در آن نماز اقامه می گردد. (تصویر شماره ۶۵)

### ۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجد النبی ﷺ

۳-۱. الاجابة = مباحله: پیامبر ﷺ روزی در محله بنومعاویه پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعا کرده و فرمودند: از خداوند چیزهایی برای امتم خواستم که خواسته ام را اجابت کرد. بعدها در مکان دعای پیامبر ﷺ مسجدی ساختند که به سبب اجابت دعای ایشان ﷺ به «الاجابه» معروف شد.<sup>۲</sup> نام دیگرش مباحله است. پیامبر ﷺ در همین مکان برای مباحله با مسیحیان نجران و به منظور

۱. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۵.

۲. احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۴۳؛ رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۱۷.



آشکار ساختن حقانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسیحیان نجران با دیدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصمم و صادقانه اهل بیت پیامبر ﷺ حاضر به مباحله نشده و به پرداخت جزیه تن دادند. این مسجد به سبب سکونت بنو حارثه بن بنو معاویه به بنو حارثه نیز معروف بوده است.<sup>۱</sup>

موقعیت کنونی این مسجد در سمت راست شارع ستین (ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر (۵۰۰ متری) از ضلع شمال شرقی بقیع است. فندق الدخیل و مستشفی الولادة و الأطفال نیز در سمت چپ آن خیابان واقع هستند. در سال ۱۳۷۶ هـ. ش. مساحت آن به ۱۰۰۰ متر مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهد بن عبدالعزیز تغییر یافت که البته در سال ۱۳۸۲ ش. بار دیگر نام آن به الاجابه برگشت. (تصویر شماره ۶۶)

۳-۲. ابوذر غفاری = سجده: پیامبر ﷺ در مکانی به نام صدقه وضو ساخت و پس از نماز، به سجده‌ای طولانی پرداخت. آن گاه فرمود:

جبرئیل به من بشارت داد که هرکس بر من درود و صلوات فرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسأله سجده شکر کردم.

مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به «سجده» معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آنجا، به مسجد «ابوذر» و نیز مسجد «بحیره» شهرت یافت. این مسجد داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمربندی ملک فیصل (سمت شمال شرقی مسجد النبی ﷺ) و حدود ۸۰۰ متری آن است. مسجد ابوذر با ۳۵۰ متر مربع مساحت و با یک مناره و بنای جدید در کنار خیابان دیده می‌شود. (تصویر شماره ۶۷)

۱. آیات مباحله در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ...» (آل عمران، ۶۱)

**(ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)**

در شوال سال پنجم هجری، مشرکان با همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوایف و قبایل موجود در شبه جزیره را بر ضد اسلام و مسلمانان بسیج کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در شمال مدینه، سپاه شرک را زمین گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مکه بازگشتند.<sup>۱</sup>

منطقه این نبرد، مقابل کوه «سلع» در شمال غرب مدینه بود. مسیر خندق نیز از نزدیکی شمال شرق خانه‌های بنی حارثه و بنو معاویه، نزدیک مسجد الاجابه کنونی آغاز و به صورت نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشی از کوه سلع، در برابر مساجد سبعة (شارع السیخ) پایان می‌یافت. در این مسیر اکنون حی الخندق (محلّه خندق) واقع و دارای خانه‌هایی بسیار قدیمی است و تابلوی حی الخندق نیز بر آن دیده می‌شود. این محلّه در کنار کوه سلع، پشت مساجد سبعة (شرق کوه سلع) است. (تصویر شماره ۶۸)

طول خندق ۲/۵ کیلومتر و عمق آن ۳ متر و عرض آن ۴ متر بوده است. به این صورت نیمی از شمال مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان‌پناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید.<sup>۲</sup> در چند نقطه و دامنه این کوه بعدها به یادبود حضور چند تن از صحابه و نیز دختر رسول الله ﷺ مساجدی ساختند که به نام هریک از آن صحابه معروف شد. امروزه تغییرات مختصری در فضاهای مجاور مسجد داده شده است. از این

۱. ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۱۴-۳۲۰.

۲. بنگرید ضاهر وتر، مدیریت نظامی در نبردهای عصر پیامبر ﷺ، ترجمه نگارنده این سطور.

۳. ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ در حفر خندق سه هزار مرد شرکت داشتند. هر ده نفر نقطه‌ای را می‌کنند و در نقاط مختلف به طور هم‌زمان، کار خود را آغاز کردند؛ این خندق که در ظرف بیست روز آماده شد، پیامبر ﷺ خود بر آن اشراف کامل و همکاری داشته‌اند.

مساجد، مسجد ابوبکر یا به روایتی مسجد علی علیه السلام که برخی آن را ابوبکر خوانده‌اند تخریب شده و جز مسجد فتح بقیه آنها را مسدود کرده‌اند. گفتنی است، در سال‌های اخیر در کنار این شش مسجد، مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته‌اند که محتمل است پنج مسجد باقی‌مانده نیز تخریب شوند. (تصاویر شماره ۶۹ - ۷۱)

#### ۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه)

۱-۱. فتح: این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و بر وادی بطحان مشرف است. خداوند - تبارک و تعالی - دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای پیروزی در جنگ بر فراز این تپه مستجاب فرمود و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این محل به آن حضرت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد.<sup>۱</sup> دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود:

خدایا! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردی. کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و کسی که گرامی‌ات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار نمی‌گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شود و...

از دعاهای دیگر آن حضرت است: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَ مُنْشِئَ السَّحَابِ...»<sup>۲</sup>

این دعاها هنگامی زمزمه شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت در خندق طولانی گردید. سرانجام، مشرکان ناامید بازگشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جایی که اکنون صحن است، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می‌فرمودند.<sup>۳</sup> بعضی نیز گفته‌اند: سوره فتح در این

۱. رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۵۸.

۲. ای خداوند فرستنده کتاب و پدید آورنده ابرها، آنان را هزیمت ده و ما را بر ایشان پیروز کن!

۳. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۲.

مکان بر پیامبر ﷺ نازل شد و در روایت دیگری است که آیه ﴿إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ...﴾ در اینجا نازل شده و آن را به این سبب «مسجدالفتح» نامیده‌اند. این مسجد را عمر بن عبدالعزیز (۸۸ ق.) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همت گمارد.<sup>۱</sup> در میان صحن کوچک مسجد فتح، که جای عبادت رسول خدا ﷺ بوده، بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احد که پیامبر ﷺ را برای مداوا در آنجا پنهان ساختند و دیگری در غار حرا استشمام می‌شود.

۱-۲. سلمان فارسی: مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است.<sup>۲</sup> این مسجد که حدود ۴۰ متر مربع مساحت دارد محل عبادت این صحابه پارسای اسلام بوده است. مسجد سلمان دومین مسجد پس از مسجد فتح است. امروزه درب این مسجد را مسدود کرده‌اند که کسی داخل آن نماز نگذارد.

۱-۳. علی بن ابی طالب علیه السلام: به روایت سمهودی این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به تخریب رفت تا اینکه در قرن دهم تجدید بنا شد. مساحت این مسجد ۳۵ متر بوده است.<sup>۳</sup> موقعیت مشهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسجد علی علیه السلام که امروزه اشتها دارد آن مسجدی است که کمی بالاتر از مسجد فاطمه علیه السلام بر روی بلندی است با پله‌هایی طولانی که البته سال‌هاست با نرده‌هایی آن را بسته‌اند. سمهودی این مسجد را مسجد ابوبکر و مسجد معروف ابوبکر را مسجد علی علیه السلام می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی علیه السلام در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشتها امروزین صحیح باشد، مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند.<sup>۴</sup>

۱-۴. ابوبکر بن ابی قحافه: این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن

۱. احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینة المنورة قديماً و حديثاً، ص ۱۴۵.

۲. همان.

۳. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۶ و ۸۳۷.

۴. همان.

قرار داشته که سومین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی علیه السلام دانسته است، ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۳۸۰ ش این مسجد تخریب و مکان پارک اتوبوس‌های زائران شده است. اگر گفته سمهودی صحیح باشد و مسجد ابوبکر همان مسجدی باشد که در انتهای مساجد سبعة بر روی بلندی قرار گرفته، پس این مسجد یعنی مسجد علی علیه السلام تخریب شده است.

۱-۵. عمر بن خطاب: مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است. اما امروزه درب آن را بسته‌اند و با زدن یک شیروانی بر روی سقف حیاط، ظاهر آن را از حالت مسجد درآورده‌اند که توجه کسی بدان جلب نمی‌شود.

۱-۶. فاطمه علیها السلام: در مغرب مسجد علی علیه السلام، به یاد دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه علیها السلام هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی علیه السلام غذا و نان تهیه می‌کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبل مؤمنان به اهل بیت و دوستان فاطمه علیها السلام در آن نماز می‌گزاردند. اما چند سالی است که در آن را با بتون و آجر بسته‌اند. و برای ممانعت زائران از خواندن نماز کنار دیوار آن، کانکسی با تابلوی «هیئه الامر بالمعروف و النہی عن المنکر» قرار داده‌اند.

۱-۷. ذو قبلتین: پیامبر صلی الله علیه و آله در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی‌سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهانند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رجب، میان نماز ظهر، آیات تغییر قبله بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»<sup>۱</sup>

۱. بقره، ۱۴۴. «ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که به آن خشنود شوی بگردانیم. پس شما مسلمانان هر جا که باشید، در نماز رو به طرف مسجد الحرام کنید. گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست، نه به دلخواه کسی و خدا غافل از کردار آنان نیست.»

پیامبر خدا ﷺ هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بودند، به صورت نیم‌دایره برگشتند و رو به سمت جنوب، دو رکعت دیگر را به سوی مسجدالحرام اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذو قبلتین مشهور شد؛<sup>۱</sup> زیرا یک نماز را به دو قبله خواندند.

خبر نزول آیات تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، به مسجد قبا و مسجد النبی ﷺ و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند.

مسجد ذوقبلتین در شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعة (کوه سلع) قرار دارد. این مسجد در چندین نوبت بازسازی شده است. محراب سمت بیت المقدس مقابل قبله مسجد یعنی مقابل قبله بوده که قبلاً سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجا که زائران آن را مسح و لمس می‌کردند، در سال ۱۳۹۸ ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زرین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سال‌های اخیر آن را نیز محو کرده‌اند. این مکان در سمت راست کسی است که اکنون از درب شبستان وارد می‌شود. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ نیز بر آن استوار گشته است. (تصویر شماره ۷۲)

## ۲. مساجد دیگر منطقه احزاب

دو مسجد دیگر به نام‌های (الرایه) و بنی حرام کبیر در شارع سلطانه (ابوبکر) و شارع السیخ در منطقه خندق وجود دارد که نمازگاه رسول خدا ﷺ بوده است.

## (د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن

### ۱. المستراح (محل استراحت)

پیامبر ﷺ هنگام بازگشت از نبرد احد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت نشستند.<sup>۲</sup> در آن مکان مسجدی ساختند<sup>۱</sup> که می‌توان از شارع سیدالشهدا (راه

۱. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۶۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۶۰.

۲. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۳۲.

قدیمی اُحد)، که اکنون از زیرگذر تقاطع شارع فیصل می‌گذرد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع یاد شده این مسجد در سمت چپ خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر (۱۴۱۱ق.) بازسازی و توسعه یافته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا می‌شود و رونق دارد. گفتنی است اینجا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از اینجا می‌گذشت که منازل بنوحارثه بوده است. و در نبرد موسوم به حرّه در سال ۶۲ق. نیروهای مسلم بن عقبه از همین ناحیه وارد مدینه شدند. آنان که از طرف یزید مأمور سرکوب مردم مدینه شده بودند، شهر را مباح اعلام کردند و خون هزاران نفر از مردم ساکن در حرم نبوی را بر زمین ریختند و نوامیس مردم را هتک حرمت کردند. (تصویر شماره ۷۳)

## ۲. الدَّرْع = الشَّيْخَان

ابن شَبّه روایت کرده است که پیامبر ﷺ هنگام عزیمت به سوی اُحد در شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبح قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب «شیخان» نامیده‌اند که در کنار منزل یک پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدَّرْع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود را از تن درآورده و در آنجا نهاده بودند.<sup>۲</sup> مسجدی که در مکان آن ساخته‌اند حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح، یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای اُحد، در شارع الشهداء می‌رود. اطراف آن نیز مطابخ یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. امروزه در این مسجد، نماز اقامه می‌شود. (تصویر شماره ۷۴)

## ۳. عَيْنَيْن

بر سمت شرقی «جبل الرُّمّة» یا «جبل عَيْنَيْن» در محل و سنگر تیراندازان سپاه اسلام، در جنگ اُحد یعنی انتهای تپه مسجدی ساخته شد که از آن، چیزی

۱. به نقشه غزوه اُحد در صفحه ۱۲۳ همین کتاب رجوع کنید.

۲. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۶۶.

جز پایه‌های چند سانتی‌متری، باقی نمانده است.<sup>۱</sup>

### جبل أحد = الفسح

پیامبر ﷺ نماز ظهر و عصر روز نبرد أحد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند.<sup>۲</sup> چون صحابه از فرط خستگی به صورت راحت بر روی جایی نشستند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی‌کردند، آیه فسح، در سوره مجادله<sup>۳</sup> نازل گردید.

بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجد «الفسح» یا مسجد «جبل أحد» معروف شد. مکان آن، که اکنون از آن جز چند سانتی‌متر از دیوارهای مخروبه چیزی باقی نمانده، در دامنه کوه أحد، کنار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر ﷺ را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند.<sup>۴</sup> (تصویر شماره ۷۵)

کمی پایین‌تر از مسجد فسح، یعنی به سمت قبور شهدای أحد، مسجدی به نام قبة الثنایا در محل شکسته شدن دندان مبارک رسول خدا ﷺ وجود داشت که آن را در دهه‌های پیش تخریب کرده‌اند. شاهدان عینی گویند پس از تخریب، زمین آن فرو می‌رفت و هر چند آن را می‌پوشانیدند گودالی ایجاد می‌شد تا اینکه جای آن را بتون ریخته و آسفالت کردند. در منطقه أحد، کمی بالاتر از مسجد شیخان و المستراح، مسجد بنوحارثه قرار داشته که اکنون در داخل پادگان نظامی است.

### هـ) منطقه غزوه بنی‌قریظه، بنی‌نضیر و مساجد آن

یهودیان بنی‌قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی‌نضیر در نزدیکی آنها جایی که امروزه شارع قربان یا امیر محسن است ساکن بودند.

۱. به «مقبره شهدای أحد» و همچنین مبحث «کوه‌های مدینه» از همین کتاب رجوع کنید.  
 ۲. سمهودی، همان ج ۳، ص ۸۴۸؛ الصاعدی و مطر المحمدی، أحد، الآثار، المعرکه، ص ۲۹.  
 ۳. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَکُمْ تَفَسَّحُوا فِی الْمَجَالِسِ...».  
 ۴. رک: نقشه غزوه أحد در کتاب حاضر.



معیشت اصلی بنی‌نضیر کشاورزی و نخل کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی‌قریظه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه بود. از قلعه‌های بنی‌نضیر امروزه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان بر جای مانده و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون قلعه‌های مستحکم بنی‌نضیر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی‌نضیر هستند. پیامبر ﷺ پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی‌قریظه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که نباید بنی‌قریظه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر ﷺ در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند. (تصاویر شماره ۷۶ و ۷۷)

#### ۱. مسجد بنی‌قریظه

پیامبر ﷺ هنگام محاصره بنی‌قریظه در خانه زنی نماز خواندند. بعدها به جای مکان نماز ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به «بنوقریظه» معروف شد.<sup>۱</sup> مکان آن بالاتر از مشربه ام ابراهیم در عوالی است. به اشتباه به ردالشمس یا فضیح مشهور شده است.

این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. اما در سال ۱۳۸۰ ش. آن را به سبب توجه و نماز خواندن زائران در آن، به طور کامل تخریب کردند. (تصویر شماره ۷۸)

#### ۲. مشربه ام ابراهیم

روایت کرده‌اند که پیامبر خدا ﷺ در مشربه یا باغ ام ابراهیم نماز گزاردند. در

۱. ابن نجار، همان، ص ۲۴۲؛ الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینة المنورة، ص ۱۰۴.

این مکان، ماریه قبلیه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخیلات بنی قاسم» (برادران امام حسن عسکری علیه السلام) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است.<sup>۱</sup> معروف است که نجمه خاتون مادر امام رضا علیه السلام نیز در این مکان دفن شده است، اما سندی مؤید آن یافت نشده است.

مخروبه این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک در قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. (تصویر شماره ۷۹)

### ۳. فضیخ = رد الشمس = بنی نضیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب»؛ (شراب انگور) است و بعضی نیز به شیر خرم گفته‌اند. آیات تحریم قطعی شراب در همین مکان نازل شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت شش شبانه‌روزی که بنی نضیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند.<sup>۲</sup> به سبب همین غزوه، این مسجد به بنی نضیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن رد الشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورخان شیعه و سنی در برگشت خورشید به دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امام علی علیه السلام نقل کرده‌اند.<sup>۳</sup>

اما برخی از پژوهشگران آثار مدینه،<sup>۴</sup> این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «رد الشمس» و گفته‌اند، چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد

۱. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۲۵ و ۸۲۶.

۲. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۸۷؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۱۸.

۳. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۲۲ این حدیث را بسیاری از منابع اهل سنت نیز نقل کرده‌اند؛ از جمله ماوردی در اعلام النبوه، ص ۷۹؛ بیهقی در دلائل النبوه و نیز خصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن سبیر در شفاء الصدور؛ سیوطی در جمع الجوامع، ج ۵، ص ۲۷۷؛ ابن حجر عسقلانی در فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۶۸؛ گنجی شافعی در کفایة الطالب فی مناقب آل ابی طالب، ص ۲۳۷؛ ابن حجر در الصواعق المحرقة، ص ۷۶.

۴. احمد یاسین الخیاری، همان، ج ۱۲۵.

می‌تابیده، آن را «شمس» نامیده‌اند و این گفته جز برای محو کردن یاد واقعه ردالشمس نیست.

این مسجد در نزدیکی مسجد قبا در شمال آن و در محله معروف قربان، که خیابانی هم به این نام در آنجا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهار دیواری مخروبه از آن نمانده است.<sup>۱</sup> گفتنی است، نزد زائران ایرانی، مسجدی که بالاتر از مشربه ام ابراهیم، در شارع عوالی است، به مسجد فضیخ یا ردّ الشمس مشهور است، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی قریظه نیست و البته در سال ۱۳۸۲ نیز آن را تخریب کرده‌اند.

#### نقشه جدید خیابان‌ها و شاهراه‌های مدینه



۱. ابن نجار، همان، ص ۲۴۲؛ الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینة المنورة، ص ۷۲.

**(و) مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه****۱. مسجد شجره = ذوالحلیفه (آبار علی علیه السلام)**

این مسجد، که امروزه به نام‌های «شجره»، «ذوالحلیفه» و «آبار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

(الف) شجره: از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست.<sup>۱</sup>

(ب) احرام: به سبب آنکه حاجیان برای تشریف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

(ج) ذوالحلیفه: «حلیفه» نام آبی است در این منطقه، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند.<sup>۲</sup>

(د) ابیار علی علیه السلام: از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی علیه السلام برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کردند و ابیار نیز جمع «بئر» یعنی چاه است. فیروزآبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده، گوید: این مسجد جز به نام «ابیار علی علیه السلام» شناخته نیست.<sup>۳</sup> در نزدیکی مسجد شجره آثار یکی از این چاه‌ها هنوز در داخل ساختمانی موجود است و البته برای توجه نکردن کسی به آن، تابلوی مسجدی را نصب کرده و مانع بازدید از آن می‌شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار در این مکان مُحرم شده‌اند: ۱. عمره سال ششم که به صلح حدیبیه انجامید؛ ۲. عمره القضاء (سال هفتم هجری)؛ ۳. حَجَّة الوداع (سال دهم هجری).<sup>۴</sup>

۱. فیروز آبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۹۹؛ بخاری، صحیح، [کتاب الصلاة]، ص ۳۲۲، حدیث ۴۴۱.

۲. فیروزآبادی، همان، ص ۱۱۹.

۳. پیشین، همان، ج ۸۲؛ علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه، ص ۱۶ - ۱۸.

۴. ابن هشام، سیره النبویه صلی الله علیه و آله، ج ۳، ص ۳۵۵ و ۴۲۴؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۷۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۷ و ۱۲۴؛ ج ۲، ص ۱۷۲.

زین‌الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی هم‌چنان پا بر جا بود. طول این مسجد، از جنوب تا شمال، (۲۵/۶۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است.<sup>۱</sup> در دوران فهد بن عبدالعزیز به گونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۲۶ هزار مترمربع رسیده که ۱۰ هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. (تصاویر شماره ۸۰ و ۸۱)

## ۲. منطقه خیبر

خیبر نام یکی از هفت قلعه‌ای است که به یهودیان تعلق داشته و در غزوه‌ای به همین نام فتح شده است. منطقه خیبر در ۱۶۰ کیلومتری شمال غربی مدینه واقع است. فدک در شرق آن امروزه به حائط معروف و با خیبر پنجاه کیلومتر فاصله دارد. (تصویر شماره ۸۲)

## ۳. منطقه فدک

فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیبر حدود ۵۰ کیلومتر فاصله دارد. امروزه در این سرزمین، چیزی جز نخل‌های خشکیده نیست. (تصویر شماره ۸۳)

## ۴. زیارتگاه ینبوع

یَنْبُوع یا یَنْبُع در غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۳ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آنجا که این قریه چشمه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است.<sup>۲</sup> امام علی (علیه السلام) پس از خریدن زمین‌هایی در آن و کندن چاه‌هایی به ایجاد نخلستان پرداختند و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر ﷺ در مکان آن

۱. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۰۲.

۲. «ینبوع» یا «ینبع» از فعل مضارع گرفته شده تا کثرت چاه‌های آب آن را بیان کند.

نماز گزارده بودند.<sup>۱</sup> در ینبوع، که یکی از زیارتگاه‌های فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل القدر به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارتند از:

۱. عمر الاطرف، آخرین فرزند امام علی علیه السلام که فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است.

۲. علی اصغر، کوچک‌ترین فرزند امام سجاد علیه السلام.

۳. احمد بن علی بن علی بن محمد بن عون بن محمد حنفیه.

### خلاصه درس

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح علیه السلام اختلاف کرده‌اند.

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. علمای یهود توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تورات را دیده بودند، بنابراین در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آنجا ساکن شدند.

قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی قریظه و بنی نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند.

۲. قبایل بنی قینقاع؛ در منطقه «الصاغه» فرود آمدند.

جز یهودیان اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، نیز در مدینه ساکن شدند. آنان برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، دارای تمدن و شهرنشینی بودند. از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی قریظه و بنی نضیر پیمان‌هایی بستند. اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند.

۱. ابن رشید فهری، ملء العیبه بما جمع بطول الغیبه، ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

برای مدینه نام‌هایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله.

از پیامبر خدا ﷺ روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و... را در آن حرام کرد. یکی از مناطق مهم مدینه قباست. این قریه در دو کیلومتری جنوب مدینه قرار دارد.

پیامبر ﷺ وقتی به اینجا وارد شدند زمینی را خریدند و بنای مسجد قبا را آغاز کردند. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله اینکه: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. پیامبر ﷺ وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» در مسجد آنان نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه شد و بعدها به مسجد جمعه معروف گردید.

#### مساجد پیرامونی مسجد النبی ﷺ

۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر ﷺ در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجد النبی) آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجد النبی ﷺ در منطقه مناخه اقامه می‌کردند.

۲. مساجد جنوب غربی مسجد النبی ﷺ: سقیّا و مغسله.

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجد النبی ﷺ: الاجابة = مباحله که در این مکان رسول خدا ﷺ برای مباحله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام حضور یافتند.

#### منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف مدینه، سپاه شرک را زمین گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مکه بازگشتند. به یاد حضور برخی از صحابه، مساجدی در آنجا ساختند که به نام هر یک از آنان معروف شد.

مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعة): عبارتند از: فتح، سلمان فارسی، علی بن ابی طالب علیه السلام، فاطمه علیها السلام، ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب و مسجدی نیز کمی آن طرف تر به سبب نزول آیات تغییر قبله که به ذوقبتین معروف شد. منطقه احد و مساجد پیرامون آن عبارتند از: ۱. المستراح (محل استراحت)؛ ۲. الدُّرْع = الشَّيْخَان؛ ۳. عَيْنَيْن.

#### منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن

یهودیان بنی قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی نضیر در نزدیکی آنها که اکنون خیابان قربان است، ساکن بودند. به هنگام محاصره آنان، پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند:

۱. مسجد بنی قریظه؛ ۲. مشربه امّ ابراهیم؛ ۳. فضیخ = ردّ الشمس.

#### مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه

۱. مسجد شجره = ذو الحلیفه (آبار علی علیه السلام): وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

الف) شجره: از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست.

ب) احرام: به سبب آن که حاجیان برای تشریف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

ج) ذو الحلیفه: «حلیفه» نام آبی است در آن منطقه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند.

د) ابیار علی علیه السلام: از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی علیه السلام برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کردند.

۲. منطقه فدک؛ ۳. منطقه خیبر؛ ۴. زیارتگاه ینوع.



### خودآزمایی

۱. سیر شکل‌گیری شهر یترب را توضیح دهید.
۲. فضایل شهر مدینه را بیان کنید.
۳. مقدمات هجرت پیامبر به مدینه را توضیح دهید.
۴. مساجدی که در منطقه قبا وجود دارد را نام برده و نحوه شکل‌گیری هر یک را شرح دهید.
۵. مساجدی که اطراف مسجد النبی هستند چه نام دارند؟
۶. ویژگی‌ها و آثار منطقه غزوه احزاب را برشمرید.
۷. مساجد پیرامون منطقه احد کدامند و علت پیدایش آنها چیست؟
۸. مسجد ذوقبلتین به دنبال چه حادثه‌ای به این نام مشهور شد؟
۹. اسامی که برای مسجد شجره عنوان شده را نام ببرید و وجه تسمیه آنها را بنویسید.



## درس ششم:

### مسجد النبی ﷺ و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با نحوه و چگونگی احداث مسجد النبی ﷺ آشنا شویم.
- از سیر تاریخی توسعه مسجد النبی ﷺ از ابتدا تا عصر حاضر مطلع گردیم.
- ستون‌های اصلی، روضه النبی ﷺ، منبر و محراب‌ها و ایوان صفا و سایر آثار آن را بشناسیم.
- با حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجد النبی ﷺ وجود دارد آشنا شویم.
- موقعیت خانه و محل دفن رسول خدا ﷺ را بدانیم.
- با روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه (علیها السلام) وجود دارد آشنا شویم.

#### مدخل

آشنایی با نخستین مسجد در اسلام که به دست رسول خدا ﷺ در شهر یثرب ساخته شد و پایگاه عبادی و سیاسی مسلمانان گردیده می‌تواند بیانگر اهمیت آن در طول تاریخ و ازمینه باشد. آثار و اماکن متبرک و مقدس این مسجد نشان از سیر حوادث تأثیرگذار در تاریخ اسلام دارد. زائران و نمازگزاران در این مسجد که نمازگزاردن در آن برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است با شناخت این مکان مقدس و آثار آن می‌توانند خود را در دل تاریخ و کنار رسول خدا ﷺ حس کنند. بنابراین در این فصل مسجد النبی در گذر تاریخ و آثار آن برای تحقق این امر تشریح می‌گردند.

### الف) مسجد النبی ﷺ در گذر تاریخ

پیامبر ﷺ از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع الأول تا روز جمعه شانزدهم همان ماه، در قریه قبا ماندند و پس از پایان بنای مسجد قبا و الحاق امام علی (ع) و دخترشان فاطمه (ع)، رهسپار مدینه شدند.<sup>۱</sup> در این مسافت کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه رو گردید و در پاسخ گویی به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ»<sup>۲</sup> راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل، کنار خانه «ابویوب انصاری» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب او شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابویوب انصاری بود و از آن به عنوان «مرید» (محل خشکانیدن خرما) استفاده می شد و متعلق به دو یتیم از قبیله بنی نجار، به نام های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت معاذ بن عفراء قرار داشتند.<sup>۳</sup> آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که می خواستند از جان و دل بر پیامبر ﷺ هبه کنند، به ده دینار خریدند.<sup>۴</sup> این مسجد که ساخت آن تقریباً هفت ماه طول کشید، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود.

مساحت اولیه آن را  $۶۰ \times ۷۰$  ذراع<sup>۵</sup> = ۴۲۰۰ ذراع (برابر با ۱۰۲۱/۷۴ متر)

۱. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴؛ بعضی گفته اند در قبا چهارده شب مانده اند. (بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۶).

۲. ابن هشام، همان، سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۵؛ ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۱۸۷.

۴. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. هر ذراع را برابر با ۴۹/۳۳ سانتی متر (ذرع هاشمی) محاسبه کرده ایم.

و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن پرداختند.

تلاش پیامبر ﷺ در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواند:

لَسْنُ قَعْدُنَا وَ النَّبَى يَعْمَلُ لَذَاكَ مِنَّا الْعَمَلُ الْمُضَلَّلُ<sup>۱</sup>

اگر ما بنشینیم و پیامبر ﷺ کار کند، برای ما امری خطا و ناصواب است. هنگامی که دیوارها را بالا می‌بردند، پیامبر ﷺ در پاداش زحمات اصحاب چنین سرودند:

لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ الْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ الْاَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ<sup>۲</sup>

در این میان، عمار از همه بیشتر کار می‌کرد و برخی اصحاب نیز بار خود را بر دوش او می‌گذاشتند؛ لذا عمار از روی مزاح به پیامبر ﷺ گفت: یا رسول الله، اینان مرا کشتند؛ برگرد من باری می‌نهند که خود آن را حمل نمی‌کنند؛ پیامبر ﷺ خطاب به وی فرمود: «یا عمار! اِنَّمَا تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ»<sup>۳</sup> ای عمار، همانا تو را گروهی یاغی و ستمکار می‌کشند.

به روایت بخاری، پیامبر ﷺ فرمودند: «عمار آنان را به بهشت فرا می‌خواند و ایشان او را به آتش دعوت می‌کنند»<sup>۴</sup>

اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقف نکنیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: خیر، سایه‌بانی می‌خواهم چون عریش (سایبان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر ﷺ به سمت بیت المقدس مشخص کردند. آن گاه برای مسجد

۱. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۶؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. ابن هشام، همان؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰ با عبارت: «فَاغْفِرِ الْاَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ» بخاری در صحیح خود چنین آورده است. «اَللّٰهُمَّ لَا خَيْرَ

إِلَّا خَيْرُ الْآخِرَةِ، فَاغْفِرِ الْاَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ» (صحیح، جزء اول، کتاب الصلوة، ص ۲۹۲)

۳. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۷؛ متقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۴. بخاری، صحیح [جزء اول، کتاب الصلوة حدیث ۴۰۸] ص ۳۰۲.

سه در قرار دادند؛ دری در آخر مسجد، در دیگری که به آن «باب الرِّحْمه» و «باب عاتکه» می‌گفتند و دری که بعدها باب جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام نام گرفت. کنار مسجد نیز اتاق‌هایی برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شدند. از خانه نیز دری به مسجد گشودند.<sup>۱</sup> آن‌گاه هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود.

مسجد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدس، خطبه‌های غرّاً و کوبنده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسان‌ساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بحث و بررسی می‌شد.

دومین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاة یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود. از جمله رویدادهای مهم دیگر، که مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آن سال‌ها شاهد بود، اعلان بسیج عمومی برای دفاع از اسلام و پاسخ‌گویی به آزار و ستم وارده از سوی مشرکان بود.

در همین مسجد «وفود»، (گروه‌ها) برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌رسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آنها در گنجایش این مختصر نیست.

## ب) آثار تاریخی و مقدس مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

### ۱. ستون‌های مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برافراشتند و سقف را با شاخه‌های نخل بر روی آنها قرار دادند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود

۱. ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰.

که هر یک نامی مخصوص داشت و امروزه با همان نام‌ها باقی مانده‌اند. هر یک از آنها سابقه‌ای به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند و یادآور حوادث و رخداد‌های مهمی هستند. این ستون‌ها که در داخل روضه النبی ﷺ واقع شده‌اند، عبارتند از:

۱-۱. ستون مُخَلَّقَه: این ستون یادآور نمازگاه پیامبر ﷺ و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محل نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محل اصلی است<sup>۱</sup> و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خُلُوقی است که بر آن می‌سوزاندند تا فضای مسجد را عطرآگین کند.

۱-۲. ستون عایشه: نام‌های دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام اسطوانة العایشه دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نام‌ها چنین است: از آنجا که عایشه، در فضل مکانی نزدیک این ستون حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت کرده، مهاجران گرداگرد آن می‌نشستند و یا نماز می‌خواندند. لذا به مجلس مهاجران یا ستون عایشه معروف شد.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرموده بود: «در مسجد من مکانی است نزدیک این ستون که اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، کنار آن نماز نمی‌خواندند، مگر آنکه میان خود (برای نماز خواندن) قرعه می‌زدند<sup>۳</sup> بر این اساس، آن را قرعه یا مهاجران نیز نام گذاشته‌اند.

ستون یاد شده وسط ستون‌های اصلی روضه النبی ﷺ قرار دارد؛ یعنی میان این ستون تا منبر پیامبر ﷺ دو ستون، تا قبر ایشان دو ستون، تا محراب، دو ستون و تا صحن اولیّه مسجد که تا آن هنگام مسقف نشده بود؛ یعنی به موازات مأذنه بلال نیز دو ستون فاصله دارد. در حقیقت از همه طرف سومین ستون بوده

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. ابن نجار، همان، ص ۲۰۸.

۳. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۰، کنایه از اینکه ازدحام برای نماز خواندن در این مکان به قدری زیاد می‌شد که به ناچار باید بین خود قرعه می‌زدند.

است. کنار آن نیز ستون «توبه» و سپس «سریر» قرار دارد. از اصحاب نقل شده است رسول خدا ﷺ کنار آن ابتدا نماز می‌خواندند و سپس به نمازگاه خود می‌رفتند.<sup>۱</sup>

۱-۳. ستون توبه: از ستون‌های مهم و با فضیلت مسجد النبی ﷺ ستون توبه یا ابولبابه است. ابولبابه بن عبد المنذر یکی از بزرگان اوس، هنگام غزوه بنی قریظه<sup>۲</sup> به درخواست یهودیان و با موافقت پیامبر ﷺ به عنوان مشاور نزد آنان رفت. ابولبابه یهودیان را به جنگ و مقاومت تشویق کرد، اما بی‌درنگ از این اقدام پشیمان شد و سوگند یاد کرد که هرگز با پیامبر ﷺ روبه رو نشود، مگر آنکه توبه کند و خداوند نیز او را پاک گرداند. بنابراین یکسره به مسجد النبی ﷺ رفت و خود را به یکی از ستون‌های مسجد بست و به توبه و انابه پرداخت تا شاید خداوند از کردار زشت او بگذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز می‌کرد و دوباره او را به ستون می‌بست. سرانجام سحرگاهان آیاتی مبنی بر پذیرش توبه ابولبابه نازل شد.<sup>۳</sup>

پیامبر ﷺ آن شب خندان و شاداب برخاست؛ به مسجد آمد و دستان او را گشود.<sup>۴</sup> از آن روز این ستون به «توبه» یا «ابولبابه» مشهور شد.

۱. ابن نجار، همان، ص ۲۰۸.

۲. پیامبر ﷺ پس از جنگ خندق که طی آن یهودیان پیمان خود را با مسلمانان شکسته و به آن حضرت خیانت کردند، از سوی خداوند مأموریت یافت تا به تنبیه و نابودی خیانتکاران یهود بنی قریظه پرداخته (ابن هشام، همان، ج ۳۲، ص ۲۳) و شرّ آنان را از سر اسلام کوتاه سازد. بنابراین آن حضرت یهودیان را محاصره کرد و نماینده‌ای فرستاد که با اسلام آورد و هم‌چنان در خانه‌های خود بماند و یا از مدینه همراه زنان و فرزندان خارج شود. یهودیان بنی قریظه به علت ارتباط و دوستی که با ابی لبابه داشتند از پیامبر ﷺ خواستند تا وی را برای مشورت به نزد آنان فرستد و آن حضرت نیز پذیرفتند.

۳. «یا ایها الذین آمنوا لا تغفروا الله والرّسول تغفروا أماناتکم و انتم تعلمون...؛ ای کسانی که ایمان آوردید به خدا و رسول و امانات خویش خیانت نکنید، در حالی که می‌دانید جز این نیست که مال‌ها و اولادتان فتنه و بلاست...» (انفال، ۱۲۸)

۴. سیوطی، لباب‌النقول فی اسباب‌التزول، ص ۱۱۱؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۸؛ ابن قیم جوزی، همان ج ۲، ص ۱۹۰.



حضرت رسول ﷺ نوافل خود را کنار این ستون به جا آورده و گاهی نزد آن اعتکاف می جستند.<sup>۱</sup>

روایات وارده حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است.<sup>۲</sup> ستون توبه دوّمین ستون از حُجره و مرقد پیامبر ﷺ و به موازات ستون سریر در شرق و ستون عایشه در غرب است. به عبارت دیگر، چهارمین ستون از منبر پیامبر ﷺ و سوّمین ستون از سمت قبله و جزو ستون های روضه النبی ﷺ است. اکنون نام «اسطوانة التوبه» زینت بخش آن است. درب غربی خانه رسول الله ﷺ که به داخل مسجد باز می شد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده اند.

۱-۴. ستون سریر: در بیان محلّ شب زنده داری رسول الله ﷺ نقل کرده اند که ایشان سریری (تختی) از چوب خرما را کنار ستونی گذاشته و به پهلوی روی آن می خوابیدند و یا اعتکاف می کردند.<sup>۳</sup> امروزه این ستون و ستون های محرس و وفود میان ضریح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر ﷺ واقع شده است و در سمت غرب آن نیز ستون توبه است. نبی گرامی ﷺ روزها نیز برای پاسخ گویی به پرسش ها و مسائل مسلمانان، به آن تکیه می دادند و نیازمندی های آنان را برآورده می ساختند.<sup>۴</sup> «اسطوانة السّریر» اوّلین ستون از سمت قبله است.

۱-۵. ستون مَحْرَسُ = علی بن ابی طالب علیه السلام: این ستون به نام امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسته<sup>۵</sup> و برخی نیز گفته اند کنار آن می ایستاد و به محافظت از جان پیامبر ﷺ می پرداخت<sup>۶</sup> لذا به مَحْرَسُ نیز مشهور شد. دومین ستون در دیواره ضریح از

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابن نجار، همان، ص ۲۰۶.

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷.

۴. این ستون که یکی از ستون های مهم و اصلی مسجد النبی ﷺ است، دسترسی به آن به علت اتصال به ضریح و ممانعت مأموران امکان پذیر نیست.

۵. ابن نجار، همان، ص ۲۱۰.

۶. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۸.

سمت قبله و بعد از ستون سریر است، یعنی در میان ستون‌های وفود و سریر و به موازات آنها در دیواره ضریح غربی مرقد پیامبر ﷺ واقع شده است. پیامبر ﷺ هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، داخل می‌شدند. امروزه نام «اسطوانة الحرس» بر آن دیده می‌شود.

۱-۶. ستون وفود: این ستون، که بعد از ستون محرس قرار دارد، سومین ستون از سمت قبله است. پیامبر ﷺ برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند.<sup>۱</sup> اکنون بالای آن، نام «اسطوانة الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضریح پیامبر ﷺ قرار دارد.

۱-۷. ستون مقام جبرئیل علیه السلام: کنار این ستون، که به آن «مُرَبَّعة القبر» نیز گفته می‌شود، درب خانه فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر ﷺ قرار داشت که به مسجد باز می‌شد.<sup>۲</sup> مقام جبرئیل علیه السلام به موازات ستون‌های وفود و حرس بود و بعد از همه آنها در سمت شمال بود که اکنون داخل ضریح و منتهی الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد. و البته می‌توان از روزنه‌های باب فاطمه علیها السلام آن را به سختی مشاهده کرد که نسبت به دیگر ستون‌ها بسیار پهن‌تر است. جبرئیل در این مکان به رسول خدا ﷺ ظاهر شد و او را به نبرد با بنی قریظه فراخواند. در نزدیکی این مقام، یکی از درهای مسجد قرار داشت که به همین سبب به باب جبرئیل معروف شد.

۱-۸. ستون تهجد: حضرت رسول ﷺ شب‌ها به ویژه در ماه رمضان، پشت خانه فاطمه علیها السلام کنار ستونی به تهجد و شب زنده‌داری می‌پرداخت.<sup>۳</sup> بعدها در

۱. همان، ص ۴۴۹.

۲. این در، سمت مغرب محراب التهجد، یعنی به موازات ستون‌های وفود و حرس و منتهی الیه دیوار شمالی و غربی حجره شریف و ضریح پیامبر ﷺ قرار داشته و به داخل مسجد باز می‌شده است.

۳. سمهودی، همان.

این مکان محرابی به نام «تهجد» ساختند.<sup>۱</sup> این ستون کنار مکان اصلی باب جبرئیل علیه السلام پیش از توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله بود که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجد اکنون داخل ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. این ستون هشتمین و آخرین ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است.

۹-۱. ستون حنّانه: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام قرائت خطبه، ابتدا به تنه درخت خرما (جزع) در سمت غرب نمازگاه خود تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر آن نشستند. گویند در این هنگام آن درخت در فراق آن حضرت بی‌قراری کرد و ناله سر داد و حضرت دست ملاطفت و مهربانی بر آن کشیدند، لذا آرام شد.<sup>۲</sup> بنابراین از آن روز این درخت را «حنّانه» نامیدند. بعدها به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حفره‌ای کنده و آن درخت را زیر منبر دفن کردند.<sup>۳</sup> (تصاویر شماره ۸۴ و ۸۵)

## ۲. ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای مهاجران تهی دست که در مدینه مکانی ندارند، ایوان مُسَقَفی، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آنجا اقامت گزینند.<sup>۴</sup> این عده شب‌ها را بر همین ایوان به صبح می‌رساندند. کسانی چون سلمان فارسی، عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و... از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را ۷۰ نفر نوشته‌اند.<sup>۵</sup> این افراد در تاریخ به «اهل صُفّه» معروف شدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از مقابل اهل صُفّه می‌گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد

۱. ر.ک: بحث محراب‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳. ابن نجار، همان، ص ۱۸۵؛ قطب الدین حنفی، ص ۹۸ - ۱۰۰.

۴. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۳۷.

۵. ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، اسامی ۳۸ نفر از آنان را ذکر کرده است. (ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۸۵).

خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود.<sup>۱</sup> خداوند تبارک و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد این فقرا بر آن حضرت نازل کرد.

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ  
وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ...<sup>۲</sup>

ای پیامبر همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند وادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم میپوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی، هرگز با کسانی که ما دلهای آنان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبهکاری پرداختند همراه مباش.

زمانی که این آیات نازل شد، پیامبر خدا ﷺ فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي أُمَّتِي مَنْ أَمَرْتُ أَنْ أَصْبِرَ نَفْسِي مَعَهُمْ.<sup>۳</sup>  
سپاس خدای را که در امت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.

این ایوان در توسعه‌های مسجد برداشته شد. اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل (جبرائیل) و باب النساء ایوانی، به ارتفاع حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر مربع و به شکل مربع مستطیل قرار دارد که بسیاری می‌پندارند این ایوان صفة است، در حالی که این ایوان در عصر عثمانی برای استقرار غلامان و خواجهگان حرم ساخته شده و به «دكة الاغوات» معروف بوده است.

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۵۴. ر.ک: صالح احمد الشامی، اهل الصفة بعيداً عن الوهم والخيال. در صحیح بخاری روایت شده که این عده لباس کاملی نداشتند و بعضاً نیمه عریان بوده و یا لباس آنان تنها نیمی از بدن ایشان را می‌پوشانید و در نهایت فقر بوده‌اند. (همان، کتاب الصلاة، حدیث ۱۰۳، ج ۱، ص ۲۹۹)

۲. کهف، ۲۸.

۳. احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۷۰.

در مقابل دکه الاغوات، ایوان التهجد و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه علیها السلام قرار دارد. (تصویر شماره ۸۶)

### ۳. منبر

هنگام بنای مسجد النبی، برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منبری نساخته بودند؛ چنان که پیش‌تر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تنه درخت خرمايي که به آن تکیه می‌زدند می‌خواندند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند.<sup>۱</sup>

در مورد نخستین کسی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشته‌اند: نخستین منبر، از گِل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود.

چنان که خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را «روضة النبی» گویند. از آن حضرت نقل شده است که: «قوائم منبری رواتب فی الجنة»<sup>۲</sup> پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.

### ۴. محراب‌ها<sup>۱</sup>

۴-۱. محراب النبی صلی الله علیه و آله و سلم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواندند که بعدها به «المخلقه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است.

در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزین

۱. متقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال، ج ۱۴، ص ۵۸. به روایت بخاری، زنی از انصار

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد که غلام نجاری دارم، اگر اجازه دهید برای شما منبری بسازد.

(صحیح، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۰۲)

۲. نورالدین هیشمی، موارد الضمان، ص ۳۵ و ۲۵۶.

به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آن گاه محراب پیامبر ﷺ را با پارچه‌ای نفیس پوشانیدند. این محراب با همان تزیینات هم‌چنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است.<sup>۱</sup> محراب النبی ﷺ اکنون به ستون مُخَلَّقَه متصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. و به گونه‌ای ساخته شده که سجده کننده در آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر ﷺ نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۸۷)

۴-۲. محراب التهجّد: در پشت منزل فاطمه عليها السلام؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریف پیامبر ﷺ محل و مکان تهجّد رسول‌الله ﷺ و فاطمه عليها السلام، بوده است. محراب در دوران عثمانی در داخل حجره و ضریح مطهر تعییّه شده و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه، یعنی مقابل ایوان صفه، ایوانی به ارتفاع سی‌سanti متر و عرض حدود شش متر ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازند. (تصویر شماره ۸۸)

۴-۳. محراب فاطمه عليها السلام: این محراب، داخل منزل فاطمه عليها السلام؛ یعنی جنوب محراب التهجّد قرار داشته که محلّ اقامه نماز فاطمه عليها السلام بوده است. محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر ﷺ است.

۴-۴. محراب عثمانی: محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النبی ﷺ از عصر عثمان بن عفّان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السّلام تا باب البقیع امتداد می‌یابد.<sup>۳</sup> اکنون امام جماعت مسجد النبی ﷺ در این محراب نماز اقامه می‌کند.

۴-۵. محراب سلیمانی = حنفی: این محراب در خارج روضه النبی ﷺ و سمت غرب منبر قرار دارد. در ابتدا حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شریک نبودند، فقط مالکیان امامت را بر عهده داشتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. علی بن موسی، رسالة فی الوصف المدینة المنورة، ص ۶۰.

۳. علی بن موسی، همان. عثمان پس از اتمام توسعه در این مکان به نماز می‌ایستاد.

به امامت نماز جماعت مسجد راه یافتند. در دوران عثمانی این محراب برای حنفی‌ها ساخته شد که امام جماعت ایشان در آن نماز اقامه می‌کرد. شمع‌هایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمع‌دان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد.<sup>۱</sup>

### ۵. روضة النبی ﷺ

رسول الله ﷺ فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مَنبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».<sup>۲</sup> روضة النبی ﷺ یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر ﷺ همه روزه، پنج بار برای اقامه نماز جماعت و خواندن خطبه، در این مسیر تردد می‌کردند. از آن حضرت، احادیث بسیاری در فضیلت این مکان روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. از جمله این روایات: «إِنَّ مَنبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ».<sup>۳</sup> ترعه را به معنای باب دانسته‌اند؛ یعنی منبر من بر دری از درهای بهشت قرار دارد.<sup>۴</sup> همچنین در روایت دیگری آمده است: «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».<sup>۵</sup> و نیز: «مَا بَيْنَ حُجْرَتِي وَ مَصَلَاتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».<sup>۶</sup>

از میان این روایات، روایت «ما بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة» چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا پیامبر ﷺ مکان قبر خود را مشخص نکرده بودند، اما مکان بیت و یا حجره ایشان روشن بوده است.

در معنا و تفسیر «رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» گفته‌اند، مقصود آن است که این قسمت در آخرت به بهشت منتقل شده و همانند دیگر قسمت‌های زمین از بین

۱. علی بن موسی، رسالة فی وصف المدينة المنورة، ص ۶۱.

۲. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۵؛ نسائی، سنن [جزء الثانی] ص ۳۴.

۳. نسائی، همان، ص ۳۵؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰.

۴. ابن قتیبہ دینوری، تأویل مختلف الحديث، ص ۹۱.

۵. کلینی، همان.

۶. همان.

نمی‌رود<sup>۱</sup> و این مزیت و فضل عظیمی برای این مکان است. عبادت در این محل که نسبت به سایر قسمت‌های مسجد فضیلت و برتری دارد، ان شاء الله اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضی گفته‌اند: همان‌گونه که حجر الأسود از بهشت برای جدّ پیامبر ﷺ یعنی ابراهیم عليه السلام، قرار داده شد تا آن را در کعبه نصب کند، برای رسول الله ﷺ نیز مکان عبادت ایشان باغی از بهشت گردید.

در عرض روضه شریف اندکی اختلاف است؛ اما در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زباله طول روضه شریف پیامبر ﷺ را که از منبر آن حضرت تا آخر حجره شریف در شرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است.<sup>۲</sup> بر اساس نظر اهل سنت، عرض روضه تنها دو ستون از سمت قبله را در بر می‌گیرد. اما بر اساس نظر شیعه، عرض روضه از آغاز حد قبلی مسجد در دوران پیامبر ﷺ از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشخص است تا منتهی الیه دیوار شمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضریح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شریف شامل هشت ستون از جنوب به شمال می‌گردد که همان حدّ اولیه مسجد است. با این وصف خانه فاطمه عليها السلام نیز جزو روضه النبی ﷺ قرار می‌گیرد.

#### ۶. بیت شریف پیامبر گرامی ﷺ

پیامبر ﷺ در کنار مسجد، ابتدا اتاقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند. این اتاق‌ها در شرق مسجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر ﷺ است. البته پس از چندی، برای صفیه و امّ سلمه؛ دو همسر دیگر رسول الله ﷺ نیز اتاق‌هایی بنا گردید. منابع تاریخی، از بی‌نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند.<sup>۳</sup>

۱. ابن نجار، همان، ص ۱۹۳.

۲. امروزه ستون‌های داخل روضه با سنگ مرمر سفید مشخص و داخل آن با رنگ سبز رنگ آمیزی شده است و نیز با فرش‌های سبز رنگی کف منطقه روضه را مفروش ساخته‌اند.

۳. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۹۹.



هنگامی که ولید بن عبدالملک برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسیاری از مسلمانان می‌گریستند و می‌گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسی که کلیده‌ای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند اتاق گلی قناعت کرده است!<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ در نیمی از اتاقی که با عایشه زندگی می‌کردند دفن شدند و عایشه در نیمه دیگر زندگی می‌کرد. این اتاق‌ها همگی در هنگام توسعه مسجد در زمان عمر بن عبدالعزیز تخریب شدند که موقعیت آنها اکنون در داخل حجره و ضریح مطهر است.

#### ۷. خانه فاطمه علیها السلام

خانه فاطمه و امام علی علیهما السلام پشت خانه عایشه بود. دری به سمت شرق، یعنی کوچه و دری به سمت غرب، یعنی داخل مسجد و به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر ﷺ باز شده بود که آن حضرت همواره از آن احوال دخترشان را جویا می‌شدند و می‌فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».

و به روایتی دیگر: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)»<sup>۲</sup>.

خانه فاطمه علیها السلام در داخل ضریح کنونی و در انتهای دیواره غربی و شمالی حجره قرار گرفته است. سمهودی گوید: میان خانه فاطمه علیها السلام و عایشه دیواری بوده و وسط خانه فاطمه علیها السلام مکانی است که مردم بسیار محترم می‌دارند و از روی آن عبور نمی‌کنند. برخی گفته‌اند که این مکان، قبر فاطمه علیها السلام است. سمهودی و برخی دیگر از مورخان سنگ قبری نیز در آن، با عنوان «هذا قبر فاطمة بنت رسول الله» دیده‌اند.

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۶۰ - ۴۶۲؛ ابن سعد، همان.

۲. احزاب، ۳۳.

دری که اکنون در سمت باب جبرئیل، به عنوان در خانه حضرت فاطمه علیها السلام مشهور است، همان دری است که به سوی کوچه باز می‌شده است. خداوند به پیامبرش فرمان داد تا همه درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز در این خانه را ببندند؛ «أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ» این حدیث را بسیاری از مورخان اهل سنت چون احمد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۸۹)

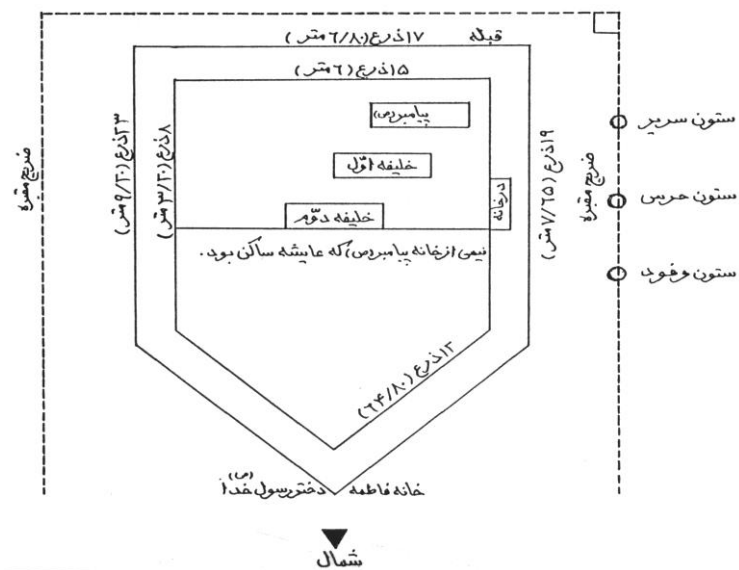
#### ۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

هنگامی که «رحمة للعالمین» به «رَبِّ الْعَالَمِینَ» پیوست، علی علیه السلام شیون‌کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛<sup>۲</sup> کسانی چون علی علیه السلام، عباس و پسران او، فضل و قثم و نیز اسامة بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور یافتند.<sup>۳</sup>

پس از انجام غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی علیه السلام گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده است که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آنکه او را در همان جایی که از دنیا رفته دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت را با کمک چند تن از یاران خود، از بنی‌هاشم، در همان محلی که رحلت کرد، یعنی در خانه خود، که عایشه در آن می‌زیست به خاک سپردند. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاک سپرده شدند. وضعیت دفن آن دو، این‌گونه بود که خلیفه اول را پشت

۱. ابن حنبل، المسند، ج ۲، ص ۲۶؛ ترمذی، حدیث ۳۷۳۲؛ نسائی، الخصائص، ص ۴۲؛ طبرانی، المعجم، حدیث ۱۲۵۹۴؛ ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۵۰۲؛ سبط بن جوزی، تذکرة خواص الامة فی معرفة الائمة، ص ۲۴؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۷۴-۴۷۶. ابن جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ص ۲۴؛ قطب الدین حنفی، همان، ص ۱۹۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵.
۲. ابن سعد، همان، ج ۲، ص ۲۶۲ و ۲۷۸.
۳. مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۶۸؛ ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۳۴؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۱؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۱۰۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۱.

سر پیامبر ﷺ و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و خلیفه دوم را پشت سر خلیفه اول و سر وی را محاذی شانه‌های وی قرار دادند. عایشه دیواری میان قبور و محل سکونت خود کشید و در نیمه آن زندگی می‌کرد.<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۹۰)



عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه، این دیوار و سایر اتاق‌ها را تخریب کرد و دیواری پنج ضلعی برگرد سه قبر کشید و آن را مسقف و اصلاح و تعمیر کرد. بعضی نیز گفته‌اند: پوشانیدن قبر پیامبر ﷺ از چشم مردم، در زمان معاویه بود و آن هنگامی بود که امام حسن علیه السلام از دنیا رفت؛ بر اساس وصیت نواده پیامبر خدا ﷺ تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر ﷺ گرفتند، ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ بنابراین ناگزیر امام حسین علیه السلام، جنازه برادر

۱. سمهودی، الوفاء بما یجب لحضرة المصطفی، ص ۱۳۸.

را در بقیع به خاک سپرد؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر ﷺ و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت.<sup>۱</sup> اکنون آن پنج ضلعی یاد شده با کاشی‌هایی منقش به آیات قرآن از داخل ضریح، البته به سختی قابل رؤیت است. اطراف اتاق‌های تخریب شده نیز یک دیوار ساخته‌اند که ضریح و حجره رسول خدا ﷺ را امروزه تشکیل می‌دهد.

۸- پوشش قبر: چنان که ابن نجّار نقل کرده، پس از پایان پوشش سنگ مرمر دیوارهای مرقد، که به وسیله جواد اصفهانی در قرن ششم هجری انجام شده بود، پوششی از دیبای سفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شریف قرار دادند که در دوران‌های بعد نیز پرده‌های بسیار زیبا و نفیسی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال می‌شد.<sup>۲</sup>

#### ۹. قبر فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر ﷺ

در تاریخ وفات و محل دفن حضرت فاطمه علیها السلام نظرات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضرت را شش ماه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نوشته‌اند،<sup>۳</sup> اما نظریه مشهور نزد شیعه، ۷۵ یا ۹۵ روز است.<sup>۴</sup> در مورد محل دفن آن معصومه نیز سه روایت وجود دارد.

۱. طبق روایتی از ابن شُبّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه علیها السلام در قبرستان بقیع و در گوشه خانه «عقیل بن ابی طالب» است.<sup>۵</sup> این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است.

این شبّه هم‌چنین از عییدالله بن علی روایت کرده که حسن بن علی علیهما السلام وصیت کرد که مرا کنار قبر مادرم در بقیع دفن کنید، پس او را در مقبره‌ای

۱. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۵۴۸.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۵۸۱-۵۸۳.

۳. ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۹؛ بخاری، همان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۴. ابن قتیبه، همان؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

۵. ابن شُبّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

کنار قبر مادرش؛ در مقابل پنجره خانه نبیه بن وهب به خاک سپردند. در این مقبره دو قبر با سنگ نبشته‌ای وجود داشت: قبر حسن بن علی علیه السلام و قبر عایشه همسر پیامبر.<sup>۱</sup> سمهودی نقل کرده که امام صادق علیه السلام در بقیع کنار پدر و جدش مدفون شد؛ بر قبور آنان سنگ نبشته مرمری با این عبارت دیده می‌شد: **هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ قَبْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام**.<sup>۲</sup>

علی بن موسی از مورخان عصر عثمانی نیز گوید: فاطمه علیه السلام در کنار ائمه شیعه علیهم السلام مدفون شده است.<sup>۳</sup> در پایین قبور ائمه بزرگوار شیعه سنگ قبری مستقل قرار دارد که اهل سنت معتقدند قبر حضرت فاطمه علیه السلام است و بر اساس نظر شیعه این قبر متعلق به فاطمه بنت اسد است.

۲. برخی از مورخان گفته‌اند قبر حضرت فاطمه علیه السلام در خانه ایشان قرار دارد. ابن شَبَّه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سمهودی گوید: فاطمه علیه السلام از علی علیه السلام در لحظات احتضار خواستند تا فرش خانه را برداشته و محلی را برای دفن ایشان آماده سازد.<sup>۴</sup>

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فاطمه علیه السلام در داخل خانه خود، که در توسعه عمر بن عبدالعزیز جزو مسجد شد، دفن گردیده‌اند.<sup>۵</sup> ابن شَبَّه همچنین از ابو غسان روایت می‌کند که فاطمه علیه السلام در خانه خود دفن شده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پدر ایشان قرار گرفت، ساختند؛ زیرا او را در شب به خاک سپردند، بسیاری از مردم خبر نیافتند.<sup>۶</sup> سمهودی گوید: هنگامی که پایه‌های گنبد مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته می‌شد،

۱. پیشین، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مسعودی نیز گوید او را در بقیع کنار قبر مادرش فاطمه دفن کردند. (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

۲. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۵.

۳. علی بن موسی، همان، ص ۱۱.

۴. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۳.

۵. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸ و ج ۲، ص ۳۴۱؛ رحمانی الهمدانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى من المهد الى اللحد، ج ۲، ص ۲۷۰.

۶. ابن شَبَّه، همان، ج ۱، ص ۱۰۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۹۰۳.

در سمت شرق آن، یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافتند. خبر آن میان مردم سر و صدایی ایجاد کرد.<sup>۱</sup> علاوه بر آن، روایات ابن شهر آشوب در المناقب و کلینی در کافی حاکی است که فاطمه علیها السلام در منزل خود، که امروزه داخل مقصوره و ضریح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار گرفته، مدفون گردیده است.<sup>۲</sup>

۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهر آشوب از محدثان و مفسران شیعه نیز نقل کرده‌اند که قبر فاطمه علیها السلام در محل روضة النبی صلی الله علیه و آله، یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد<sup>۳</sup> که این نظریه نیز مؤید نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه، چنان‌که گفتیم، منزل حضرت فاطمه علیها السلام جزو روضة النبی صلی الله علیه و آله محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوق، طوسی، مجلسی، ابن شهر آشوب و... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرّمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و پشت ایوان التهجد قرار دارد. والله اعلم بالصواب.

#### ۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین علیه السلام

در باره محلّ مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند؛ آنجایی که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان» (باب جبرئیل علیه السلام) است.<sup>۴</sup> در گذشته، در مدخل این باب، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر به عنوان نشانه مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام قرار داده بودند.

در حقیقت امروز مکان مهبط جبرئیل امین علیه السلام در داخل ضریح و دیواره

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۷.

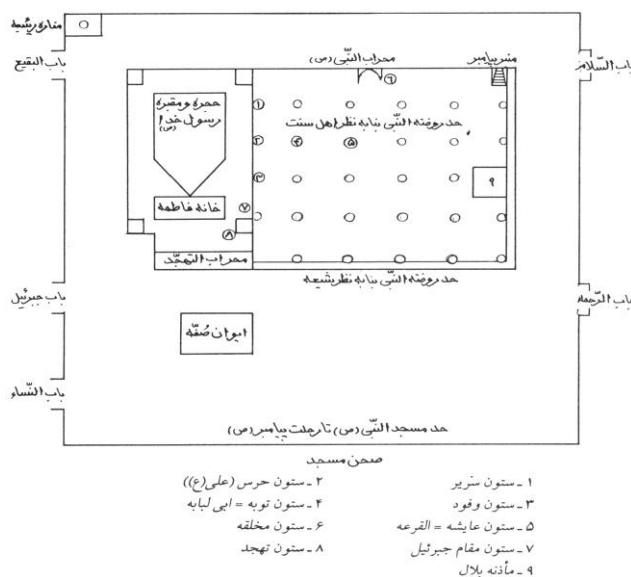
۲. ابن شهر آشوب، مناقب الائمه، ج ۳، ص ۳۶۵؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳. ابن شهر آشوب، همان؛ ابن جبیر، الرحله، ص ۱۷۰.

۴. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۵ و ۶.

## ١١. محل اذان بلال

بعدها به یاد بلال حبشی، یار فداکار رسول الله ﷺ، مأذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنج‌گانه بر آن اذان سر می‌دهند.



۱. ر.ک: بحث باب جبرئیل، در صفحات بعد.

## ۱۲. درهای مسجد

از هنگام بنای مسجد النبی ﷺ تا کنون، تعداد درهای آن گاهی افزایش و یا کاهش یافته است. این مسجد در زمان حیات پیامبر ﷺ تنها سه در داشت و در دوران‌های بعد، بویژه دوران اموی، تعداد آن‌ها به ۲۰ عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شد و تنها پنج در به جا ماند. در ابتدای دوران حکومت سعودی، شش در دیگر به مجموع آن افزوده شد و در توسعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید.

### ۱-۱۲. عصر پیامبر ﷺ

۱. «باب جبرئیل علی‌ه السلام» در میانه دیوار شرقی.
۲. «باب الرحمه» در شمال دیوار غربی.
۳. «باب عاتکه» در میان دیوار جنوبی.<sup>۱</sup>

### باب جبرئیل علی‌ه السلام

این درب، از مهم‌ترین دربهای مسجد النبی ﷺ است که به نام‌های «باب الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجه نامگذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضر پیامبر ﷺ رسید و به آن حضرت گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکندن سلاح امر نکرده‌ایم، باید به سوی بنی‌قریظه حرکت کنی؛ آن‌گاه افزود: من به سوی آنان رفته و در خانه‌هایشان زلزله می‌افکنم. پس رسول الله ﷺ به بلال فرمان داد که اذان سر دهد و آن‌گاه خطاب به مسلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می‌کند، نباید نماز عصر را جز در سرزمین بنی‌قریظه بخواند». صحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر ﷺ حرکت کردند. این باب را به آن سبب «باب الجنائز» گفته‌اند که مکان نماز بر مردگان (مکان جنائز) در مجاورت آن قرار دارد و همچنین پس

۱. پیامبر ﷺ هنگام تغییر قبله به سوی مسجد الحرام، باب عاتکه را مسدود و باب دیگری که ظاهراً در شمال مسجد قرار داشت به جای آن گشود.



از اقامه نماز بر میت، تشییع کنندگان مجبور بودند وی را از این باب به سوی «قبرستان بقیع» ببرند و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌اند. این درب به «باب عثمان» نیز معروف بود؛ زیرا رو به روی خانه عثمان بن عفان قرار داشت. باب جبرئیل علیه السلام اکنون در جای اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیبر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی الیه دیوار شرقی خانه فاطمه علیها السلام است.<sup>۱</sup> در توسعه عثمان بن عفان از این مکان نیز حدود سه متر همراه با دیوار شرقی عقب‌تر رفت، بنابراین محل اولی آن، داخل مسجد قرار گرفت.<sup>۲</sup> در توسعه عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ق.) برای سهولت ورود و خروج زائران یا برای امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، این در بسته شد و در دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین‌تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این درب پابرجا و به «باب جبرئیل» مشهور است. بر بالای گنبد خضرا قسمتی برآمده وجود دارد که عوام برای آن حکایت‌هایی نقل کرده‌اند، اما صحیح آن است که در سالی در مدینه خشکسالی شد و عایشه گفت از سقف مقبره رسول خدا صلی الله علیه و آله روزنه‌ای به آسمان باز کنید تا رحمت الهی بر ما فرود آید. بعدها وقتی این گنبد را می‌ساختند قسمتی را به نشانه آن حادثه برجسته ساختند. در مکان پیشین این درب، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.<sup>۳</sup>

این کار به این دلیل انجام شد که مکان اصلی باب جبرئیل علیه السلام در دوره عثمان مشخص باشد. از آنجا که اکنون اتاقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دید قرار ندارد.

۱. ر.ک: نقشه توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله در صفحات بعد.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۹.

۳. احزاب، ۵۶.

**۱۲-۲. دوران عمر بن خطاب**

عمر بن خطاب در سمت شرق و غرب، دو درب به مسجد النبی ﷺ افزود. «باب النساء» را بعد از باب جبرئیل علیه السلام و «باب السلام» را بعد از باب الرحمه قرار داد.

**۱۲-۳. دوران عمر بن عبدالعزیز**

عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه، در دوران ولید بن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقدام به توسعه و ترمیم مسجد النبی ﷺ کرد. در این زمان، تعداد دربهای مسجد به ۲۰ رسید، که در سمت شرق ۹ درب و درب غرب ۷ در و در سمت شمال ۴ درب بود.<sup>۱</sup>

**۱۲-۴. دوران عثمانی**

در دوران عثمانی، غیر از پنج درب اصلی، دیگر دربها بسته شد. آنها عبارت بودند از: در غرب، باب السلام و باب الرحمه. در شرق، باب النساء و باب جبرئیل علیه السلام. در شمال، باب التوسل یا باب المجیدی.<sup>۲</sup>

**۱۲-۵. دوران سعودی**

در سالهای آغازین حکومت سعودی، تعداد دربهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ درب پیشین ۶ درب افزوده شد؛ در شرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر ﷺ و کنار مناره گنبد سبز است. در غرب ابواب صدیق (سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سعود. در توسعه دوم، یعنی دوران فهد بن عبدالعزیز، ۴۲ درب به دربهای مسجد و ورودی افزوده شد.

**۱۳. مأذنه‌ها**

در دوران پیامبر ﷺ، بلال حبشی بر ستونی که داخل خانه عبدالله بن عمر بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالمطلب، که وی را «کلاب» می‌گفتند، نخستین مأذنه را برای مسجد ساخت. عمر بن

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۶ - ۶۹۸؛ نجفی، مدینه شناسی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. سمهودی، همان.

عبدالعزیز نیز چهار مأذنه در چهار گوشه مسجد بنا کرد. این مأذنه‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آنها به پنج رسید که مأذنه باب البقیع و باب السلام از آن دوران به همراه هفت مأذنه دیگر که در عصر سعودی ساخته شد زینت بخش مسجدالنبی ﷺ است.

#### ۱۴. قبة الخضراء

پایه‌گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا ﷺ ترمیم و به نحو اساسی‌تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزین گردید، این گنبد به «قبة الخضراء» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به طور بسیار زیبایی تزیین، کاشی‌کاری و خطاطی شده است. قبة الخضراء از دوران عثمانی هم‌چنان باقی مانده است. از آنجا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد وهابیت حرام است؛ بنابراین در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهری، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. البته روشن است که این باور نزد شیعه و سنی، پذیرفته نیست. بر بالای گنبد خضراء قسمتی برآمده وجود دارد که عوام برای آن حکایت‌هایی نقل کرده‌اند، اما صحیح آن است که در سالی در مدینه خشکسالی شد و عایشه گفت از سقف مقبره رسول خدا ﷺ روزه‌ای به آسمان باز کنند تا رحمت الهی بر ما فرود آید. بعدها وقتی این گنبد را می‌ساختند قسمتی را به نشانه آن حادثه برجسته ساختند.

#### ۱۵. قبة الزرقاء<sup>۱</sup>

قبة یا گنبد زرقاء را روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخته و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد.<sup>۲</sup> اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضراء قرار دارد. (تصویر شماره ۹۱)

۱. زرقاء مؤنث ازرق به معنای رنگ کبود یا رنگ آبی آسمانی است.

۲. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۶۰۸ - ۶۱۱.

### ج) آتش سوزی های مسجد النبی ﷺ

مسجد رسول خدا ﷺ در دو نوبت، یکی در ۶۵۴ق. و دیگری در ۸۸۶ق. دچار آتش سوزی شد و بسیاری از لوازم و تزئینات آن در آتش سوخت. سلطان قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملاً بازسازی و ترمیم کردند.

### د) سیر تاریخی توسعه مسجد النبی ﷺ از آغاز تا کنون

#### ۱. دوران پیامبر خدا ﷺ

همان گونه که در مبحث ساخت مسجد النبی ﷺ گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذرع، یعنی برابر با ۳۵×۳۰ متر<sup>۱</sup> بود که مساحت آن به ۱۰۲۱ مترمربع می رسید. پیامبر ﷺ در سال هفتم هجرت، یعنی پس از بازگشت از غزوه خیبر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند که هر ضلع آن به ۱۰۰ ذرع<sup>۲</sup> برابر با ۴۹ متر رسید و مساحت آن ۲۴۳۳ مترمربع گردید. افزوده های پیامبر ﷺ در این دوران، ۱۴۱۱ متر مربع بوده است.

در دوران پس از رسول خدا ﷺ خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی ﷺ پرداخته و آن را توسعه دادند. خلیفه دوم، نخستین کسی بود که به این کار اقدام کرد، سپس خلیفه سوم، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی و ملک اشرف قایتبای هر یک مسجد را توسعه دادند. در عصر عثمانی ۱۳۰۰ متر مربع به مساحت مسجد افزوده شد و مساحت آن به حدود ۱۰/۱۰۰ متر مربع رسید.

#### ۲. مسجد النبی ﷺ در عصر حاضر

عمده ترین توسعه مسجد النبی ﷺ در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به ده ها برابر رسید. در جریان این توسعه ها، که عمدتاً از زمان

۱. هر ذرع هاشمی برابر با ۴۹/۳۳ سانتی متر است که این محاسبات بر این اساس انجام شده است. شایان یادآوری است، میزان مطابقت ذرع با سانتی متر در میان اقوام و ملل تا حدودی متفاوت است و ذرع هم انواعی دارد که ما در اینجا فقط بر اساس ذرع هاشمی، یعنی ۴۹/۳۳ سانتی متر محاسبه کرده ایم.

۲. ابن رسته، اعلاق النفیسه، ص ۶۴.

ملک عبدالعزیز (۱۳۴۸ ق.) آغاز و در ۱۳۷۹ ق. با دو مرحله توسعه پایان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه اطهار علیهم‌السلام تخریب و در طرح توسعه قرار گرفت.

توسعه‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از ۱۳۷۰ ق. آغاز شد و مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۶/۲۵۰ متر آن از دوران عثمانی‌ها بود. در مجموع ۱۶/۳۵۰ متر مربع توسعه یافت که مساحت مسجد به ۲۳/۵۷۰ متر مربع رسید.

دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۳۵ هزار متر مربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۵۵۰ متر مربع دیگر مسقف گردید.

در توسعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزیز انجام شد، حدود ۴۳ هزار مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگ‌ترین توسعه در دوران فهد بن عبدالعزیز در دو مرحله انجام شد. در این توسعه که از ۱۴۰۶ ق. آغاز شد، کلیه بازارها، مغازه‌ها و خانه‌های تاریخی اطراف مسجد تا شعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع تخریب و بر مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اطراف آن افزوده شد. مجموع آثار تخریب شده در اطراف مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا این زمان، که نگارنده آنها را شناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی است. اگرچه جمعیت روز افزون زائران این مسجد، حکام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است، اما آنان می‌توانستند برای حفظ آن آثار مهم، که هویت تاریخی مسلمانان جهان است، لااقل نام آنها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگ‌فرش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستان‌شناسی عربستان، به طور مستمر در مناطق شمالی و جنوبی در صدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت هستند، اما آثار عصر اسلامی با بی‌مهری و بی‌اعتنایی رو به تخریب می‌رود. در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰ هزار مترمربع، پشت بام ۶۷ هزار متر مربع، پیرامون مسجد ۲۳۵ هزار متر مربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰ هزار متر مربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

در این توسعه‌ها تعداد مأذنه‌ها به ۱۰ مأذنه با ارتفاع ۶۰ متر و تعداد

درهای ورودی به ۴۲ درب افزایش یافت. بر سقف‌های افزوده شده در این توسعه ۲۷ گنبد متحرک که به وسیله ریل در روز و شب جابه‌جا می‌شوند با ارتفاع ۱۶/۵ متر و وزن ۸۰ تن قرار یافت که حکایت از استفاده از فن‌آوری پیشرفته‌ای دارد. مسجد با تونلی از ایستگاه تهویه هوا که در ۷ کیلومتری مسجد النبی ﷺ قرار دارد، از هوای خنک برخوردار می‌گردد و سطح زمین فضاهای بیرونی (صحن‌ها) در محدوده اقامه نماز نیز به واسطه حرکت جریان هوای سرد در زیرزمین، خنک و سرد می‌گردد.<sup>۱</sup>

هزینه‌های مصرف شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است.<sup>۲</sup>

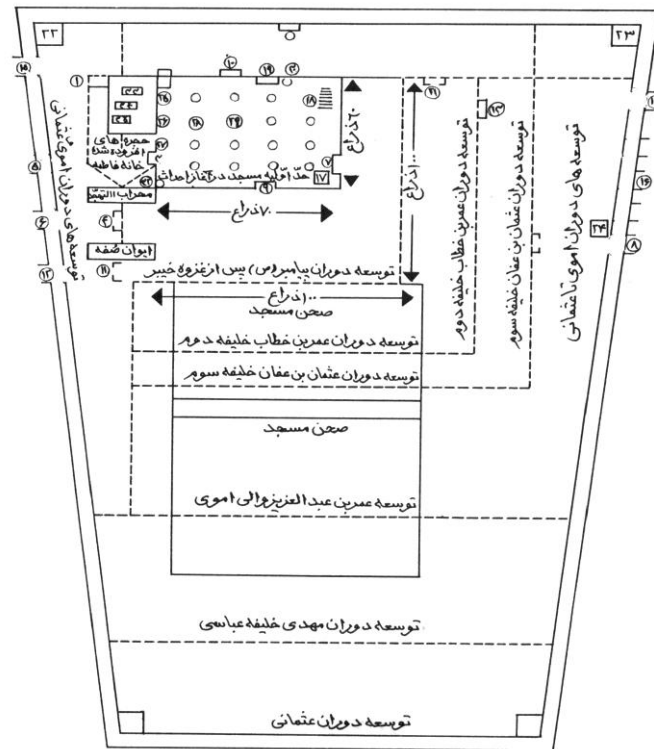
(تصاویر شماره ۹۲ تا ۹۷)

ردیف	دوره	طول و عرض حسب ذراع	طول و عرض حسب متر	مساحت (م <sup>۲</sup> )	افزودها
۱	ابتدای احداث	۶۰×۷۰=۴۲۰۰	۲۹/۵۹×۳۴/۵۳	۱۰۲۱/۷۴	
۲	توسعه پیامبر	۱۰۰×۱۰۰=۱۰۰۰۰	۴۹/۳۳×۴۹/۳۳	۲۴۳۳/۴۴	۱۴۱۱/۱۷
۳	خلیفه دوم	۱۴۰×۱۲۰=۱۶۸۰۰	۵۹/۱۹×۶۹/۰۶	۴۰۸۷/۷۷	۱۶۵۴/۳۳
۴	خلیفه سوم	۱۷۰×۱۳۰=۲۲۱۰۰	۶۴/۱۲×۸۳/۸۶	۴۵۸۳	۴۹۶
۵	ولید بن عبدالملک (عمر بن عبدالعزیز)	۲۰۰×۱۳۵=۲۷۰۰۰	۵۹/۶۶×۹۸/۶۶	۶۹۵۳	۲۳۶۹
۶	مهدی عباسی	۲۵۳×۱۳۵=۳۴۱۵۵	۵۹/۶۶×۸۰/۱۲۴	۹۴۰۳	۲۴۵۰
۷	ملک اشرف قایتبای	-	-	۹۵۲۳	۱۲۰
۸	عبدالمجید عثمانی	-	-	۱۰۹۳۹	۱۲۹۳
۹	ملک عبدالعزیز و سعود	-	-	۱۶۹۶۳	۶۰۲۴
۱۰	ملک فهد بن عبدالعزیز	-	-	۱۱۷۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۱۱	توسعه اطراف مسجد (۱۴۱۶ق.) و سطح اختصاصی برای نماز	-	-	۳۳۵۰۰۰+ (اطراف مسجد) ۶۸۰۰۰ (سطح طبقه اول) = ۴۰۵۰۰۰ متر مربع	۲۹۰۰۰۰

۱. عیدالله امین کردی، مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۸۵.

۲. عبداللطیف بن عبدالله بن دهیش، عمارة المسجد الحرام والمسجد النبوی فی العهد السعودی، ص ۳۸۰ - ۳۹۳.

نقشه توسعه، ابواب، ستونها و سایر آثار مسجد النبی ﷺ  
از آغاز تا دوره عثمانی



- |                                |                                     |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| ۱. مکان الجنائز                | ۱۸. محراب النبی ﷺ                   |
| ۲. مهبط جبرئیل                 | ۱۹. محراب عثمان بن عفان             |
| ۳. مکان اصلی باب جبرئیل (در)   | ۲۰. محراب سلیمانی یا حنفی           |
| ۴. مکان باب جبرئیل در توسعه پس | ۲۱. مناره اصلی (دوران عثمانی)       |
| ۵. مکان باب جبرئیل در عصر      | ۲۲. مناره باب السلام (دوران عثمانی) |
| ۶. مکان اصلی باب الرحمة در عصر | ۲۳. مناره باب الرحمة                |
| ۷. مکان کنونی باب الرحمة       | ۲۴. ستون سریر                       |

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| ۷. باب الشمالي در عصر پیامبر ﷺ    | ۲۵. ستون حرس (امام علی علیه السلام)    |
| ۹. باب عاتکه در دوران پیامبر ﷺ    | ۲۶. ستون وفود                          |
| ۱۰. مکان اصلی باب النساء در دوران | ۲۷. ستون توبه                          |
| ۱۱. مکان کنونی باب النساء         | ۲۸. ستون عایشه                         |
| ۱۲. مکان اصلی باب السلام در عصر   | ۲۹. ستون مخلقه                         |
| ۱۳. مکان کنونی باب السلام         | ۳۰. ستون مقام جبرئیل علیه السلام       |
| ۱۴. باب البقیع                    | ۳۱. ستون تهجد                          |
| ۱۵. ابواب صدیق در دوران سعودی     | ۳۲. قبر رسول خدا ﷺ                     |
| ۱۶. مئذنه بلال حبشی پس از تغییر   | ۳۳. قبر خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه |
| ۱۷. منبر پیامبر ﷺ                 | ۳۴. قبر خلیفه دوم، عمر بن خطاب         |

### خلاصه درس

پیامبر ﷺ به هنگام ورود به مدینه با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است».

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابوایوب انصاری» زانو زد. پیامبر ﷺ زمینی را کنار خانه وی خریداری و نخستین مسجد را در مدینه که به دست ایشان ساخته می‌شد را بنا کردند.

اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشاندند. مسجد پیامبر ﷺ، از آغاز احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. در این مسجد، اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر ﷺ بحث و بررسی می‌شد. دومین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاة یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.



آثار تاریخی و مقدس مسجدالنبی ﷺ عبارتند از:

۱. ستون‌های مسجدالنبی ﷺ؛ ۲. ایوان صفه یا منزلگاه فقرا؛ ۳. منبر؛ ۴. محراب‌ها؛ ۵. روضه النبی ﷺ؛ ۶. بیت شریف پیامبر گرامی ﷺ؛ ۷. خانه فاطمه (علیها السلام)؛ ۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا ﷺ؛ ۹. قبر فاطمه (علیها السلام)؛ ۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین (علیه السلام)؛ ۱۱. محل اذان بلال؛ ۱۲. درهای مسجد.
- در دوران‌های پس از رسول خدا ﷺ، خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی پرداخته و آن را توسعه دادند. عمده‌ترین توسعه مسجدالنبی ﷺ در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به صدها برابر رسید.
- در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰ هزار مترمربع، پشت بام ۶۷ هزار مترمربع، پیرامون مسجد ۲۳۵ هزار مترمربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰ هزار مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

### خودآزمایی

۱. حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی ﷺ رخ داده بیان کنید.
۲. آثار تاریخی مسجدالنبی ﷺ کدامند؟
۳. دلیل شکل‌گیری ایوان صفه چیست؟
۴. روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه (علیها السلام) وجود دارد را ذکر کنید.
۵. سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی ﷺ را توضیح دهید.
۶. روضه النبی را با ذکر روایات شرح دهید.
۷. نام‌های دیگر باب جبرئیل و وجه نامگذاری آنها چیست؟



## منابع و مأخذ

### الف) منابع عربی

۱. آلبنی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن نسائی، ریاض، زهیر الشادیش، المكتب التربية العربی لدول الخلیج، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابو الفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن ابی شیبہ، حافظ عبدالله بن محمد، المصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدین ابی الحسن، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۹۵۶ ق.
۵. ابن اثیر جزری، مجد الدین ابی السعادات، النهایة فی غریب الحدیث والآثر، تحقیق طاهر احمد الرادی، محمود محمد الطناحی، بیروت، مكتبة العلمیه، بی تا.
۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق موسوی الخراسانی، نجف، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ق.
۷. ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، الرحله ابن بطوطه، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۹ ق.
۸. ابن جبیر، ابی الحسن محمد، رساله اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک، معروف به «الرحله ابن جبیر»، بیروت، دار مكتبة الهلال، چاپ دوم، ۱۹۸۶ م.
۹. ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قز اوغلی سبط، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، فی هامشه مطالب السؤل، محمد بن طلحه نصیبی شافعی، چاپ سنگی، ۱۲۸۵ ش.

۱۰. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمييز الصحابة*، مصر، مصطفى محمد، ۱۳۵۸ق.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، *تهذيب التهذيب*، هند، مجلس دائرة المعارف النظاميه، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۵ ق.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری بشرح صحيح البخاری*، التزام، عبدالرحمان محمد، بیروت، دار احیاء، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۳. ابن حجر عسقلانی، *المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانيّة*، مکتبہ المکرمه، دار ابن باز، بی تا.
۱۴. ابن حجر هیثمی، *تحفة الزوار الى قبر النبی المختار*، تحقیق، سید ابو عمه، مصر، دارالصحاح للتراث بطنطا، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. ابن حجر هیثمی، *شهاب الدین، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه*، مصر، مطبعة الیمینیہ، احمد البابی الحلبي، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ق.
۱۶. ابن حجر هیثمی، *نورالدین علی بن ابی بکر، موارد الظمان الى زوائد ابن حبان*، حقه و نشره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت، دارالکتب العلمیه بی تا.
۱۷. ابن حزم اندلسی، *ابو محمد علی بن احمد بن یعید، المَحَلَّى بالآثار*، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی، بیروت، دار الکتب ۱۴۰۸ق.
۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاکر*، مصر، دارالمعارف للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۳۶۸ق.
۱۹. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر، *اخلاق النبی ﷺ*، دراسة و تحقیق، سید الکیلی، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
۲۰. ابن خردادبه، ابی القاسم عبيدالله بن عبدالله، *المسالك و الممالك*، وضع مقدمته و هوامشه محمد مخزوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۲۱. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلاطان الاکبر*، بیروت، دار الکتب، ۱۹۵۶ م.
۲۲. ابن رسته، احمد بن عمر، *الاعلاق النفیسه*، تصحیح و ستنفد، لیدن، ای جی بریل، ۱۸۹۱ م.

٢٣. ابن رشيد فهري البستي، ابي عبدالله محمد بن عمر، *ملء الغيب بما جُمع بطول الغيبة في الوجهة الوجهية الى الحرمين مكة و طيبة*، تحقيق محمد الحبيب بن الخوجه، بيروت، دارالمغرب الاسلامي، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٢٤. ابن سليمان، محمد بن محمد، *جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد*، قبرس، بنك فيصل الاسلامي، ١٤٠٥ق.
٢٥. ابن شبه النميري البصري، ابوزيد عمر، *تاريخ المدينة المنورة*، حققه فهم محمد شلتوت، بيروت، دار التراث، چاپ اول، ١٤١٠ق.
٢٦. ابن شهر آشوب، ابي جعفر رشيد الدين، *المناقب الائمة = المناقب آل ابي طالب*، قم، مطبعة العلمية، بی تا .
٢٧. ابن صباغ مالكي، علي بن محمد بن احمد المغربي المالكي، *الفصول المهمة في معرفة احوال الائمة*، نجف، مكتبة الحيدريه، چاپ سوم ١٣٨١ق.
٢٨. ابن ظهيرة المخزومي القرشي، جمال الدين محمد جارالله بن محمد، *الجامع اللطيف في فضل مكة و اهلها و بناء البيت الشريف*، بيروت، المكتبة الشعبيه، چاپ پنجم، ١٣٩٩ق.
٢٩. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله نمرى قرطبي اشعري، *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*، مصر، مطبعة مصطفى، ١٣٥٨ق.
٣٠. ابن عبدربه الاندلسي، احمد بن محمد، *العقد الفريد*، تحقيق عبدالمجيد استرحيي، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٣١. ابن علان شافعي الاشعري الملكي، محمد بن علان، *دليل النصارى لطرق رياض الصالحين*، تصحيح و تعليق محمود حسن ربيع، مصر، مصطفى البابي الحلبي، بی تا.
٣٢. ابن قتيبة دينوري، ابي محمد عبدالله بن مسلم، *المعارف*، حققه و قدم له ثروت عكاشه، مصر، دارالمعارف، چاپ دوم، ١٩٦٩م.
٣٣. ابن قتيبة دينوري، *الامامة والسياسة*، (منسوب به ابن قتيبه)، قم، منشورات الشريف الرضي و مصر، مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم، ١٣٧٧ق.
٣٤. ابن قتيبة دينوري، *تأويل مختلف الحديث*، تحقيق عبدالقادر احمد عطا، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافيه، ١٤٠٨ق.

٣٥. ابن قیم جوزی، *زادالمعاد فی هدی خیر العباد*، فهرسه محمد ادیب الجاور، بیروت، مؤسسة الرساله ١٤١٢ق. و تحقیق محمد حامد الفقی، قاهره، مطبعة السنة المحمدیه، ١٣٧٣ق.
٣٦. ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید، *السنن*، به اهتمام محمد فؤاد عبدالباقی و محمد الاعظمی، ریاض، ١٣٠٤ق.
٣٧. ابن منظور، امام علامه، *لسان العرب*، تحقیق علی سیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٣٨. ابن موسی، علی، *رسالة فی وصف المدينة المنورة فی ذیل رسائل فی تاریخ المدینة*، جمعها و قدم لها حمد الجاسر، ریاض، منشورات دارالایمامه، ١٣٩٣ق.
٣٩. ابن نجار، امام حافظ بن محمود، *اخبار مدينة الرسول*، المعروف بالدرة الثمينة، تحقیق صالح محمد جمال، مكة المكرمة، مكتبة الثقافة، چاپ سوم، ١٤٠١ق.
٤٠. ابن وردی، زین الدین عمر بن مظفر، *تاریخ ابن وردی*، نجف، المطبعة الحیدریه، چاپ دوم، ١٣٨٩ق.
٤١. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری، *السيرة النبوية*، تحقیق محی الدین عبدالمجید، قاهره ١٣٥٦ق، تحقیق مصطفی السقاء و دیگران، بیروت، دار الوفاق، ١٣٥٥ق.
٤٢. ابن کثیر القرشی الدمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، مصر، مطبعة السعادة، ١٣٥١ق و بیروت، ١٤٠٩ق.
٤٣. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
٤٤. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، مصر، مكتبة الخانجي و مطبعة السعادة ١٣٥١ق، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، ١٣٨٧ق.
٤٥. امینی، عبدالحسین، *الغدير فی کتاب السنة و الادب*، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ١٣٤٦ق.
٤٦. باسلامه، حسین بن عبدالله، *تاریخ عمارة المسجد الحرام بما احتوی من مقام ابراهیم و بشر زمزم و المنبر و غیر ذلك*، جده، تهامه، چاپ دوم، ١٤٠٠ق.

٤٧. بحراني، هاشم بن سعيد بن سليمان، *غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الامام من طريق الخاص و العام*، تهران، معارف اسلامي، بي.تا.
٤٨. بخاري، محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن بردزبه الجعفي، *صحيح البخاري*، مصر، نشر احياء كتب السنه، چاپ دوم، ١٤١٠ق.
٤٩. بكداش، سائد، *فضل ماء زمزم و ذكر تاريخه و اسمائه*، مکه، المكتبة المكية ١٤١٣ق.
٥٠. البكري الشافعي الاشعري المصري، محمد بن عبدالرحمن، *الدرة المكللة في فتح مكة المشرفة المبجلة*، مقدمه و تصحيح محمد حجازي، مصر، مكتبة الثقافية الدينيه، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٥١. بکری، احمد موسى و ديگران، *جغرافية المملكة العربية السعودية*، رياض، وزارت المعارف، ١٣٩٤ق.
٥٢. بلاذري، ابي الحسن احمد بن يحيى بن جابر، *انساب الاشراف*، حققه محمد باقر المحمودي، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، چاپ دوم، ١٩٧٤ م.
٥٣. بن سلام، احمد سعيد، *المدينة المنورة في القرن الرابع عشر الهجري*، مدينه، ١٤١٤ ق.
٥٤. بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، *الآثار الباقية عن القرون الخالية*، بغداد، مكتبة المثنى، بي.تا.
٥٥. بياضون، ابراهيم، زكار، سهيل، *تاريخ العرب السياسي من فجر الاسلام حتى سقوط بغداد*، بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ١٣٩٤ق.
٥٦. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين، *دلائل النبوة*، بيروت، ١٤٠٩ و ترجمه مهدي دامغانی، تهران، علمي فرهنگي، ١٣٦١ ش.
٥٧. جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، *العتمانية*، تحقيق عبدالسلام هارون، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ١٤٠١ق.
٥٨. جندی المکی، ابي سعيد المفضل بن محمد، *فضائل المدينه*، تصحيح محمد مطيع الحافظ، غزوه بدير، دمشق، دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٩. جواد علی، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بيروت، دارالعلم للملایین، ١٩٦٨ م.

٦٠. حاکم حسانى نیشابورى، عیدالله، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، حققه شيخ محمد باقر المحمودى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٣ق.
٦١. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، تهران، مكتبة الاسلاميه، چاپ پنجم، ١٤٠ق.
٦٢. خطيب بغدادى، حافظ ابى بكر احمد بن على، *تاريخ البغداد او المدينة السلام*، مصر، مطبعة السعادة، ١٣٤٩ق.
٦٣. خفاجى، محمدعبدالمعزم، *سيرة خاتم المرسلين*، بيروت، دار الجيل، چاپ اول، ١٤١١ق.
٦٤. الخيارى، احمد ياسين احمد، *تاريخ معالم المدينة المنورة قديماً و حديثاً*، تحقيق عبيدالله محمد امين كردى، مدینه، دارالعلم، چاپ اول، ١٤١٠ق.
٦٥. *دائرة المعارف الاسلاميه*، احمد الشنتاوى، ابراهيم زكى خورشيد، عبدالحميد يونس، تهران، جهان، بوذر جمهرى، بى تا.
٦٦. *دائرة المعارف الشيعيه*، حسن الامين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ١٣٩٣ق.
٦٧. ديار بكرى، حسن بن محمد بن الحسن، *تاريخ الخميس فى احوال انفس النفيس*، بيروت، مؤسسة شعبان للنشر و التوزيع، بى تا.
٦٨. ديلمى، ابن محمد الحسن بن الحسن محمد، *ارشاد القلوب فى فضائل على (عليه السلام)*، نجف، مكتبة العلميه، ١٣٧٠ق.
٦٩. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، *تاريخ الاسلام و طبقات المشاهير و الاعلام*، عن نسخة دارالكتب المصريه، كويت، ١٩٦١ م.
٧٠. رازى، ابى محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادريس، *علل الحديث*، مقدمه محب الدين الخطيب، بيروت، دارالمعرفه، ١٤٠٥ق.
٧١. رفعت پاشا، ابراهيم، *مرآة الحرمين او الرحلات الحجازية و الحج و مشاعرة الدينيه*، مصر، دارالكتب المصريه، ١٣٤٤ق.
٧٢. زبيدى، محمد مرتضى الحسينى، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقيق مصطفى حجازى، بيروت، دارالهدايه، ١٣٩٣ق.



٧٣. زيعلى الحنفى، جمال الدين ابى محمد عبدالله بن يوسف، *نصب الراية لاحاديث الهداية*، بيروت، دار احياء التراث، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٧٤. سعدى المقدسى، ضياء الدين محمد بن عبدالواحد بن احمد، *فضائل الاعمال*، قاهره، دار الفداء العربى، بى تا.
٧٥. سمهودى، ابوالحسن على بن احمد، *الوفاء بما يجب بحضرة المصطفى فى رسائل تاريخ المدينه*، حمد الجاسر، رياض، دار اليمامه، ١٣٩٣ق.
٧٦. سمهودى، ابوالحسن على بن احمد، *وفاء الوفا باخبار دار المصطفى*، حققه و فصله محمد محيى الدين عبدالحميد، چاپ اول، قاهره، مطبعة السعادة، ١٣٧٤ق.
٧٧. سهيلي، عبدالرحمان، *الروض الانف فى شرح السيرة النبوية*، تحقيق، عبدالرحمان الوكيل، قاهره، دارالكتب الحديثه، ١٣٨٧ق.
٧٨. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمان بن ابى بكر، *لباب النقول فى اسباب النزول*، تصحيح احمد عبدالشافى، بيروت، دارالكتب العلمية بى تا .
٧٩. الشامى، صالح الاحمد، *اهل الصفه بعيداً عن الوهم والخيال*، بيروت، دار اعتصام، ١٤٠٧ق.
٨٠. شريف مرتضى، على بن حسين بن موسى، *الامالى = غرر الفوائد و درر القلائد*، تحقيق محمدابوالفضل ابراهيم، مصر، داراحياء الكتب العربى، عيسى البابى، ١٣٧٣ق.
٨١. الصاعدى، سعود بن عبدالمحيى و مطرالمحمدى، *احد - الآثار، المعركة، التحقيقات*، مدينه دارالمجتمع، ١٤١٣ ق.
٨٢. طباطبائى حكيم، سيد محسن، *مستمسك العروة الوثقى*، بيروت، دار احياء التراث، چاپ دوم، ١٣٩١ق.
٨٣. طبرسى، ابو منصور احمد بن على، *الاحتجاج على اهل اللجاج*، محمد حسين خلف، رمضانعلى كاشانى، ايران، چاپ سنگى، دارالطباعه ١٣٠٢ ش.
٨٤. طبرى، حافظ ابى العباس احمد بن عبدالله محب الدين، *القرى لقاصد ام القرى*، تحقيق مصطفى السقاء، بيروت، دارالفكر، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٨٥. طبرى، محمد بن جرير بن يزيد، *الرسل و الملوك = تاريخ الطبرى*، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ١٤٠٨ق. و مصر، مطبعة الاستقامه ١٣٥٧ق.

٨٦. طبری، محمد بن جریر بن یزید، *تهذیب الآثار*، مسند عمر بن خطاب، السفر الثاني، اخرج احادیثه محمد محمود شاکر، قاهره، المؤسسة السعودية، بی تا.
٨٧. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، تحقیق: احمد الحسینی، تهران، مرتضوی ١٣٦٢ ش.
٨٨. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة شیخ مفید*، تحقیق موسوی الخراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥ ش.
٨٩. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، قم، ١٤٠٣ ق.
٩٠. عاملی، محسن الامین، *مفتاح الجنات فی الادعية و الاعمال و الصلوات و الزیارات*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ اول، بی تا.
٩١. عبد الغنی، محمد الیاس، *تاریخ المسجد النبوی الشریف*، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ١٤٢٤ ق.
٩٢. عبد الغنی، محمد الیاس، *تاریخ مكة المكرمة قديماً وحديثاً*، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ١٤٢٢ ق.
٩٣. عبد الغنی، محمد الیاس، *بيوت الصحابة حول المسجد النبوی الشریف*، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ١٤١٢ ق.
٩٤. عسّاف، احمد محمد، *خلاصة الاثر فی سيرة سيد البشر*، بیروت، دار احیاء العلوم، چاپ اول، ١٤٠٨ ق.
٩٥. غزّالی، ابو حامد محمد بن محمد، *احیاء العلوم*، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ١٤٠٩ ق.
٩٦. فاسی المکی المالکی، ابی الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، حققه عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول، ١٤٠٥ ق.
٩٧. فاکهی، ابی عبدالله محمد بن اسحاق، *اخبار مكة فی قديم/الدهر و حدیثه*، تحقیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه، مکتبة النهضة الحدیثه، چاپ اول، ١٤٠٧ ق.
٩٨. فروخ، عمر، *تاریخ صدر الاسلام و الدولة الاموية*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ١٩٧٠ م.

٩٩. فيروزآبادي، مجدالدين ابوطاهر محمد بن يعقوب، *المغانم المطابقة في معالم طابة*، تحقيق حمد الجاسر، رياض، داراليمامة، ١٣٨٩ق.
١٠٠. كاندهلوي، محمد يوسف، *حياة الصحابة*، بيروت، دارالمعرفة، بي.تا.
١٠١. كلبى، هشام بن سائب، *الاصنام*، تحقيق احمد زكى پاشا، قاهره، ١٩٢٥ م.
١٠٢. كليني، ابي جعفر محمد بن يعقوب، *الفروع من الكافي*، تصحيح على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم، ١٣٦٣ش.
١٠٣. گنجى شافعى، ابو عبدالله محمد بن يوسف، *كفاية الطالب في مناقب على بن ابي طالب عليه السلام*، تحشيه طباطبائي، بي.تا.
١٠٤. ليب البتنوني، محمد، *الرحلة الحجازية*، عباس حلمى پاشا الثانى خديو قاهره، مكتبة الثقافية الدينيه، بي.تا.
١٠٥. متقى الهندى، علاء الدين متقى بن حسام الدين، *كنز العمال في سنن و الاقوال والافعال*، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٩ق.
١٠٦. مجلسى، محمد باقر، *بحار الانوار*، نهض مشروحه سيد جواد علوى و محمد آخوندى، تهران، ١٣٨٨ق.
١٠٧. مسعودى، ابوالحسن على بن الحسين شافعى، *التنبيه و الاشراف*، بيروت، مكتبة خياط، ١٩٦٥م.
١٠٨. مسعودى، ابوالحسن على بن الحسين شافعى، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، مصر، مطبعة البهية المصرية، ادارة الملتزم، ١٣٤٦ق؛ لبنان، دارالقلم، ١٤٠٨ق.
١٠٩. مسلم، امام محمد، *الصحيح*، بشرح الامام النووى، بيروت، دارالفكر، بي.تا.
١١٠. مصعب زبيرى، ابي عبدالله مصعب، *نسب قريش*، تحقيق لىوى بردفينسال، مصر، دار المعارف، بي.تا.
١١١. مفيد، محمد بن نعمان، *الارشاد*، صححه و اخرجه سيد كاظم الموسوى المياموى، شيخ محمد الآخوندى، بيروت، دارالكتب اسلاميه، ١٣٧٧ق.
١١٢. مقدسى، طاهر بن مطهر، *البدء و التاريخ*، باريس، تحت اشراف كلمان هوار فرانسوى ١٩٠٧م؛ ايران، مكتبة الاسلاميه، ١٩٦٢م.
١١٣. ملاخاطر، ابراهيم، *فضائل المدينة المنورة*، دمشق، مئسسة علوم القرآن، ١٤٠٤ق.

١١٤. نسائی، سنن، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
١١٥. نهروانی المکی الحنفی، قطب الدین، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، بیروت: دارالرائق التراث العربی، بی تا.
١١٦. واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت، بی تا.
١١٧. وزارة الاعلام الشؤون الاعلامية الاعلام الداخلي، فی خدمة ضیوف الرحمن، ریاض، دارالموسوعة العربیه، ١٤١١ق.
١١٨. ولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٤٠٩ق.
١١٩. همدانی، احمد الرحمانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى من المهد الى اللحد، بیروت، النعمان، ١٤١١ق.
١٢٠. همو، الاغانی، تحقیق سید جابر، مکه مکرمه، دار ابن باز، بی تا.
١٢١. یاسین، محمود، الرحلة الحج و العمرة، بیروت، دارالهجرة، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٢٢. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، معجم البلدان، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بی تا؛ مصر، تصحیح محمد الخانجی، احمد ناجی الجمالی، ١٣٢٣ق، بیروت، دارالفکر، بی تا.
١٢٣. یعقوبی، احمد بن یعقوب، البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ق.
١٢٤. یعقوبی، احمد بن یعقوب، الشهير بابن واضح الاخباری، تاریخ یعقوبی، نجف، مکتبه المرتضویه، ١٣٥٨ق؛ بیروت، دارصادر، داربیروت، ١٣٧٩ق.
١٢٥. یلماز طرچان، الکعبة المشرفة، دراسة اثریة لمجموعة اقبالها و مفاتیحها المحفوظة فی متحف طوب قابی باستانبول، استانبول، ١٤١٤ق.

#### (ب) منابع فارسی

١٢٦. ابویوسف قاضی انصاری، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان، مدیریت جریده وزارت مالیه، ١٣٣٥ق.
١٢٧. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشد الصالح ملخس، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، بنیاد، ١٣٦٨ش.

۱۲۸. شوقی ضیف، *العصر الجاهلی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۱۲۹. فراهانی، میرزا عبدالحسین، *سفرنامه فراهانی به قفقازیه - مکه*، به اهتمام حافظ فرمانفرمایان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۴۲ ش.
۱۳۰. کُمّونه حسینی، سید عبدالرزاق، *آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر ﷺ و بزرگان صحابه و تابعین*، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
۱۳۱. مصاحب، غلامحسین، *دائرة المعارف فارسی*، تهران، فرانکلین ۱۳۴۵ ش.
۱۳۲. نجفی، محمد باقر، *مدینه شناسی*، بی نا، ۱۳۶۳ ش.

### ج) منابع لاتین

133. Ej. Brill. Leiden, *Encyclopedia of Islam*, New York. Robenhurn 1987.
134. Carl Brokelmann, *History of the Islamic peoples*, London and Bradford, 1964.
135. Glubb, John Bagot, *the life and times of Mohammad*, hodder and stoughton first printed 1970.
136. Wellhosen, Julius, *the Arab kingdom and its fall*, loandon curzen pres, 1973.